



واژه آموزی زبان فارسی

سطح مقدماتی

نویسنده: مهناز عسگری

مال الکساندر

عسگری، مهناز، ۱۳۴۷
 واژه‌آموزی زبان فارسی / تألیف: مهناز عسگری. -- تهران:
 کانون زبان ایران، ۱۳۸۴-
 ج۳: مصور، جدول.
 (ج.۱): ISBN 964-8699-45-3
 فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
 مندرجات: ج. ۱. واژه‌آموزی زبان فارسی (سطح مقدماتی).
 ۱. فارسی -- راهنمای آموزشی -- خارجیان. ۲. فارسی -- خودآموز.
 ۳. فارسی -- کتابهای درسی برای خارجیان. ۴. فارسی -- واژگان.
 الف. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. کانون زبان ایران. ب. عنوان.
 ۹خ ۵ع / PIR ۲۸۲۷ / ۲۴ / ۸فا
 کتابخانه ملی ایران ۲۶.۷-۸۴م



واژه‌آموزی زبان فارسی (سطح مقدماتی)

نویسنده: مهناز عسگری
 ویراستار: مهدی ضرغامیان
 مدیر هنری و صفحه‌آرا: بهناز عسگری
 طراح جلد: زهرا شکریان
 تصویرسازان: گلناز پارسا، بهناز عسگری، عذرا نادری
 ناشر: کانون زبان ایران
 سال انتشار: ۱۳۸۴
 شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
 چاپ: شرکت افست
 نشانی: تهران، خیابان استاد مطهری، خیابان فجر، شماره ۳۷
 کد پستی: ۱۵۸۷۹۳۴۱۳ صندوق پستی ۱۴۱۵۵/۶۳۶۸
 تلفن: ۸۸۳۰۶۰۶۷
<http://www.ili.ir>



بخش اول - زندگی روزمره

- ۱- خانه ۸
- ۲- در خانه (۱) ۱۲
- ۳- در خانه (۲) ۱۶
- ۴- خانواده و خویشاوندان ۲۰
- ۵- فعالیت‌های روزانه ۲۴
- ۶- مشکل‌های روزانه ۲۸
- ۷- صفت‌های رایج ۳۲
- ۸- شهر ۳۶
- ۹- مکان‌های عمومی و تجاری ۴۰
- ۱۰- شغل‌ها ۴۴
- ۱۱- حمل و نقل ۴۸
- ۱۲- پول و تجارت ۵۲
- ۱۳- ورزشکاران و ورزش‌ها ۵۶

بخش دوم - انسان

- ۱۴- بدن انسان ۶۰
- ۱۵- چهره ۶۴
- ۱۶- پوشاک ۶۸
- ۱۷- غذا ۷۲
- ۱۸- بیماری‌ها ۷۶

بخش سوم - طبیعت

- ۱۹- جانوران ۸۰
- ۲۰- میوه‌ها و سبزیجات ۸۴
- ۲۱- گل‌ها و درختان ۸۸
- ۲۲- پدیده‌های طبیعی (۱) ۹۲
- ۲۳- پدیده‌های طبیعی (۲) ۹۶
- ۲۴- زمان و فصول ۱۰۰

بخش چهارم - ساخت واژه

- ۲۵- پسوندها (۱) ۱۰۴
- ۲۶- پسوندها (۲) ۱۰۸
- ۲۷- کلمه‌های مرکب (۱) ۱۱۲
- ۲۸- کلمه‌های مرکب (۲) ۱۱۶
- ۲۹- پیشوندها ۱۲۰
- ۳۰- فعل‌های پیشوندی ۱۲۴

بخش پنجم - ضمیمه

- اعداد ۱۳۱
- واژه‌نامه ۱۳۲
- پاسخ‌نامه ۱۳۳

پیشگفتار

کمبود منابع آموزشی از مهم‌ترین موانع گسترش زبان فارسی به غیر ایرانیان، مخصوصاً علاقه‌مندان فراگیری زبان فارسی در سراسر دنیا است. از این رو هم‌زمان با تأسیس گروه زبان فارسی در کانون زبان ایران در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی، تهیه و تدوین مواد آموزشی مهم‌ترین وظیفه‌ی این بخش قلمداد شد.

در حال حاضر، گروه زبان فارسی کانون زبان ایران، ضمن آموزش فارسی به زبان‌آموزان غیر ایرانی، در حال آماده‌سازی مواد آموزشی مناسب برای دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آموزشی و تألیف و انتشار کتاب و منابع آموزشی در زمینه‌های واژه‌آموزی، خواندن، دستور زبان، مکالمه و همچنین فرهنگ یک زبان‌های فارسی ویژه‌ی غیر فارسی زبان‌هاست.

کتاب حاضر نخستین جلد از مجموعه‌ی سه جلدی واژه‌آموزی زبان فارسی است که توسط خانم مهناز عسگری برای سطح مقدماتی نوشته است.

استفاده از این مجموعه در درس واژه‌آموزی زبان فارسی توصیه می‌شود.

گروه زبان فارسی

کانون زبان ایران

مقدمه

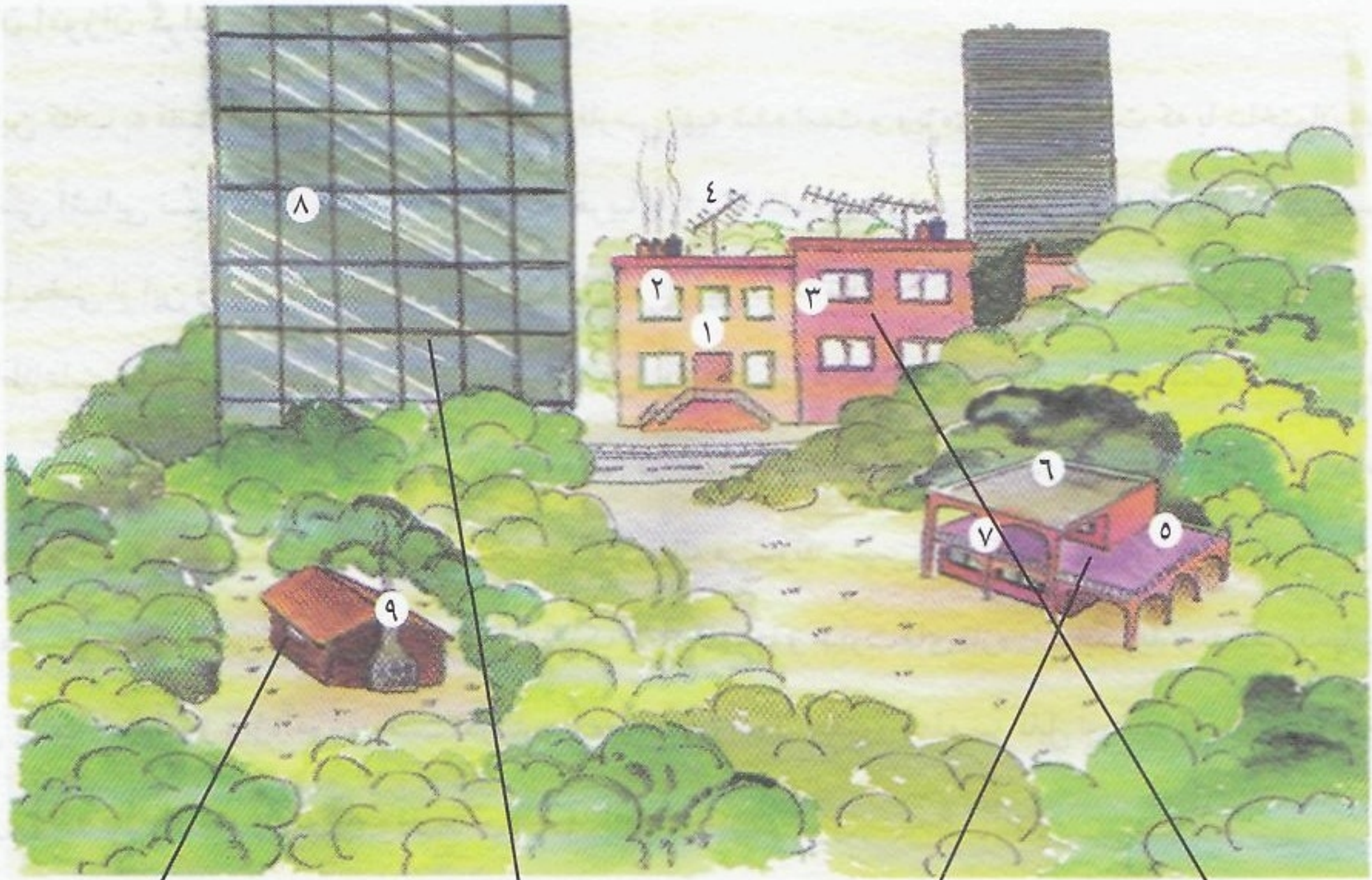
زبان آموزان گرامی:

این کتاب به قصد آموزش بخشی از واژه‌های فارسی تهیه شده است و ویژه‌ی کسانی است که با ساختمان زبان فارسی آشنایی نسبی دارند. شما در این کتاب تقریباً با ۱۳۰۰ کلمه‌ی فارسی آشنا می‌شوید. اگرچه ممکن است شما بعضی از این واژه‌ها را بشناسید و حتی آن‌ها را به کار ببرید، اما مطالعه‌ی این کتاب به منزله‌ی نوعی بازنگری به اطلاعات پیشین و تثبیت دانش واژگانی شما در موضوع‌های مورد بحث در این کتاب است. کتاب حاضر شامل ۳۰ درس است و هر درس بر پایه‌ی موضوعی معین در چهار صفحه ارائه می‌شود. در دو صفحه‌ی اول هر درس واژه‌های آموزشی به کمک تصاویر، توضیحات و متن ارائه می‌شوند. سپس در صفحه‌های سوم و چهارم تمرین‌ها و فعالیت‌های گوناگونی تدوین شده است تا به کمک آن‌ها کلمه‌ها و عبارت‌های تازه را فراگیرید و به ذهن بسپارید. این کتاب خودآموز واژه‌آموزی است. در نتیجه، مطالب آن بدون حضور معلم نیز قابل استفاده است. پاسخ‌نامه‌ی تمرین‌ها و واژه‌نامه، در پایان کتاب در بخش ضمیمه آمده است.

چند توصیه:

۱. اگرچه در تدوین دروس اصل پیشرفت تدریجی رعایت نشده است، ولی بهتر است درس‌های کتاب را به ترتیب بخوانید.
۲. تکرار یکی از بهترین روش‌ها برای تثبیت معنای کلمه‌ی جدید و به خاطر سپاری آن است. تکرار موجب یادآوری بعضی از مطالب فراموش شده می‌گردد.
۳. تعداد کلمه‌های هر درس محدود است. بنابراین فقط به یادگیری آن‌ها اکتفا نکنید.
۴. اگر در متن‌ها با کلمه‌ی ناآشنایی روبرو شدید، معنایش را جستجو کنید.
۵. شما برای تلفظ صحیح کلمه‌های مربوط به هر درس می‌توانید به واژه‌نامه در پایان کتاب رجوع کنید. در این فهرست تلفظ کلمه‌ها به خط آوانگار بین‌المللی ارائه شده است.

انواع مسکن



- | | | | |
|---------|--------|-----------|----------|
| کلبه | برج | ویلا | آپارتمان |
| دودکش ⑨ | شیشه ⑧ | بالکن ⑤ | در ① |
| | | پشت بام ⑥ | پنجره ② |
| | | ستون ⑦ | دیوار ③ |
| | | | آنتن ④ |

آپارتمان من

من در طبقه‌ی چهارم یک ساختمان پنج طبقه زندگی می‌کنم. هر طبقه‌ی این ساختمان دو واحد آپارتمان دارد. من برای رفت و آمد از آسانسور استفاده می‌کنم، زیرا پلکان تنگ و تاریک است. ما در پارکینگ یک انباری داریم. همه‌ی آپارتمان‌های این ساختمان با شופاز گرم می‌شود. شופازخانه در زیرزمین زیر پارکینگ واقع شده است. من در اتاق پذیرایی یک شومینه‌ی گازسوز درست کرده‌ام که خیلی زیباست. پشت ساختمان ما حیاط بزرگی وجود دارد. باغچه‌ی قشنگ و سرسبزی در گوشه‌ی حیاط است. وسط باغچه حوض آبی با یک فواره‌ی کوچک قرار دارد.

خانه‌ی برادرم

برادرم در خانه‌ای ویلایی در شمال تهران زندگی می‌کند. نمای ویلا از آجر ساخته شده و سقف آن شیروانی است. ویلای قدیمی او وسط باغی با درخت‌های بزرگ و کهنسال قرار دارد. او در زمستان خانه را با بخاری گرم می‌کند و برای گرم کردن آب از آبگرمکن استفاده می‌کند. در تابستان، او کولر و پنکه را روشن نمی‌کند، زیرا در بالکن روی صندلی راحتی‌اش زیر سایه‌ی درخت چناری می‌نشیند و خودش را با بادبزن باد می‌زند.

چند صفت برای خانه

● خانه‌های شمالی خانه‌هایی هستند که در آن‌ها حیاط جلوی ساختمان قرار دارد.

● خانه‌های جنوبی خانه‌هایی هستند که در آن‌ها حیاط پشت ساختمان قرار دارد.

● اتاق آفتابگیر اتاقی است که آفتاب به راحتی به داخل آن می‌تابد.

● اتاق جادار اتاقی است که در آن چیزهای زیادی را می‌توان گذاشت.

● آپارتمان یک‌خوابه آپارتمانی است که فقط یک اتاق خواب دارد.

● آپارتمان دوخوابه آپارتمانی است که دو اتاق خواب دارد.

تمرین ۱

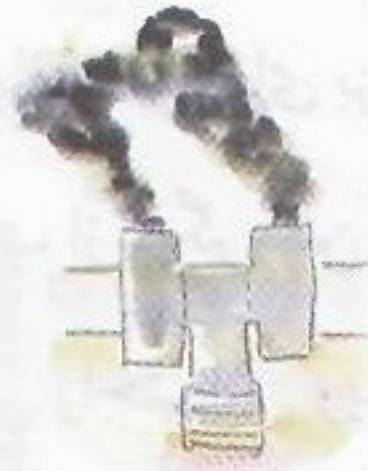
با توجه به تصویرها، در جای خالی کلمه‌ی مناسب بگذارید.



ث



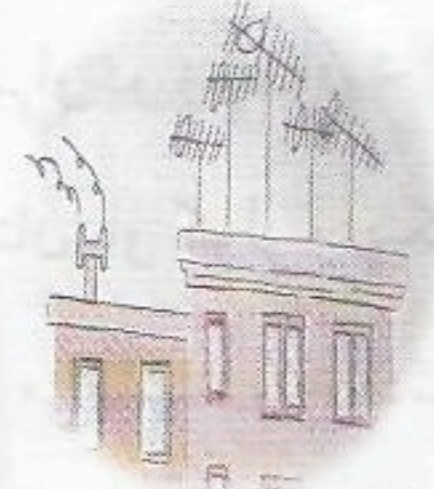
ت



پ



ب



الف

۱. نمای ساختمان ما از ساخته شده است.

۲. دود سیاهی از بیرون می آید.

۳. روی پشت بام پنج قرار دارد.

۴. اتاقم باز است.

۵. مادر بزرگ خودش را با باد می زند.

۶. من برای رفت و آمد در داخل ساختمان از استفاده می کنم.



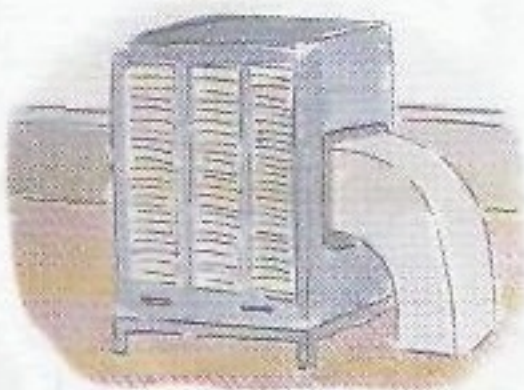
ج

تمرین ۲

هر کلمه را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج

۱. کولر

۲. سقف

۳. بالکن

۴. بخاری

۵. شوفاژخانه

۶. حیاط

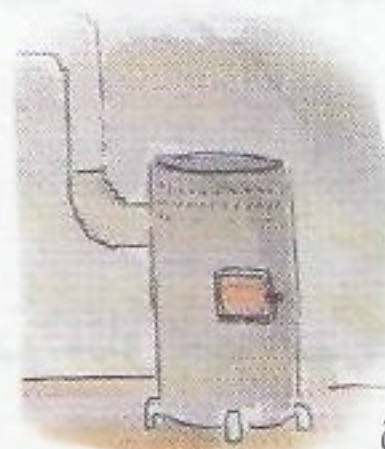
۷. در



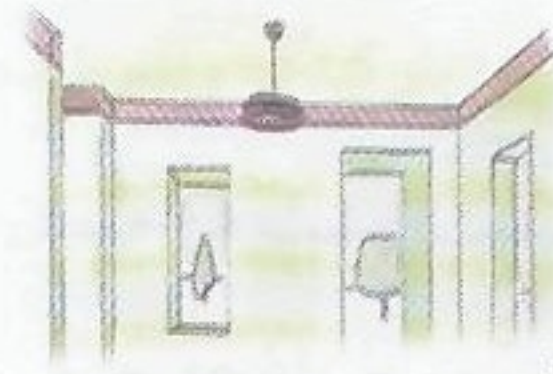
الف



ب



ج

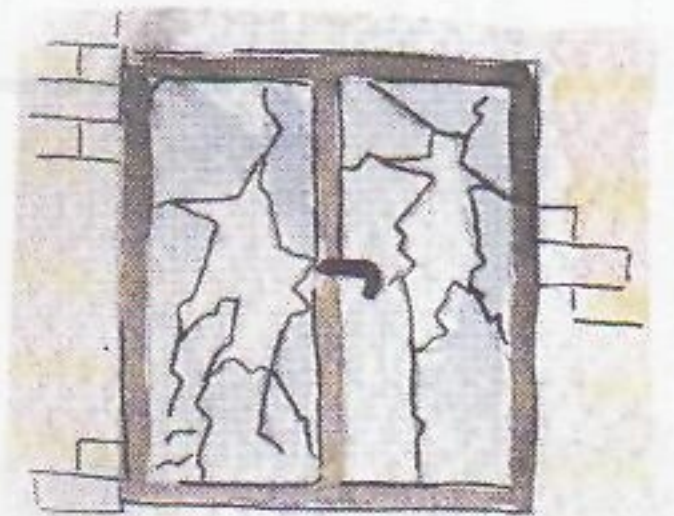
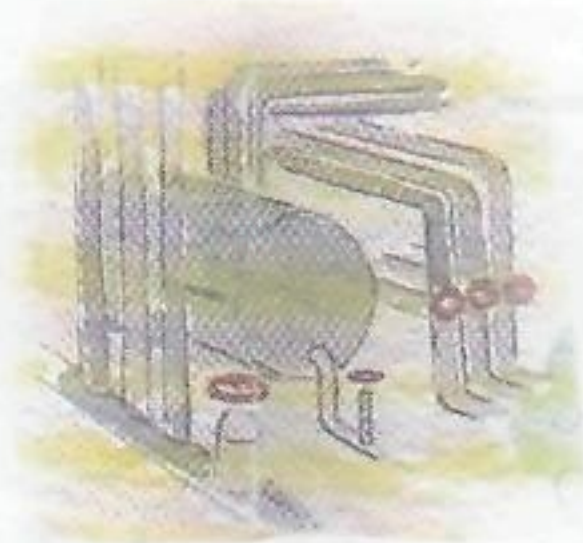


ث

جمله‌های سمت راست را با یک خط به کلمه‌های مربوط به آن‌ها در سمت چپ وصل کنید.

- | | |
|-------------|---|
| الف. انباری | ۱. اتاقی که آفتاب به راحتی به داخل آن می‌تابد. |
| ب. آبگرمکن | ۲. خانه‌ای است که دو اتاق خواب دارد. |
| پ. آفتابگیر | ۳. بخشی از ساختمان است که معمولاً در پارکینگ قرار دارد. |
| ت. دو خوابه | ۴. وسیله‌ای برای گرم کردن آب است. |

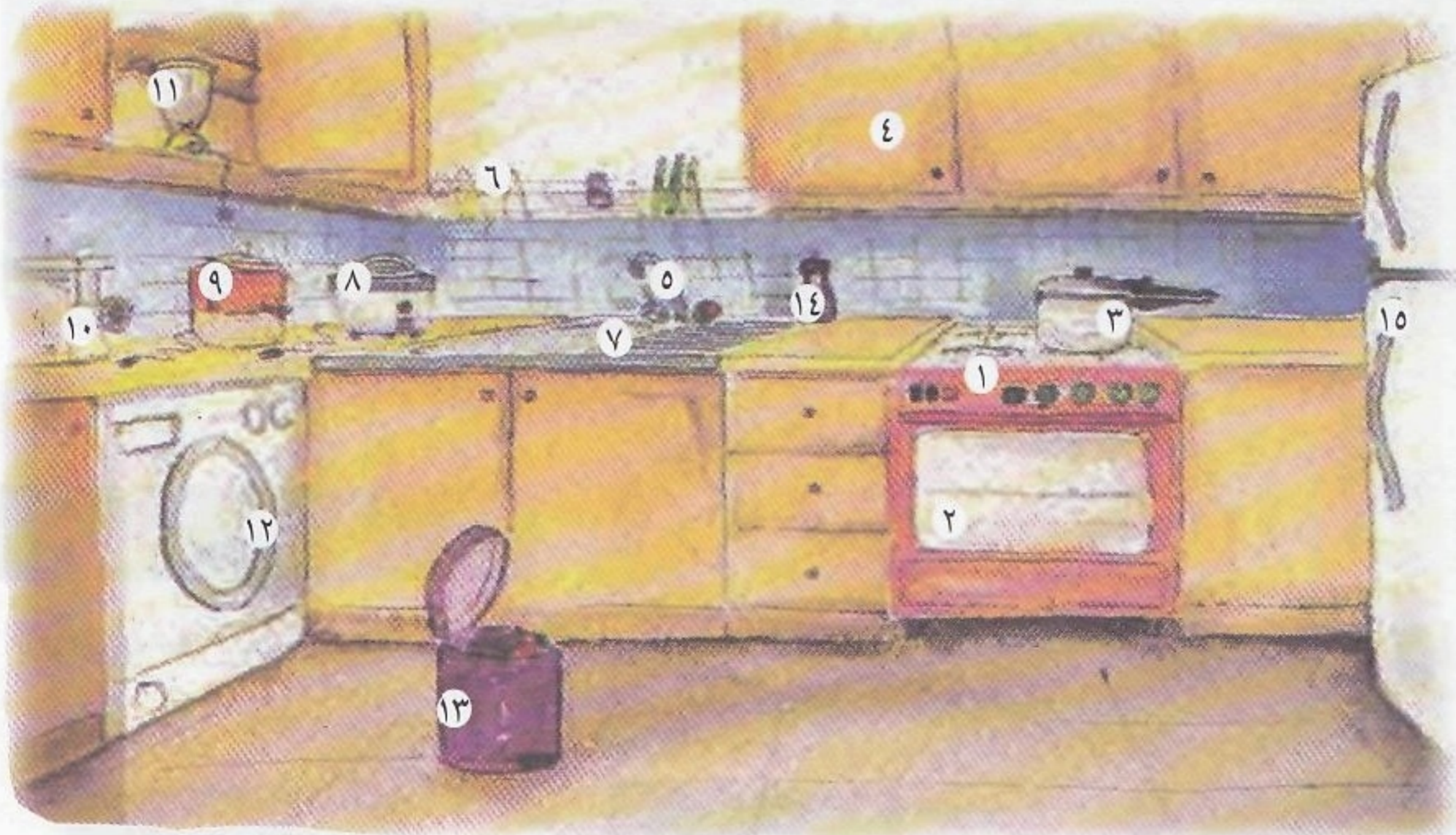
با توجه به تصویرها، جاهای خالی متن زیر را پر کنید.



بچه‌ها در توپ بازی می‌کردند. ناگهان توپشان وسط افتاد. یکی رفت تا توپ را بیاورد. وقتی که می‌خواست توپ را پرتاب کند، از دستش داخل افتاد. بچه‌ها توپ را از حوض بیرون آوردند. بعد، دوباره بازی شروع شد. ناگهان یکی از آن‌ها ضربه‌ی محکمی به توپ زد و توپ به خورد. شیشه شکست و توپ داخل خانه رفت. پیرمردی به آمد و با عصبانیت توپ را پایین انداخت. توپ قل خورد و به طرف رفت. بچه‌ها هم به دنبال توپ رفتند.

در خانه (۱)

آشپزخانه



- | | | | | | | | | | | | | | | |
|------------|------|---------|----------|----------|----------|------------|---------|----------------|-------------|-------------|--------------------|--------------|------------------|----------------|
| ۱ اجاق گاز | ۲ فر | ۳ زودپز | ۴ کابینت | ۵ شیر آب | ۶ جاظرفی | ۷ ظرف شویی | ۸ پلوپز | ۹ آب میوه گیری | ۱۰ چرخ گوشت | ۱۱ مخلوط کن | ۱۲ ماشین لباس شویی | ۱۳ سطل آشغال | ۱۴ مایع ظرف شویی | ۱۵ یخچال فریزر |
|------------|------|---------|----------|----------|----------|------------|---------|----------------|-------------|-------------|--------------------|--------------|------------------|----------------|

لوازم آشپزخانه



آشپزخانه‌ی خانگی ما

ما آشپزخانه‌ی بزرگی داریم. تمام ظرف‌ها و وسایل غذاخوری را در کابینت‌های آشپزخانه جا داده‌ایم. در یکی از کابینت‌ها شیشه‌ای است. در این کابینت، ظرف‌های چای‌خوری چینی و قدیمی را گذاشته‌ایم. پنجره‌ی آشپزخانه، بالای ظرف‌شویی قرار دارد. یخچال طرف‌چپ ظرف‌شویی است. اجاق‌گاز و ماشین لباس‌شویی با کمی فاصله در طرف دیگر آشپزخانه قرار دارند. آب‌میوه‌گیری و چرخ‌گوشت، هر کدام روی یک گوشه از بوفه‌ی آشپزخانه‌اند. میز و صندلی چهار نفره در وسط آشپزخانه قرار دارد. ما همیشه صبحانه، ناهار و شام را در آشپزخانه و سر همین میز می‌خوریم.

وسایل غذاخوری



فنجان و نعلبکی



استکان



لیوان



چنگال



قاشق



پارچ



سوپ‌خوری



دیس



کاسه



بشقاب



چاقو



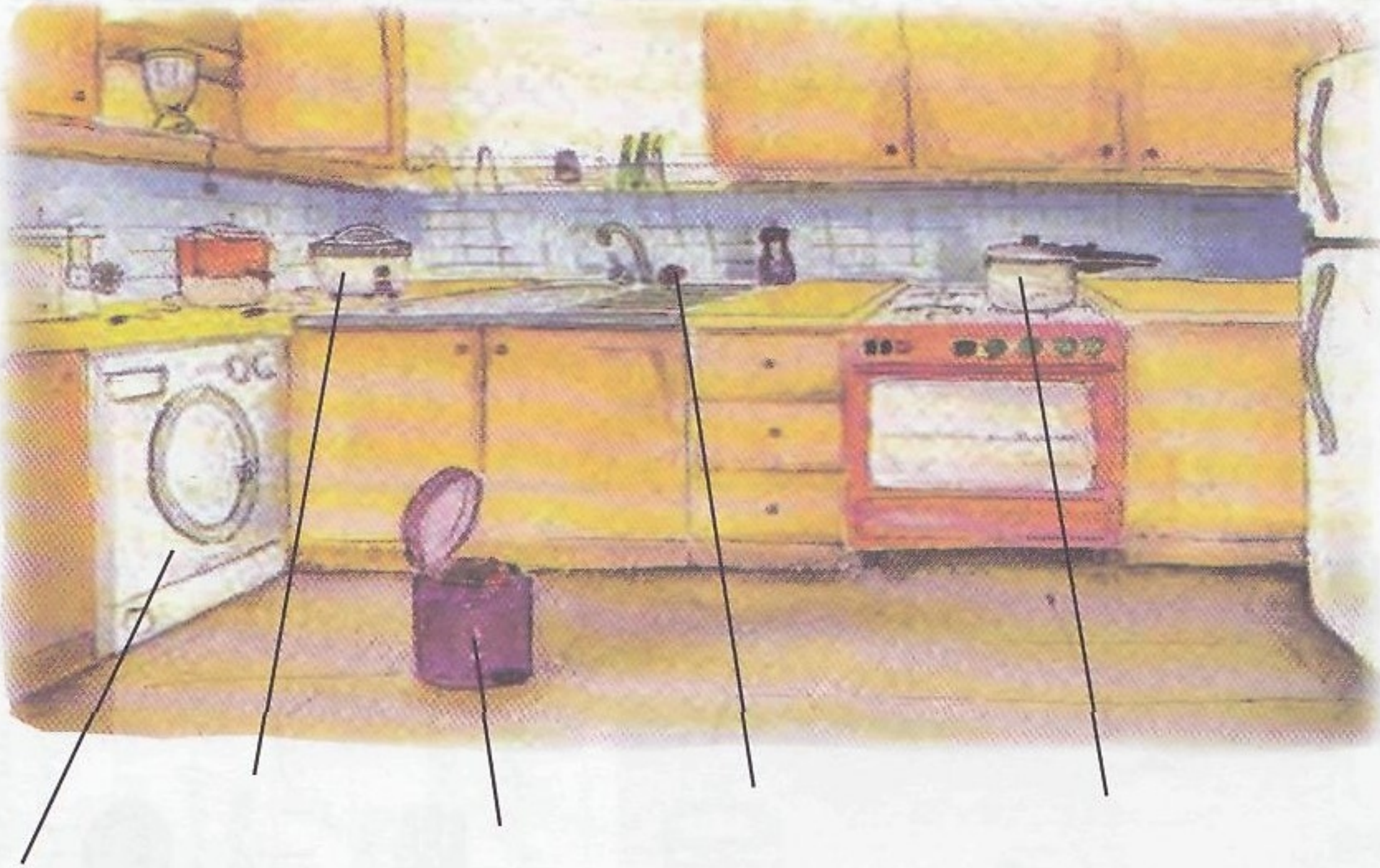
قندان



نمکدان

تمرین ۱

نام وسایل را کنارشان بنویسید.



تمرین ۲

کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است؟

- ۱. با قاشق چای خوری، چای را هم می‌زنیم.
- ۲. کاسه ظرف مخصوص خوردن پلو است.
- ۳. پلو و خورش را در سوپ‌خوری می‌ریزیم و می‌خوریم.
- ۴. فنجان ظرف مخصوص نوشیدن چای یا قهوه است.
- ۵. فر وسیله‌ی مخصوص درست کردن کیک و شیرینی است.
- ۶. نعلبکی بشقاب کوچک زیر استکان و فنجان است.
- ۷. غذا در زودپز دیر می‌پزد.
- ۸. قاشق و چنگال از وسایل اصلی خوردن غذا هستند.

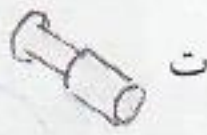
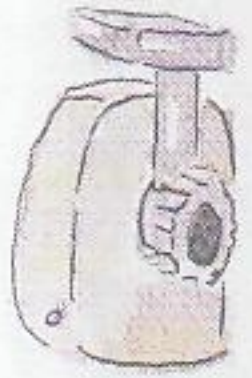
تمرین ۳

در تمرین زیر مشخص کنید برای انجام هر کاری به چه چیزی نیاز دارید.

۱. کوبیدن گوشت و سیبزمینی
۲. گرفتن آب میوه‌ها
۳. سرخ کردن ماهی
۴. رنده کردن سیبزمینی
۵. چرخ کردن گوشت
۶. شستن لباس‌ها
۷. دم کردن چای



ب



ت



ج



ج



الف



ب



ت

تمرین ۴

هر یک از کلمه‌های زیر را به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

۱. گوشت کوب

۲. دیس

۳. اجاق گاز

۴. قاشق و چنگال

۵. ماشین لباس شویی

۶. سطل آشغال

۷. فنجان و نعلبکی



ب



ت



ج



ج



الف



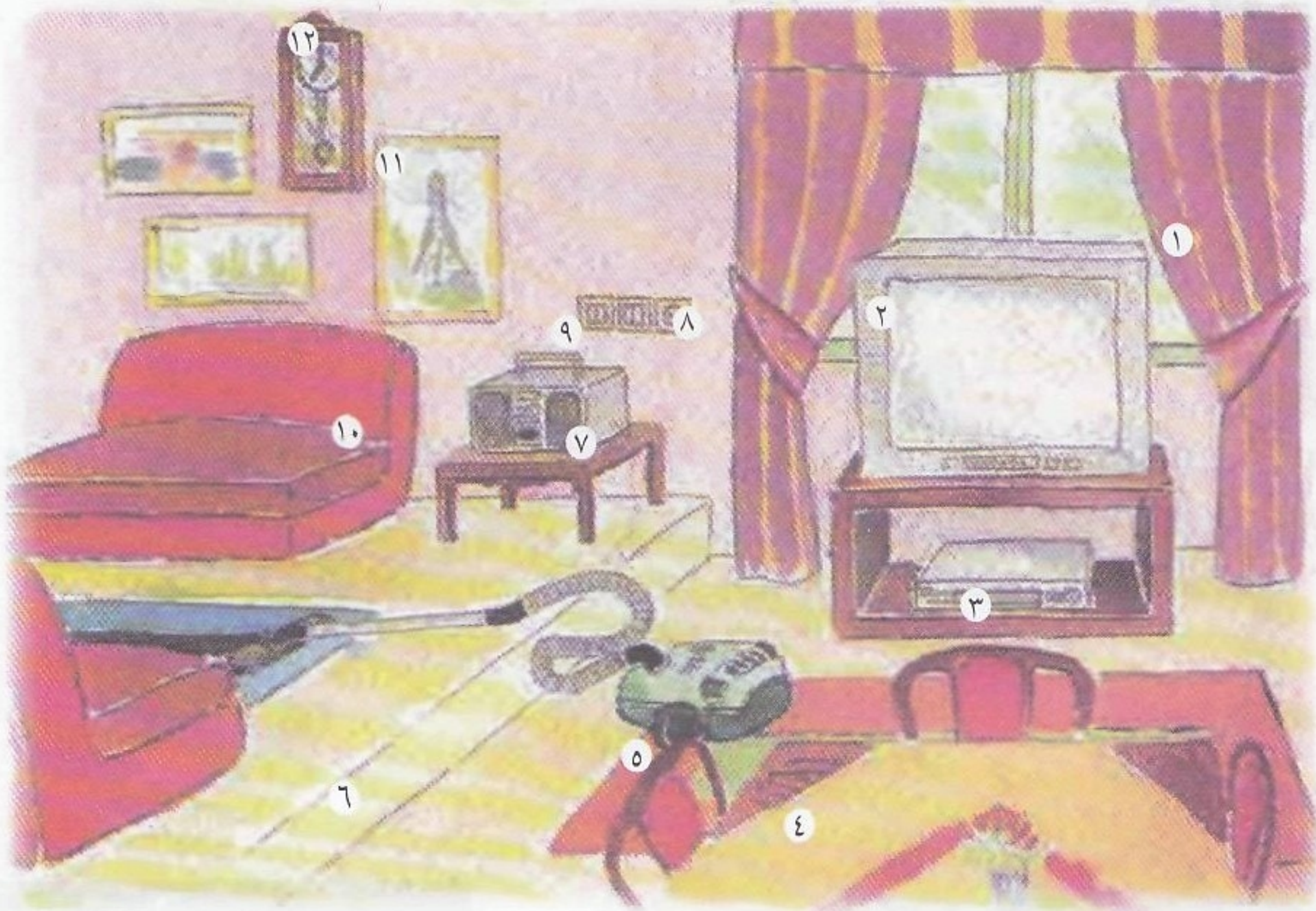
ب



ت

در خانه (۲)

اتاق نشیمن

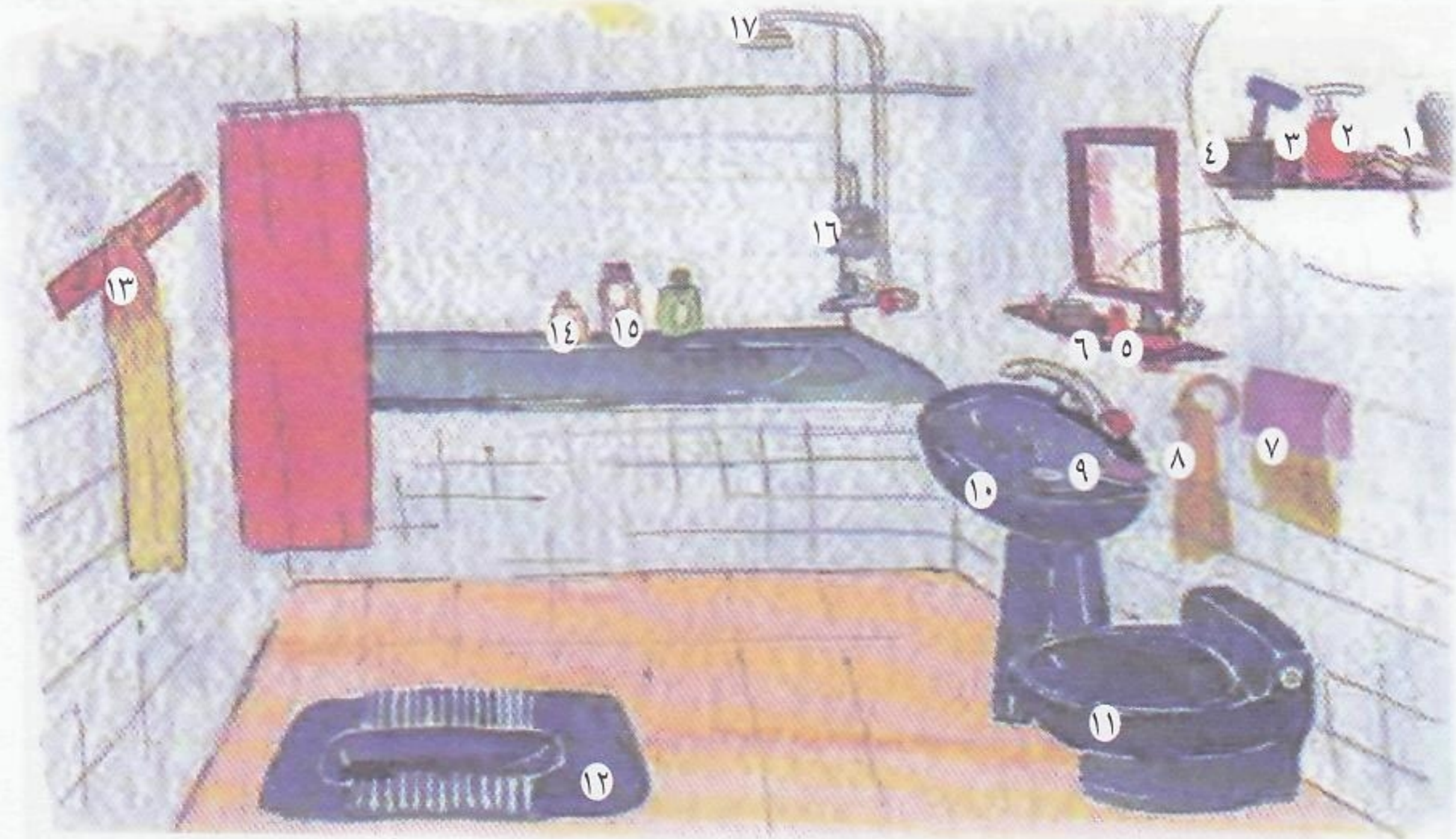


- | | | | |
|------------|------------|-------------|----------------|
| ① پرده | ④ میز | ⑦ رادیو ضبط | ⑩ مبلمان راحتی |
| ② تلویزیون | ⑤ جاروبرقی | ⑧ پرینتر | ⑪ قاب عکس |
| ③ ویدئو | ⑥ موکت | ⑨ کلید | ⑫ ساعت |

اتاق پذیرایی

ما اتاق پذیرایی نسبتاً بزرگی داریم. فرش این اتاق کرم رنگ است. چند تابلوی نقاشی زیبا به دیوارهای اتاق نصب کرده‌ایم. مبلمان پذیرایی در بالای اتاق چیده شده و میز ناهارخوری در پایین اتاق قرار دارد. رومیزی توری قشنگی روی میز انداخته شده و وسط آن گلدان بلوری زیبایی قرار دارد. بوفه و ویتترین چوبی بزرگی در یک طرف اتاق قرار دارد. ظرف‌های مخصوص پذیرایی داخل این بوفه و ویتترین چیده شده‌اند. چند میز عسلی در گوشه‌ای از اتاق پذیرایی گذاشته‌ایم. لوستر زیبایی از سقف اتاق پذیرایی آویزان است. شب‌ها وقتی لوستر را روشن می‌کنیم، اتاق پذیرایی واقعاً زیبا و درخشان می‌شود.

دست‌شویی و حمام



- ① ریش تراش ④ تیغ ⑦ حوله‌ی کاغذی ⑩ دست‌شویی ⑬ جالباسی ⑯ لیف
 ② نخ دندان ⑤ مسواک ⑧ حوله ⑪ دست‌شویی فرنگی ⑭ وان ⑰ دوش
 ③ خمیر ریش ⑥ خمیر دندان ⑨ صابون ⑫ دست‌شویی سنتی ⑮ شامپو

اتاق خواب پرویز

این‌جا اتاق خواب پرویز است. تخت خواب پرویز کنار پنجره قرار دارد. پاتختی طرف چپ تخت قرار دارد. پرویز چراغ خواب و ساعت را روی پاتختی گذاشته است. دراور او کنار پاتختی است. این دراور پنج کتو دارد. پرویز لباس‌های خانگی‌اش را داخل کشوی دراور می‌گذارد. او روی دراور آینه، شانه، برس و سشوار گذاشته است. در گوشه‌ی اتاق، کمد دیواری نسبتاً بزرگی قرار دارد. پرویز لباس‌ها و بعضی از وسایلش را داخل کمد دیواری مرتب کرده است.



تمرین ۱

جای لوازم زیر را در جدول مرتب کنید.

حوله‌ی کاغذی، سطل آشغال، میز ناهارخوری، لیف، تابلو، یخچال، خمیر ریش، چراغ خواب
 کمد دیواری، فنجان، گلدان، دراور، رو تختی، اجاق گاز، ویتترین، دیس، تیغ، مسواک
 تلویزیون، تشک، آینه، آبکش، رومیزی، صابون

آشپزخانه	اتاق پذیرایی و هال	دست شویی و حمام	اتاق خواب
.....
.....
.....
.....
.....
.....

تمرین ۲

با یک خط هر جمله را به شکل مربوط به آن وصل کنید.



الف



پ

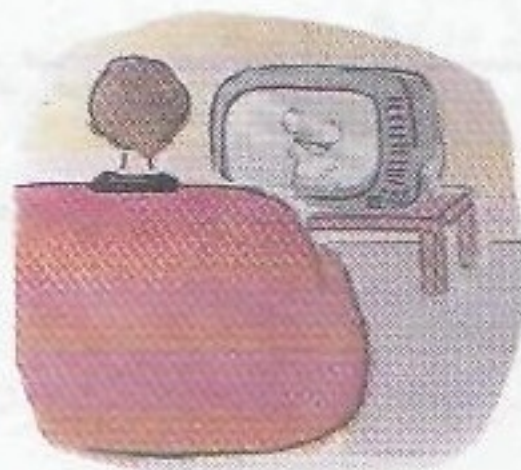


ث

۱. فرزانه اتاقش را مرتب می کند.
۲. مریم اتاق را جارو می کند.
۳. نسرين ظرف‌ها را می شوید.
۴. فرزاد تلویزیون تماشا می کند.
۵. علی دندان‌هایش را مسواک می کند.
۶. حمید صورتش را اصلاح می کند.



ب



ت



ج

تمرین ۳

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

صابون، مبل، بوفه و ویتترین، ریش تراش، کشو، گلدان، خمیر ریش، خمیر دندان، شامپو

۱. دراور پرویز پنج دارد.
۲. سارا برای مسواک دندان‌هایش از استفاده می‌کند.
۳. شیرین ظرف‌های پذیرایی از مهمان‌ها را در می‌گذارد.
۴. بیژن روی نشسته است.
۵. مسعود موهایش را با می‌شوید.
۶. روی میز، اتاق شما را زیباتر کرده است.
۷. احمد با صورتش را اصلاح می‌کند.
۸. احمد دستش را با آب و می‌شوید.

تمرین ۴

به کمک جمله‌های زیر کلمه‌های داخل جدول را پیدا کنید.

مثال: دست و صورت را با آن خشک می‌کنیم: حوله

۱. ظرف بزرگ پر از آب در حمام که برای شست و شو در آن می‌روید
۲. پارچه‌ای که به پنجره‌ها آویزان می‌کنیم تا اتاق‌ها زیباتر به نظر بیایند
۳. جریان برق را با آن قطع و وصل می‌کنیم
۴. دوشاخه‌ی لوازم برقی را در آن فرو می‌کنیم
۵. وقت و زمان را نشان می‌دهد
۶. پوشش کف اتاق‌ها که از فرش نازک‌تر است

ع	س	پ	ر	ی	ز
ص	ا	ب	و	ن	پ
ک	ع	ح	ا	م	ر
ل	ت	و	ن	و	د
ی	د	ل	ر	ک	ه
د	ص	ه	ی	ت	پ

خانواده و خویشاوندان

خانوادهی آقای امیری



تصویر بالا خانوادهی آقای امیری را نشان می‌دهد. آقا و خانم امیری زن و شوهرند و دو فرزند (= بچه) دارند. یکی از آنها دختر و دیگری پسر است. نام دخترشان سودابه و نام پسرشان حامد است. خانم و آقای امیری مادر (= مامان) و پدر (= بابا) سودابه و حامدند. سودابه و حامد خواهر و برادرند. پدر بزرگ و مادر بزرگ سودابه و حامد هم با آنها زندگی می‌کنند. سودابه و حامد نوه‌های آنها هستند. خانم امیری عروس پدر و مادر آقای امیری است. پدر و مادر آقای امیری پدر شوهر و مادر شوهر خانم امیری‌اند. پدر و مادر خانم امیری در شهر دیگری زندگی می‌کنند. آنها گاهی به تهران می‌آیند و به دختر و خویشاوندان خود (= فامیل) سر می‌زنند. آقای امیری داماد پدر و مادر خانم امیری است. پدر و مادر خانم امیری پدر زن و مادر زن آقای امیری‌اند.

خویشاوندان (۱)



خانمی که پیراهن نارنجی پوشیده است، عمه‌ی سودابه و حامد است. او خواهر آقای امیری و خواهر شوهر خانم امیری است. سودابه و حامد برادرزاده‌های (= فرزند برادر) این خانم‌اند.

خانمی که پیراهن بنفش پوشیده است، خاله‌ی سودابه و حامد است. او خواهر خانم امیری و خواهرزن آقای امیری است. سودابه و حامد خواهرزاده‌های (= فرزند خواهر) این خانم‌اند.



آقایی که کت سرمه‌ای پوشیده است، دایی سودابه و حامد است.
 او برادر خانم امیری و برادر زن آقای امیری است.
 آقایی که کت سبز پوشیده است، عموی سودابه و حامد است.
 او برادر آقای امیری و برادر شوهر خانم امیری است.

خویشاوندان (۲)

عموی سودابه و حامد یک دختر و یک پسر دارد. آن‌ها دخترعمو و پسرعموی سودابه و حامدند.



دخترعمو



پسرعمو



زن عمو



عمو

دایی سودابه و حامد یک دختر و یک پسر دارد. آن‌ها دختردایی و پسردایی سودابه و حامدند.



دختردایی



پسردایی



زن دایی



دایی

خاله‌ی سودابه و حامد یک دختر دارد. او دخترخاله‌ی سودابه و حامد است. سودابه و حامد پسرخاله ندارند.



دخترخاله



خاله



شوهرخاله

عمه‌ی سودابه و حامد فرزندی ندارد. سودابه و حامد دخترعمه یا پسرعمه ندارند.



عمه



شوهرعمه

تمرین ۱

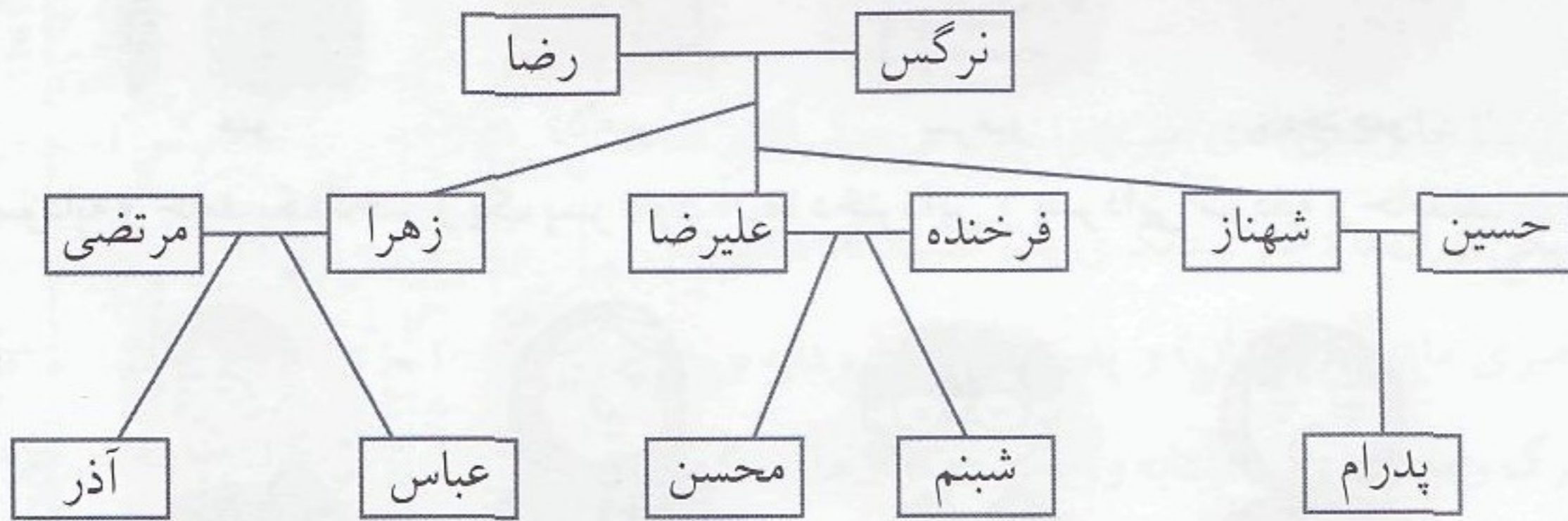
متضاد کلمه‌ها را روبرویش بنویسید.

مادرزن	
پسر دایی	
پدر	
خواهرزاده	
دختر دایی	
خواهرزن	

برادر	
دختر عمو	
پدر شوهر	
پدر بزرگ	
پسر خاله	
پسر	

تمرین ۲

با توجه به تصویر، جواب پرسش‌های زیر را بنویسید.



۱. فرزندان نرگس و رضا چه نام دارند؟
۲. پدرام فرزند چه کسانی است؟
۳. پدرام چه نسبتی با زهرا دارد؟
۴. علیرضا چه نسبتی با پدرام دارد؟
۵. پدرام چه نسبتی با شبنم و محسن دارد؟
۶. شهناز چه نسبتی با محسن دارد؟
۷. مرتضی چه نسبتی با شبنم و محسن دارد؟
۸. شهناز و علیرضا چه نسبتی با عباس و آذر دارند؟
۹. آذر چه نسبتی با شبنم دارد؟
۱۰. آذر چه نسبتی با پدرام دارد؟
۱۱. علیرضا چه نسبتی با مرتضی دارد؟

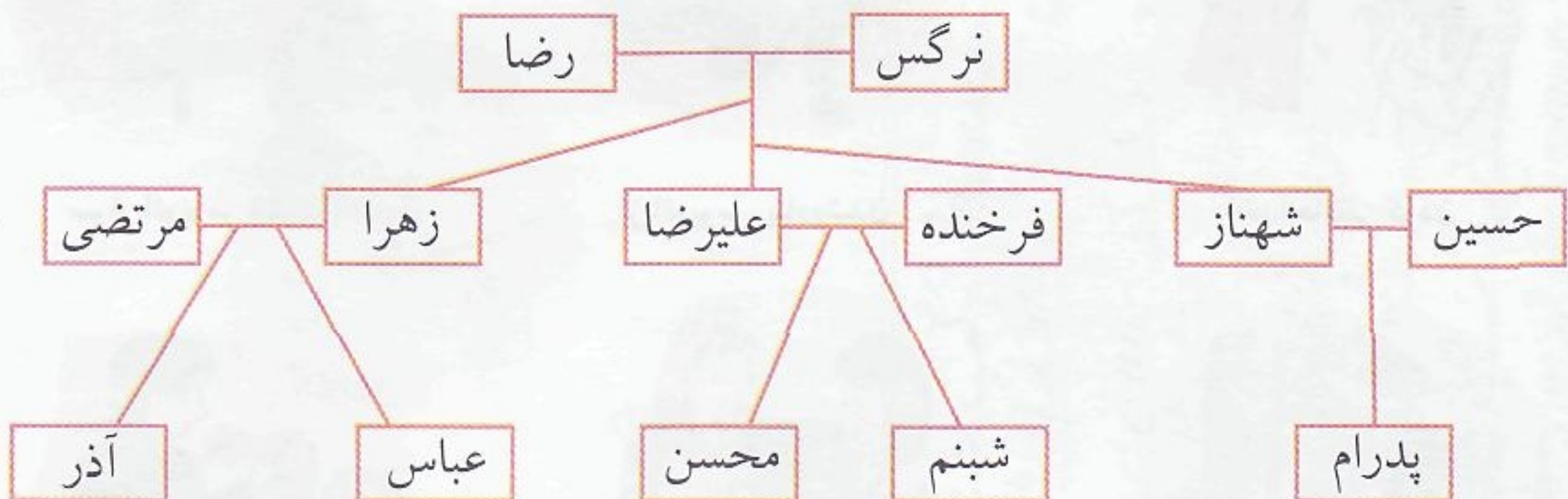
جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب پر کنید.

خواهرزاده، خاله، عمّه، برادرزاده، پدر و مادر، عمو، دایی

۱. به برادر مادر و به برادر پدر می‌گوییم.
۲. به خواهر مادر و به خواهر پدر می‌گوییم.
۳. والدین همان هستند.
۴. به فرزند خواهر و به فرزند برادر می‌گوییم.

تمرین ۴

با توجه به نمودار درختی خانواده، در جاهای خالی کلمه‌ی مناسب بگذارید.



حسین یک برادر و یک خواهر دارد. اسم آن‌ها فرهاد و فاطمه است. فرهاد
 و فاطمه پدram است. پسر فرهاد پدram است. دختر فرهاد
 پدram است. فرهاد و فاطمه شهناز است.

فعالیت‌های روزانه

در خانه (صبح زود)

مهران هر روز صبح، ساعت شش، با صدای زنگ ساعت از خواب بیدار می‌شود. او، ابتدا، تخت را مرتب می‌کند، بعد یک ربع ورزش می‌کند. سپس به حمام می‌رود. او تن و بدنش را می‌شوید، صورتش را اصلاح می‌کند و دندان‌هایش را مسواک می‌کند. پس از این که لباس‌هایش را می‌پوشد، به آشپزخانه می‌رود و صبحانه را آماده می‌کند. او معمولاً شیر، چای، نان و کره و مربا می‌خورد. گاهی هنگام صبحانه، رادیو را روشن می‌کند و به اخبار گوش می‌کند. مهران پس از صبحانه به سرکار می‌رود.

در خیابان



خدا حافظی کردن



از اتوبوس پیاده شدن



سوار اتوبوس شدن



قدم زدن



صحبت کردن



خرید کردن



خارج شدن



سلام علیک کردن

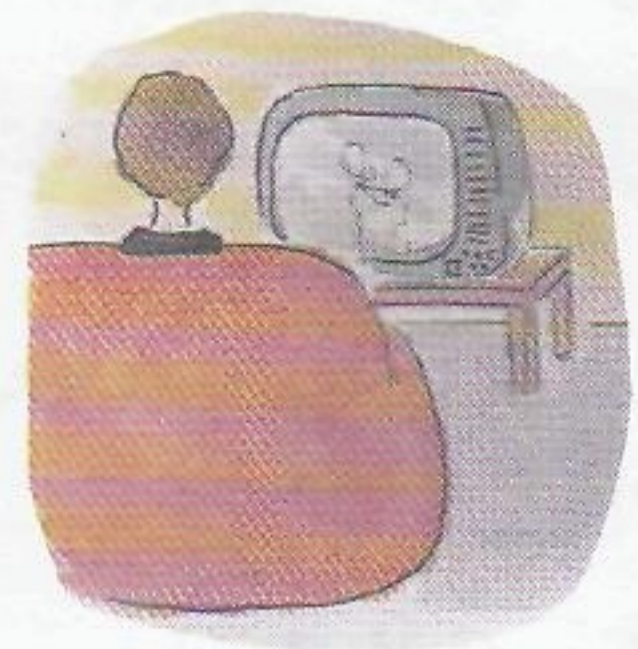
در خانه (بعد از ظهر)



استراحت کردن



غذا درست کردن



تلویزیون تماشا کردن



ظرف شستن



روزنامه خواندن



تلفن کردن



به رادیو گوش کردن



جارو کردن

یک روز تعطیل

دیروز جمعه بود و مهران مهمان داشت. او دوستش علی را برای ناهار دعوت کرده بود. مهران پس از صبحانه دکمه‌ی پیراهنش را که افتاده بود، دوخت. بعد پیراهنش را اتو کرد. نزدیک ظهر، علی آمد. آن‌ها با هم صحبت کردند و کمی میوه خوردند. بعد از غذا، در اتاق را رنگ کردند و شیرآب آشپزخانه را تعمیر کردند. عصر، علی مهران را به تئاتر دعوت کرد. مهران دعوت علی را پذیرفت و با هم به تماشای تئاتر رفتند.

تمرین ۱

هر یک از فعل‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج

۱. بیدار شدن
۲. سیب برداشتن
۳. مسواک کردن
۴. جارو کردن
۵. اتو کردن
۶. دوختن
۷. کتاب خواندن



الف



پ



ث



ج

تمرین ۲

برای هر یک از تصویرهای زیر یک جمله بنویسید.



ت



پ



ب



الف



ث



ج

الف.....

ب.....

پ.....

ت.....

ث.....

ج.....

تمرین ۳

جای خالی جمله‌های زیر را با استفاده از فعل‌های زیر پر کنید.

مرتب می‌کند، تلفن می‌کند، تماشا می‌کنند، رنگ می‌کند، تعمیر می‌کند، به رادیو گوش می‌کنند

۱. پروین و نسرين تلویزیون
۲. مهران اتاقش را
۳. مجید ماشینش را
۴. علی در اتاق را
۵. مجید به امیر
۶. شیرین و مریم

تمرین ۴

به کمک تصاویر فعل مناسب هر جمله را بنویسید.



الف

۱. پروین از مغازه ماست و شیر



ب

۲. حمید تاکسی



پ

۳. مجید لامپ اتاق را



ت

۴. شیرین به دوستش

۵. بهرام کتش را



ث

۶. مریم روی تخت



ج

مشکل‌های روزمره

در خانه



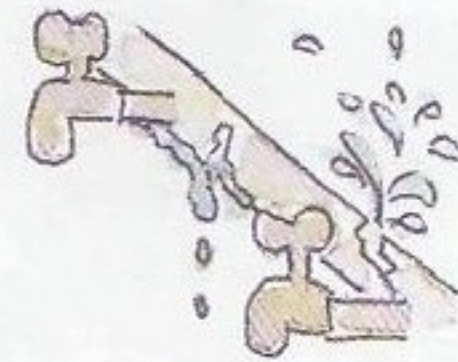
چقدر اتاق به هم ریخته است، زود باید این جا را مرتب کنیم.



گل‌ها خشک شده‌اند. حتماً به آن‌ها آب نداده‌ای؟

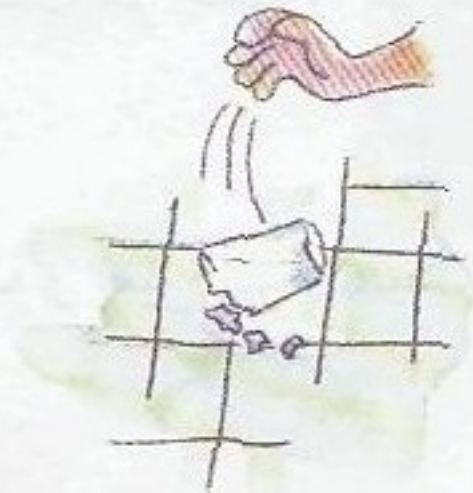


ماشین لباس‌شویی کار نمی‌کند. باید تعمیرکار بیاوریم.



لوله‌ی آب ترکیده است. باید لوله‌کش بیاوریم.

لیوان از دستم افتاد و شکست.



عجب چاقوی تیزی! انگشتم را با آن بریدم.

غذا سوخت! حالا چه کار کنم؟



یک روز پرماجر (۱)

ساسان هیچ وقت آن روز عجیب را فراموش نمی‌کند. او ساعت را برای هفت صبح کوک کرده بود، اما باتری آن تمام شد و ساعت دقیقاً رأس شش و پنجاه و نه دقیقه خوابید و زنگ نزد. ساسان یک دفعه ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه از خواب پرید. به سرعت لباس‌هایش را پوشید، اما یکی از دکمه‌های پیراهنش افتاده بود. بنابراین مجبور شد دکمه‌اش را بدوزد. به هر ترتیب، ساسان از خانه بیرون آمد و سوار تاکسی شد، اما هنوز به اداره نرسیده بود که تاکسی با اتومبیل دیگری تصادف کرد. ساسان بقیه‌ی راه را پیاده رفت.



ماشین‌ها در راه‌بندان گیر کرده‌اند.



دو ماشین با هم تصادف کرده‌اند.



تاکسی در بین راه پنجر شد.



زمین لیز بود، سر خوردم.



ماشین خراب شده است. باید تعمیر کار بیاید.

یک روز پرماجرا (۲)

ساسان ساعت ده و سی و پنج دقیقه به اداره رسید. خواست دکمه‌ی آسانسور را بزند که نگهبان اداره جلو آمد و گفت: «امروز باید تا طبقه‌ی هفتم پیاده بروید چون آسانسور خراب است.» ساسان نفس‌زنان وارد اتاق شد. وقتی می‌خواست در را ببندد، انگشتش لای در ماند. در حالی که انگشتانش درد می‌کرد، آمد و کامپیوتر را روشن کرد. اما کامپیوتر چند تا بوق زد و ناگهان خاموش شد. تلفن را برداشت تا از مهندس کامپیوتر کمک بخواهد. عجب! تلفن هم قطع بود. در این هنگام ساسان لپ‌خندی زد. در اتاق را قفل کرد، چند ورق روزنامه روی زمین پهن کرد، روی روزنامه‌ها دراز کشید و همان جا خوابید تا بیشتر از این گرفتار نشود.

تمرین ۱

هر یک از جمله‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

۱. کامپیوتر کار نمی‌کند. حتماً خاموش است.
۲. دو ماشین با هم تصادف کردند.
۳. اتوبوس خراب است.
۴. لوله‌ی آب ترکیده است.
۵. غذا سوخت!



الف



ب



ث



ت



پ

تمرین ۲

در جاهای خالی به کمک تصویرها فعل مناسب را بنویسید.

۱. دکمه‌ی پیراهن ساسان



الف

۲. ماشین وسط خیابان



ب



پ

۳. مریم دستش را با چاقو



ت

۴. تاکسی وسط خیابان



ث

۵. ماشین‌ها در راه‌بندان

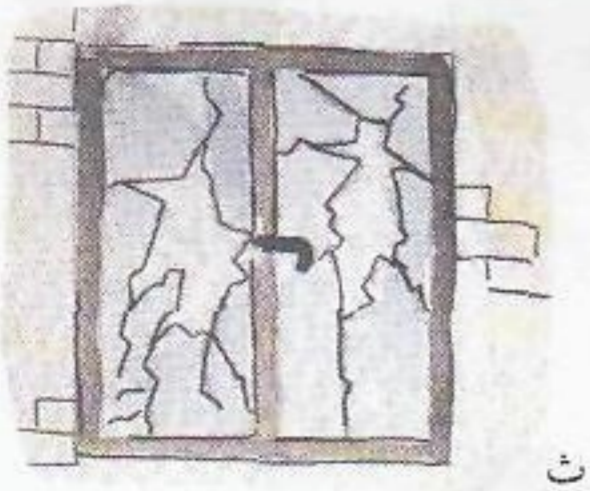
تمرین ۳

جمله‌های مربوط به یک دیگر را با یک خط به هم وصل کنید.

- | | |
|---|---------------------------------|
| الف. همه‌ی آن‌ها خشک شده‌اند | ۱. پدرم هنوز به خانه نرسیده است |
| ب. که دستم را بریدم | ۲. شعله‌ی اجاق زیاد بود |
| پ. غذا سوخت | ۳. امروز صبح دیر به اداره رسیدم |
| ت. اما تلفن قطع بود | ۴. چاقو آن قدر تیز بود |
| ث. چون در راه‌بندان گیر کرده بودم | ۵. یادم رفته به گل‌ها آب بدهم |
| ج. مثل این که در راه‌بندان گیر کرده‌است | ۶. خواستم به دوستم تلفن کنم |

تمرین ۴

برای هر یک از این تصویرها یک جمله بنویسید.



الف.....

ب.....

پ.....

ت.....

ث.....

ج.....

صفت‌های رایج

ورزش و سلامتی

آقای امیری هفتاد ساله است. او موهای خاکستری و چشم‌های قهوه‌ای دارد. آقای امیری قدبلند (# قد کوتاه) و لاغر (# چاق) است. او مردی سالم (# بیمار) و قوی (# ضعیف) است. آقای امیری هر روز صبح، لباس ورزشی آبی رنگش را می‌پوشد و به پارک نزدیک خانه می‌رود و در آن جا با دوستانش ورزش می‌کند. ورزش بهترین سرگرمی و تفریح برای آقای امیری است.

صفت‌های متضاد مربوط به انسان



بیمار سالم



لاغر چاق



ناراحت خوشحال



قد کوتاه قد بلند



گریان خندان



پیر جوان



گرسنه سیر



ضعیف قوی



بیدار خواب

خرید در بازار

دیروز آقای امیری و همسرش به بازار رفتند. بازار بسیار شلوغ (# خلوت) و پرسر و صدا بود. آنها ابتدا به مغازه‌ی لباس‌فروشی رفتند. مغازه‌ی تابلوی قشنگ و رنگارنگی داشت. چراغ‌های سبز، زرد و قرمز تابلو خاموش و روشن می‌شد. آقای امیری یک بارانی سیاه و یک جفت جوراب سفید رنگ خرید. خانم امیری هم یک پالتوی گرم و روسری سرمه‌ای و پیراهن نارنجی و جوراب بنفش خرید.

صفت‌های متضاد



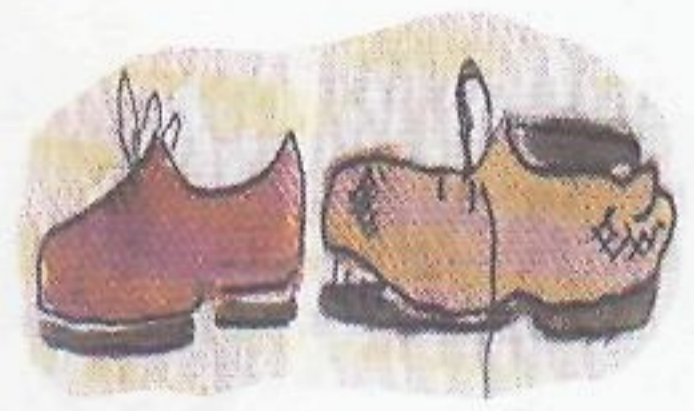
ارزان گران



روشن



تاریک



نو کهنه



شیرین تلخ



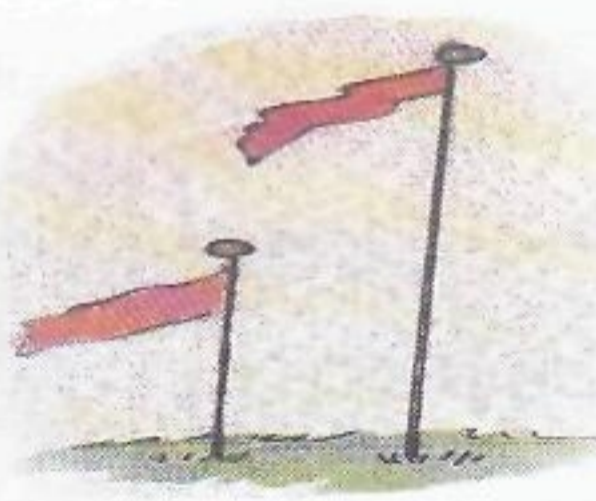
درشت ریز



تمیز کثیف



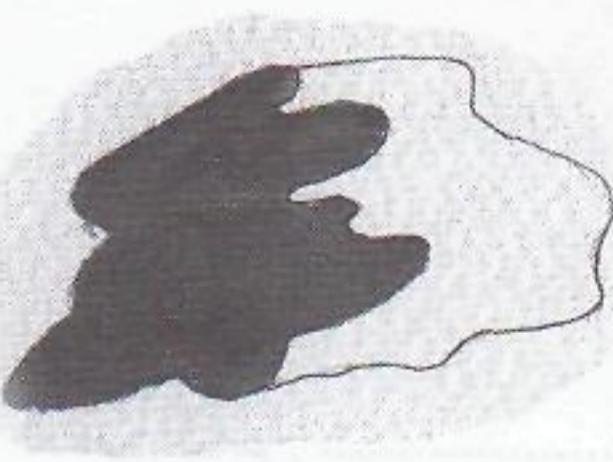
پهن باریک



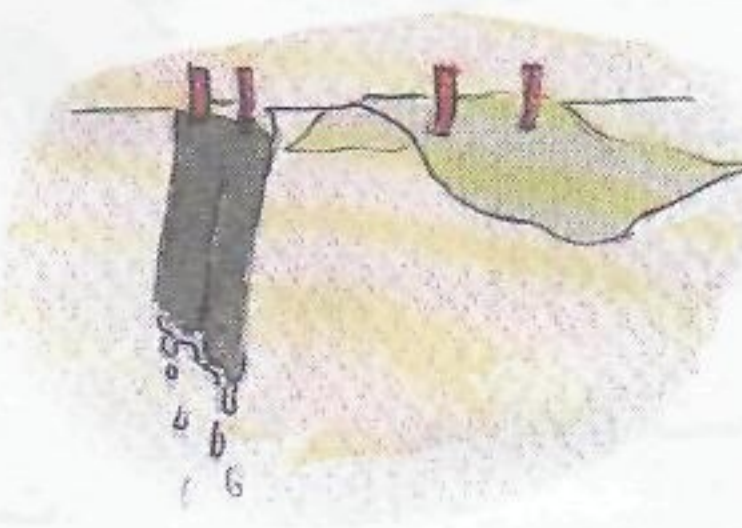
بلند کوتاه



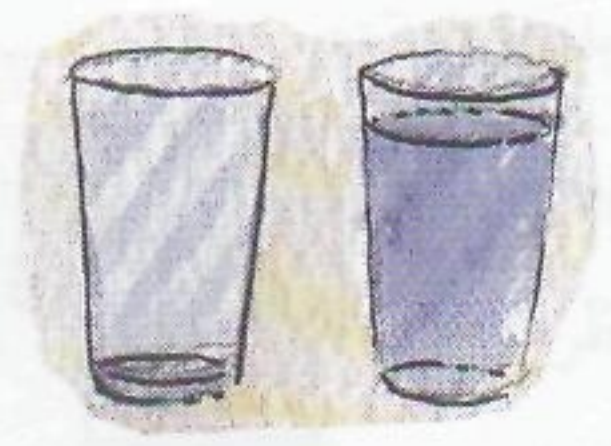
کوچک بزرگ



سیاه سفید



خیس خشک



خالی پر

تمرین ۱

صفت‌های متضاد را با یک خط به هم وصل کنید.

- | | |
|----------|----------|
| الف. نو | ۱. خاموش |
| ب. روشن | ۲. ضعیف |
| پ. قوی | ۳. بلند |
| ت. کوتاه | ۴. کهنه |

تمرین ۲

در جای خالی صفت مناسب با هر تصویر را بنویسید.



الف

۱. نسرین است.



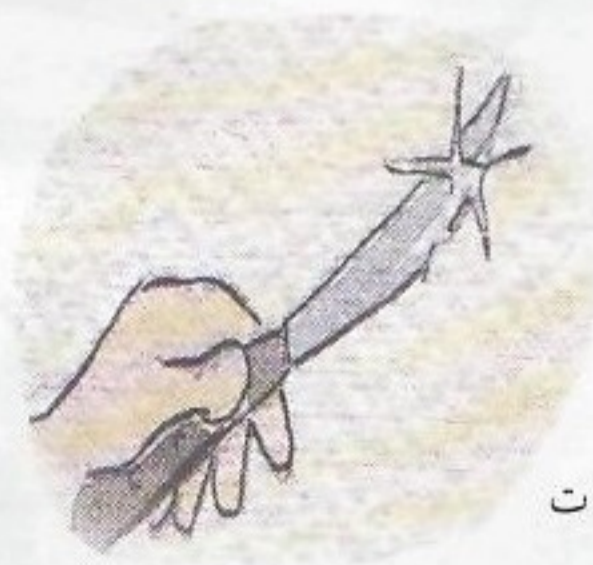
ب

۲. این مرد است.



پ

۳. لیوان است.



ت

۴. این چاقو است.



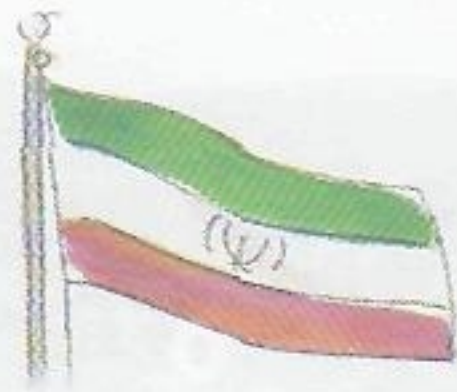
ث

۵. این لباس است.

هر یک از جمله های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ب



الف

۱. آقای امیری پیراهن سیاه می خرد.
۲. پروین پیراهن نارنجی پوشیده است.
۳. پرچم ایران سه رنگ است: سبز، سفید و قرمز.
۴. آسمان آبی و صاف است.
۵. خانم امیری پالتوی کرم پوشیده است.
۶. سیب علی درشت و سیب حسین ریز است.



ج



ث

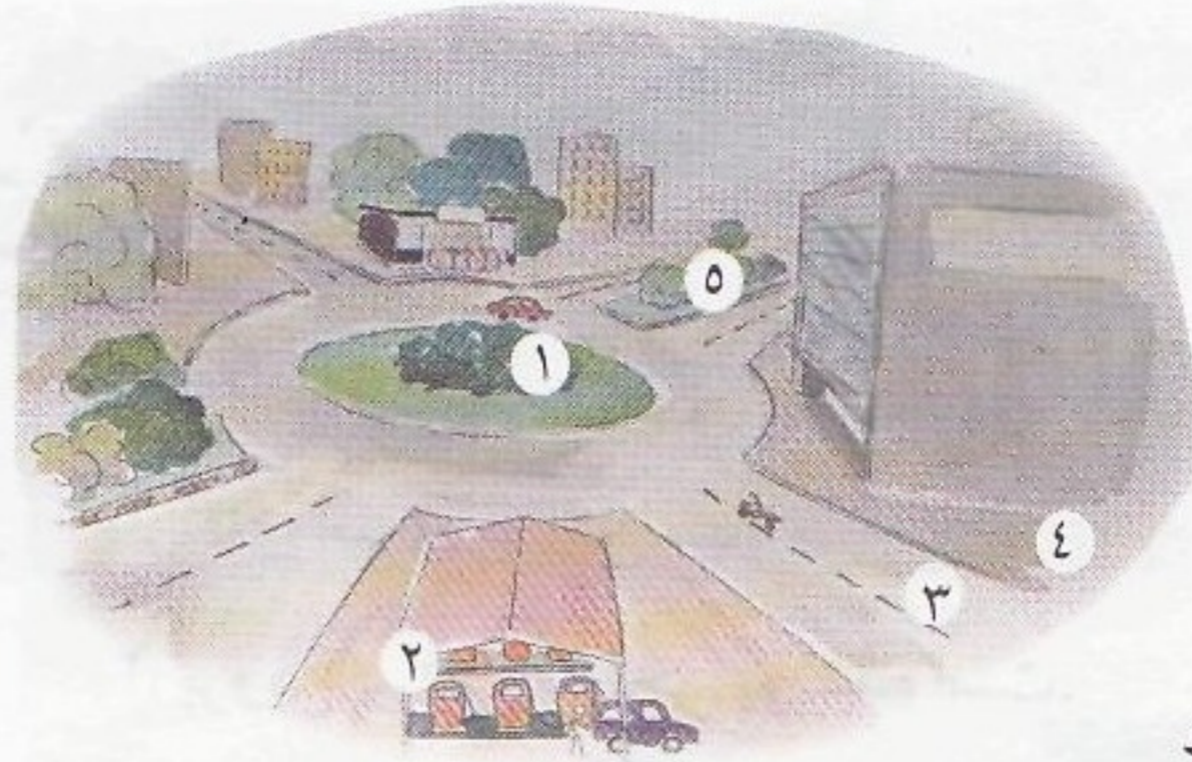


ت

صفت مناسب هر کلمه را بنویسید.

۱. کفشم است. باید کفش نویی بخرم.
۲. شلوارم است. باید آن را کوتاه کنم.
۳. برادرم است. باید او را بیدار کنم.
۴. لباسم است. باید آن را خشک کنم.
۵. پدرم است. باید او را خوشحال کنم.
۶. بچه است. باید او را سیر کنم.
۷. ظرف میوه است. باید آن را پر کنم.
۸. پیراهنم است. باید آن را تمیز کنم.

در شهر



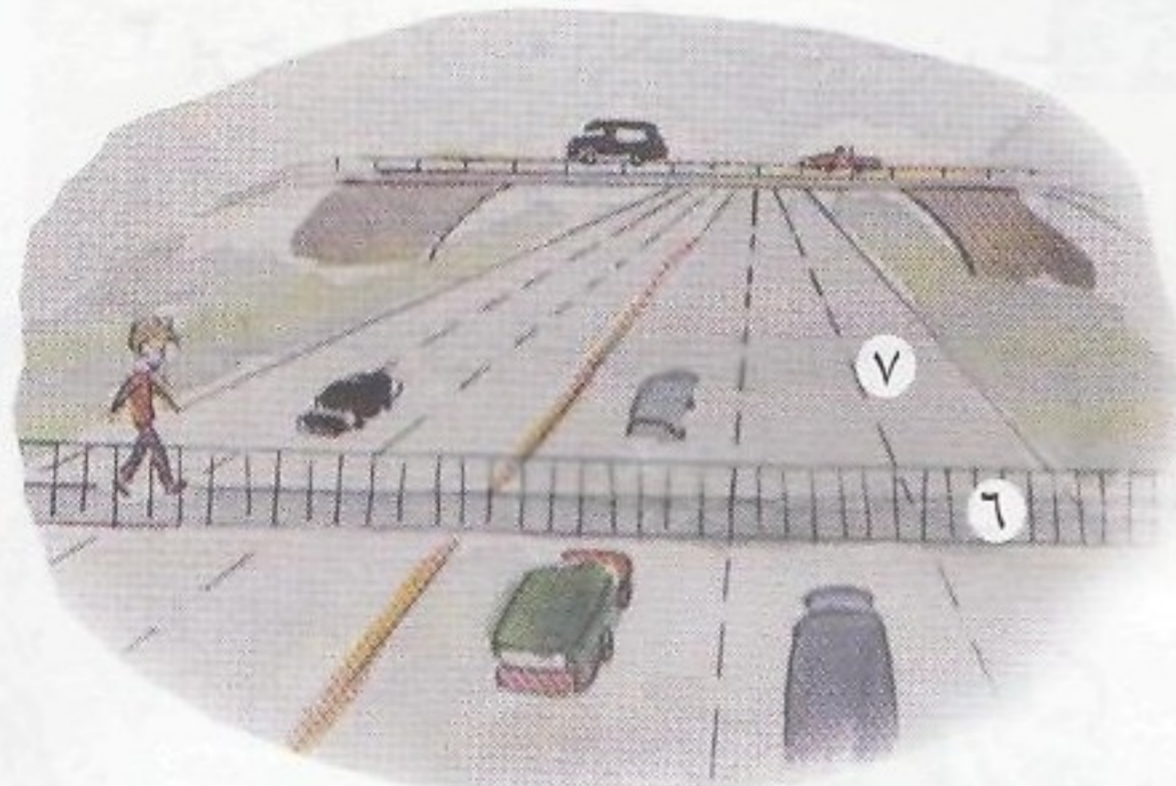
① میدان

④ پیاده‌رو

③ سواره‌رو

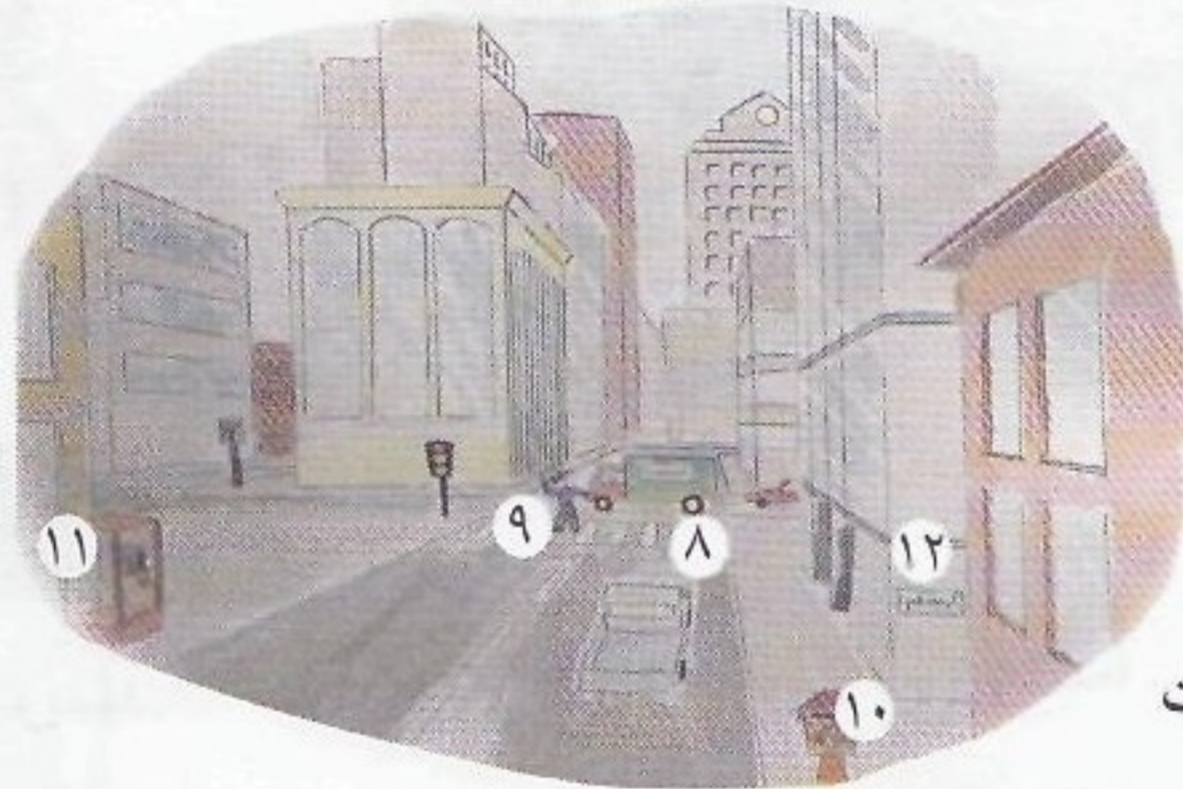
⑤ بولوار

② پمپ بنزین



⑦ بزرگراه

⑥ پل هوایی



⑧ خط عابر پیاده

⑫ خیابان

⑨ پلیس

⑩ صندوق پست

⑪ تلفن عمومی

پلیس محله

آقای عزیزی مردی با انضباط و مقرراتی است. معمولاً می‌توانید او را سر چهارراه محله ببینید. هنگامی که چراغ راهنمایی قرمز می‌شود، او سوت می‌زند و با یک دست جلوی ماشین‌ها را می‌گیرد و با دست دیگرش به ماشین‌های طرف دیگر علامت می‌دهد تا حرکت کنند. هنگامی که او سر چهارراه ایستاده است، شما مطمئن هستید که ترافیک روان است و هیچ مشکلی پیش نمی‌آید؛ زیرا آقای عزیزی، این افسر باهوش و کاردان پلیس راهنمایی و رانندگی، رفت و آمد ماشین‌ها را به خوبی اداره می‌کند.

علائم راهنمایی و رانندگی



ایستگاه تاکسی



خیابان یک طرفه



سبقت گرفتن ممنوع



ایستگاه اتوبوس



ایستگاه مترو



پارک کردن ممنوع



عبور ممنوع



بوق زدن ممنوع



محل عبور دوچرخه سوار

نشانی دادن (= آدرس)

خیابان مهر را تا انتها برو. بعد به سمت راست بپیچ، وقتی به سه راهی آبان رسیدی، به خیابان سمت چپ به نام آذر برو و میدان آذر را هم رد کن. اولین چهارراه سمت چپ، نبش خیابان، بانک سپه.



تمرین ۱

هر یک از عبارت‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

۱. بوق زدن ممنوع
۲. سبقت گرفتن ممنوع
۳. پارک کردن ممنوع
۴. محل عبور دوچرخه‌سوار
۵. ایستگاه اتوبوس
۶. خیابان یک طرفه
۷. عبور ممنوع



الف



پ



ث



ج



ب



ت



چ

تمرین ۲

مصادق کدام یک از کلمه‌های زیر را می‌توانید در شهر پیدا کنید؟

<input type="checkbox"/>	پیاده‌رو	<input type="checkbox"/>	صندوق پست
<input type="checkbox"/>	گندم‌زار	<input type="checkbox"/>	طویله
<input type="checkbox"/>	تلفن عمومی	<input type="checkbox"/>	مزرعه
<input type="checkbox"/>	تراکتور	<input type="checkbox"/>	خط عابر پیاده

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

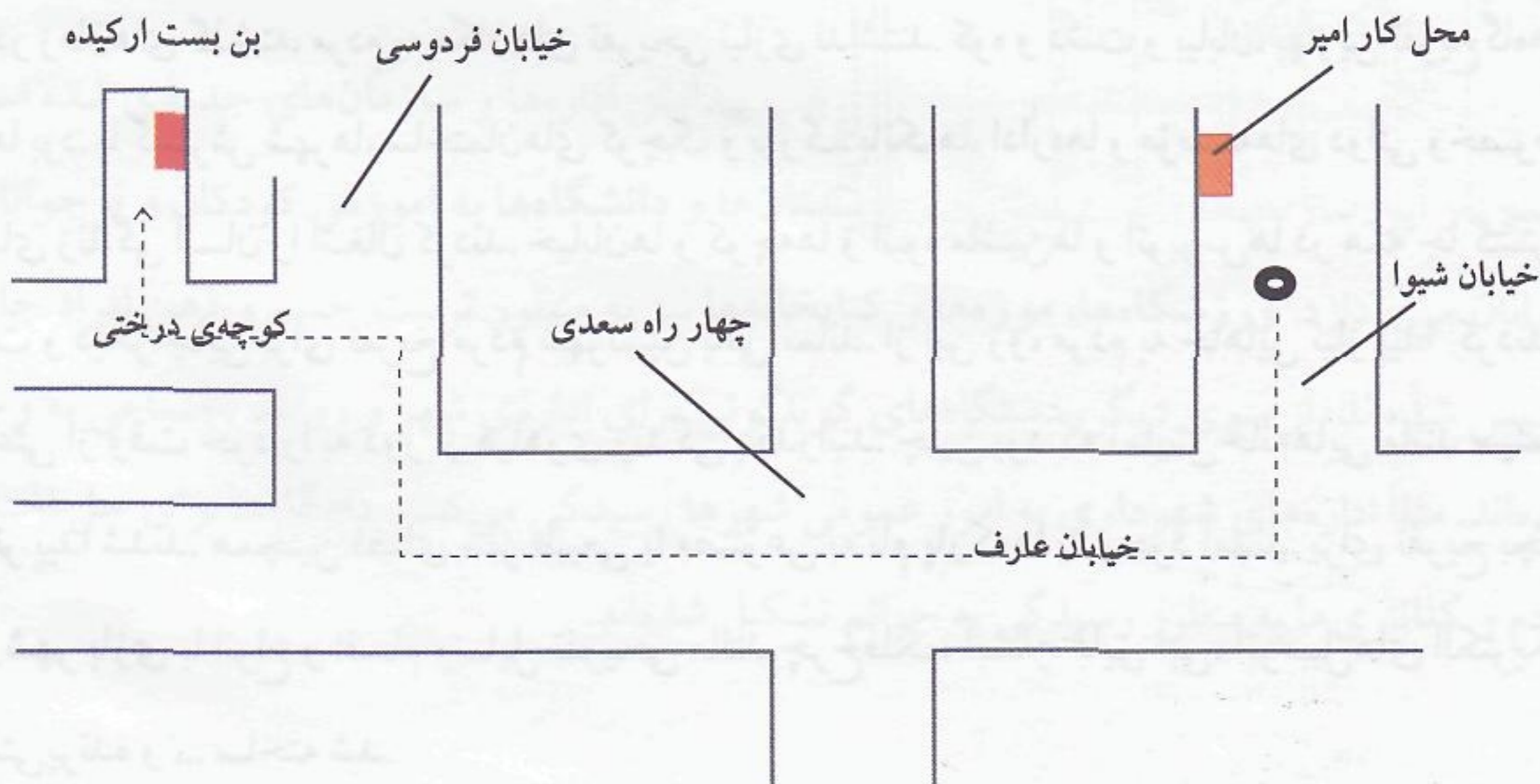
خیابان‌های، چهارراه، ترافیک، میدان، نشانی، کوچه‌ی، مقرراتی، صندوق پست

۱. مغازه و فروشگاه‌های گوناگونی در شهر وجود دارد.
۲. کتاب فروشی نیلوفر نبش شادمان است.
۳. نزدیک خانه‌ی ما بزرگ و قشنگی وجود دارد.
۴. می‌خواهم نامه‌ام را پست کنم. در این نزدیکی‌ها کجاست؟
۵. آیا شما این جوان را می‌شناسید؟
۶. خانه‌تان را پیدا نکردم، آن را دوباره بگو.
۷. شب‌ها، بیشتر خیابان‌های تهران سنگین و خسته‌کننده‌ای دارند.

تمرین ۴

امیر می‌خواهد از محل کار به پلاک ۸ در کوچه‌ی درختی برود. به کمک تصویر او را راهنمایی کنید.

- خیابان شیوا را برو. بعد به سمت پیچ و دوباره مستقیم حرکت کن.
 سعدی را رد کن. خیابان را برو. اولین خیابان سمت
 را برو بالا. اولین کوچه‌ی چپ، کوچه‌ی درختی، ارکیده پلاک ۸.



مکان‌های عمومی و تجاری

مغازه‌ها



خرازی



شیشه‌بری



کتاب‌فروشی



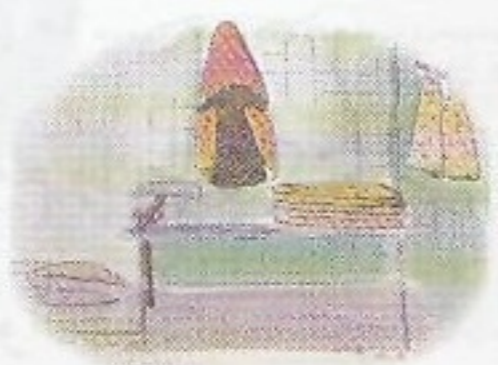
میوه‌فروشی



داروخانه



خشک‌شویی



نانوایی



آرایشگاه



گل‌فروشی



اسباب‌بازی‌فروشی



فروشگاه لوازم الکتریکی

- برای خریدن دکمه، زیپ یا لوازم خیاطی به خرازی مراجعه می‌کنید.
- اگر شیشه‌ی پنجره‌تان بشکند، به شیشه‌بری مراجعه می‌کنید تا شیشه‌ی تازه‌ای برایتان بیندازد.
- اگر بخواهید لباس‌تان را بشوید و اتو کنید، آن را به خشک‌شویی می‌برید.
- لامپ، سیم برق، پرز یا دو شاخه را از فروشگاه لوازم الکتریکی تهیه می‌کنید.

نهادهای تفریحی

در زمان‌های گذشته، مردم به مکان‌های تفریحی نیازی نداشتند. کوه و دشت و بیابان، بهترین تفریح‌گاه‌های آن‌ها بود. با گسترش شهرها، ساختمان‌های کوچک و بزرگ، بانک‌ها، اداره‌ها و مؤسسه‌های دولتی و خصوصی فضای زندگی انسان را اشغال کردند. خیابان‌ها و کوچه‌ها و انبوه ماشین‌ها و اتوبوس‌ها در همه جا گسترش یافت و دیگر جایی برای تفریح مردم شهرنشین باقی نماند. از این رو، مردم به جاهایی نیاز پیدا کردند که ساعتی از وقت خود را به دور از هیاهوی زندگی بگذرانند. چنین بود که نمایش‌خانه‌هایی مانند سینما یا تئاتر پیدا شدند. همچنین فضای سبز طبیعی یا مصنوعی به نام پارک‌ها به وجود آمدند. برای تفریح بچه‌ها نیز شهر بازی با انواع و اقسام وسایل تفریحی مانند چرخ‌فلک، آبشار، قایق آبی، اتومبیل‌های الکتریکی، کشتی‌پرنده و ... ساخته شد.



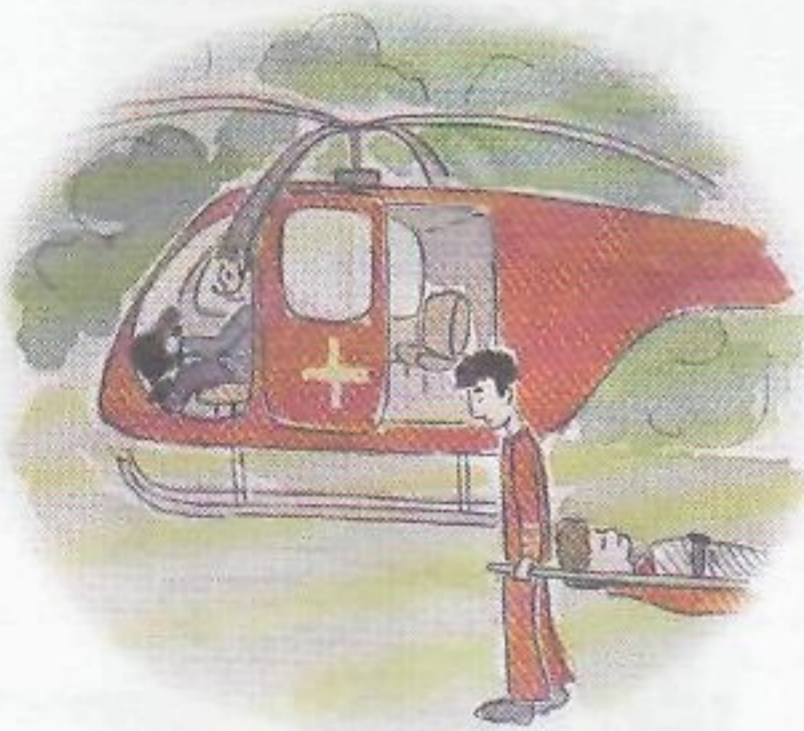
اورژانس پزشکی



آتش نشانی



پلیس راهنمایی و رانندگی



هلیکوپتر امداد



مأمور نیروی انتظامی

نهادهای اداری - آموزشی

افزایش جمعیت و رشد اقتصادی جوامع موجب پیدایش اداره‌ها و سازمان‌های جدیدی شده است. بعضی از این سازمان‌ها مانند دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها به آموزش کودکان و نوجوانان و جوانان می‌پردازد. ورزشگاه‌ها، موزه‌ها و کتابخانه‌ها نیز به منظور تربیت جسم و ذهن افراد جامعه تأسیس شده‌اند. از سوی دیگر، دستگاه‌های گوناگونی برای اداره‌ی شهر و روابط اجتماعی به وجود آمده‌اند. مثلاً اداره‌های شهرداری به امور عمومی شهرها رسیدگی می‌کنند. دادگاه‌ها برای حل اختلاف مردم و کلانتری‌ها به منظور رسیدگی به جرائم تشکیل شده‌اند.

تمرین ۱

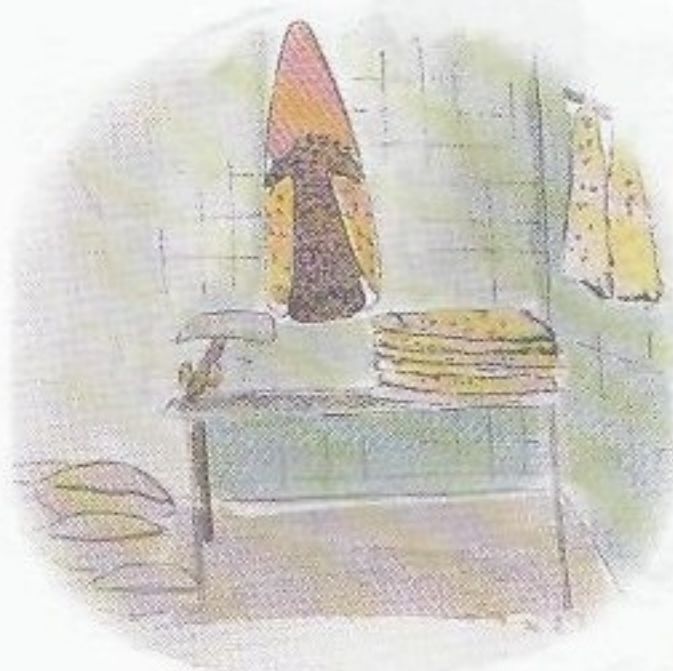
هر یک از کلمه‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب

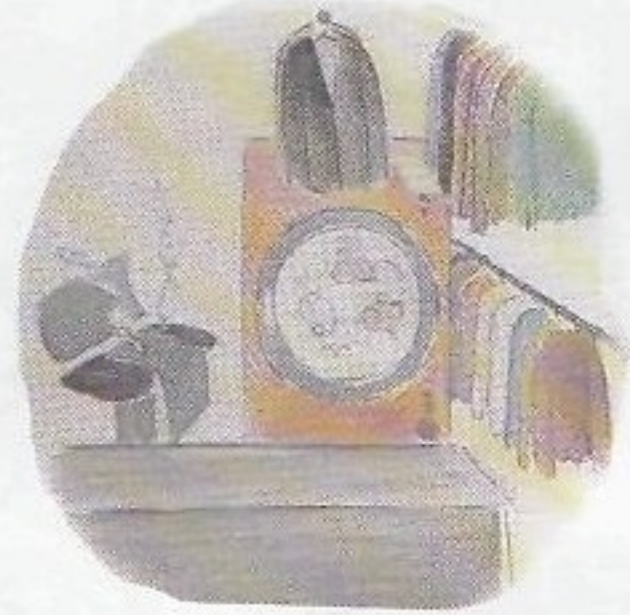


ت



ج

۱. اسباب بازی فروشی
۲. فروشگاه لوازم الکتریکی
۳. شیشه‌بری
۴. خشک‌شویی
۵. آرایشگاه
۶. خرازی
۷. نانوايي



الف



د



ج



ث

تمرین ۲

جمله‌های سمت راست را با یک خط به کلمه‌های مربوط به آن‌ها در سمت چپ وصل کنید.

- | | |
|-------------|---|
| الف. دبستان | ۱. به امور عمومی شهرها رسیدگی می‌کند |
| ب. شهرداری | ۲. به حل اختلاف مردم می‌پردازد |
| پ. ورزشگاه | ۳. به منظور رسیدگی به جرائم تشکیل شده است |
| ت. کلانتری | ۴. به آموزش کودکان می‌پردازد |
| ث. دادگاه | ۵. به منظور تربیت جسم و ذهن افراد تأسیس شده است |

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

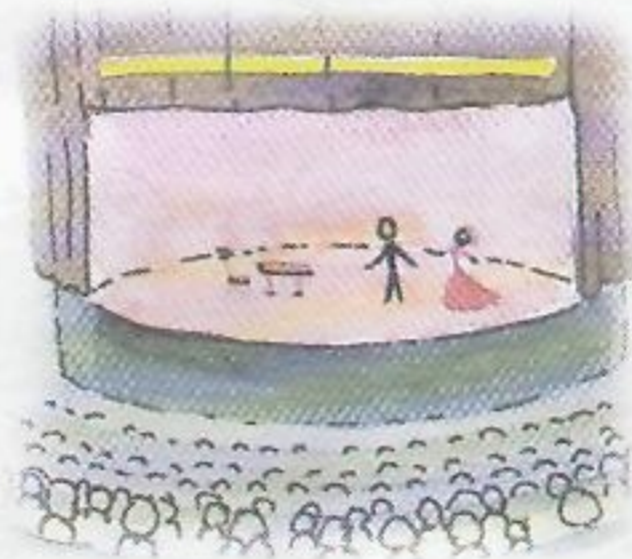
دانشگاه، دبیرستان، شهربازی، سینما، بانک

۱. با گسترش شهرها، برای تفریح بچه‌ها ساخته شد.
۲. و به آموزش نوجوانان و جوانان می‌پردازد.
۳. مردم امور بانکی خود را در انجام می‌دهند.
۴. مردم شهر ساعتی از وقت خود را در یا تئاتر می‌گذرانند.

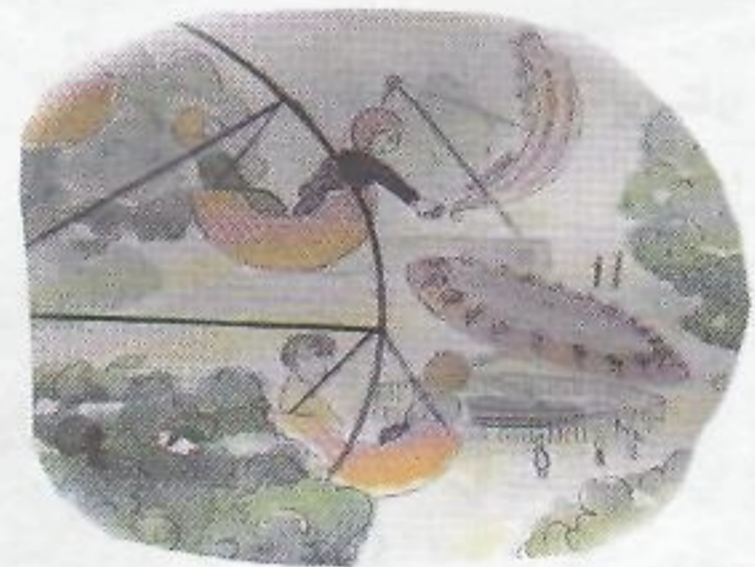
هر یک از جمله‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



پ



ب



الف

۱. علی همراه خانواده‌اش به موزه رفته است.
۲. مهران در فروشگاه لوازم الکتریکی کار می‌کند.
۳. مریم در شهربازی سوار چرخ‌فلک شده است.
۴. تماشاچی‌ها مشغول دیدن تئاتر هستند.
۵. خانم اکبری در کتابخانه مشغول مطالعه است.



ت



ث

شغل‌ها

این افراد را بشناسید.



وکیل



مهندس



خلبان



کارگر



کارمند



پرستار



منشی



کشاورز



پزشک



استاد



باغبان



آموزگار

استخدام در شرکت

سپهر در یک مؤسسه‌ی خصوصی (# دولتی) کار می‌کرد. او از شغلش ناراضی بود. به همین دلیل پارسال از آن مؤسسه استعفا کرد (# بیرون آمد) و به یک شرکت بزرگ و معتبر کامپیوتری مراجعه کرد. او به دلیل مهارت و تخصصی که در کارش داشت، خیلی زود در آن شرکت مشغول به کار شد. سپهر به طور تمام وقت (# پاره وقت) از ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر در شرکت کار می‌کند و حقوق (= دستمزد) ماهانه‌ی بسیار خوب و مناسبی دریافت می‌کند. کار او در این شرکت بسیار زیاد است و گاهی ناچار می‌شود چند ساعت اضافه کار داشته باشد. در پایان ماه گذشته، مدیر شرکت حقوق و مزایای او را افزایش داد و پاداش قابل توجهی برای او در نظر گرفت.

محل کار افراد

به این افراد در محل کارشان توجه کنید:



بقال در بقالی قند و شکر و برنج و روغن می فروشد.



عطار در عطاری گیاهان دارویی می فروشد.



کفّاش در کفّاشی کفش تعمیر می کند (یا می فروشد).



قصاب در قصابی گوشت می فروشد.



قنّاد در قنّادی شیرینی می فروشد.



نانوا در نانوايي نان می فروشد.

این فروشندگان چه می فروشند؟

آقای نواب کتاب می فروشد.

او کتاب فروش است.



آقای ابراهیمی فروشنده است.

او طلا و جواهر می فروشد.

آقای ابراهیمی زرگر (= طلا فروش) است.

آقای شایان میوه می فروشد.

او میوه فروش است.



آقای شادمان سبزی می فروشد.

او سبزی فروش است.

آقای یوسفی گل می فروشد.

او گل فروش است.



آقای تیموری روزنامه و مجله می فروشد.

او روزنامه فروش است.

تمرین ۱

هر یک از افراد زیر را با یک خط به محل کار مربوط به آنها وصل کنید.



ب

۱. بقال

۲. نانوا

۳. کفّاش

۴. قصاب

۵. عطّار

۶. قنّاد



الف



پ



ت



ج



ث

تمرین ۲

در جاهای خالی شغل مناسب را بنویسید.

۱. کار..... یک نواخت و خسته کننده است. او دائم باید بایستد و با لبخند جواب مشتری ها را بدهد.
۲. اگر من بشوم. در مغازه ام شیرینی و شکلات های مناسبی می فروشم.
۳. عمویم خوب و با تجربه ای است. او از گل ها و درختان به خوبی مراقبت می کند.
۴. خوش به حال! هر وقت اراده کند، کتاب تازه ای برای خواندن دارد.
۵. برادرم می خواهد هواپیما شود.
۶. چون پدرم خوبی است، بیماران زیادی به او مراجعه می کنند.
۷. کار زیاد و خسته کننده است. او هر روز باید نامه های زیادی تایپ کند و به تلفن ها جواب دهد.

هر یک از کلمه‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن‌ها وصل کنید.



ب



الف



ت



پ

۱. کارمند

۲. پزشک

۳. آموزگار

۴. استاد

با توجه به کلمه‌های زیر هر یک از جمله‌های زیر را چه کسی می‌گوید؟

میوه‌فروش، عطّار، آموزگار، پزشک، خلبان، روزنامه‌فروش، قناد

۱. گلویتان درد می‌کند؟ حالت تهوع دارید؟

.....

۲. بچه‌ها درس را خوب فهمیدید؟

.....

۳. پرتقال‌های ما حسابی رسیده‌اند.

.....

۴. خاک‌شیر برای ناراحتی شما خوب است. بیشتر مصرف کنید.

.....

۵. آخرین خبر روزنامه‌ی عصر!

.....

۶. شیرینی‌های ما تازه و خوشمزه‌اند.

.....

۷. مسافران محترم، لطفاً کمربندتان را ببندید.

.....

حمل و نقل

وسایل نقلیه



وانت



تاکسی



مینی بوس



اتوبوس



اتومبیل



موتورسیکلت



کامیون



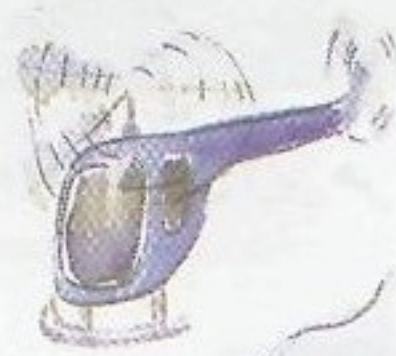
قایق



کشتی



دوچرخه



هلیکوپتر



هواپیما



مترو



قطار

امروز، فردا، دیروز

امروزه سرعت حرکت وسایل نقلیه مسئله‌ی مهمی شده است. سرعت اتومبیل‌ها، قطارها و متروها به چند ۱۰۰ کیلومتر در ساعت رسیده است. هواپیماهای جت با سرعت بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر در ساعت در آسمان پرواز می‌کنند. شاید روزی برسد که وسایل نقلیه‌ای مانند اتومبیل یا اتوبوس پرنده مردم را در شهرها جا به جا کنند. فراموش نکنیم که حدود ۱۲۰ سال پیش وقتی عابران در خیابان‌ها اتومبیلی را می‌دیدند که با سرعت ۱۵ کیلومتر در ساعت حرکت می‌کند با تعجب آن را نگاه می‌کردند. حالا هم وقتی اتومبیلی با سرعت ۱۵ کیلومتر در ساعت در خیابان‌ها حرکت کند، باز هم عابران همان کار را می‌کنند.



آقا: سلام خانم، چهار تا بلیت رفت و برگشت برای قطار تهران - بندرعباس می‌خواهم. درجه یک لطفاً.
خانم: ببخشید. فقط درجه دو داریم.

آقا: چه بد! خیلی خوب. پس همان درجه دو را بدهید.

خانم: برای چه روزی؟

آقا: بیست و سوم اسفند ماه.

خانم: بیست و سوم، ساعت شش و نیم بعد از ظهر.

آقا: خیلی خوب است.

خانم: بفرمایید، شماره‌ی واگن و کوپه (= هر یک از اتاق‌های مخصوص مسافرها) روی بلیت نوشته شده است. نیم ساعت قبل از حرکت قطار در ایستگاه راه آهن باشید.

آقا: بله، حتماً خیلی ممنون.

اولین و آخرین جریمه

وقتی جوان بودم با سرعت زیادی رانندگی می‌کردم. روزی تصمیم گرفتم با اتومبیل شخصی به باغ یکی از دوستان در خارج از شهر بروم، اتومبیل بنزین نداشت، بنابراین در اولین پمپ بنزین بنزین زدم. بعد پایم را روی گاز گذاشتم و شروع کردم به سبقت گرفتن و ویراژ دادن (= جلو زدن). هنوز چند کیلومتر از شهر دور نشده بودم که پلیس راه خواست ماشین را کنار جاده پارک کنم. آن وقت به خاطر سرعت غیرمجاز (= برخلاف قانون) جریمه‌ام کرد. آن روز از ترس پلیس راه سرعتم بیشتر از شصت کیلومتر نشد. از آن موقع تا حالا دیگر با سرعت بالای شصت کیلومتر رانندگی نکرده‌ام و خوشبختانه دیگر جریمه هم نشده‌ام.

تمرین ۱

نام هر یک از وسایل نقلیه را زیر تصویر مربوط به آن بنویسید.



..... ۳



..... ۲



..... ۱



..... ۵



..... ۴

تمرین ۲

هر یک از کلمه‌ها را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب

۱. موتورسیکلت

۲. هلیکوپتر

۳. تاکسی

۴. قطار

۵. مینی بوس

۶. هواپیما



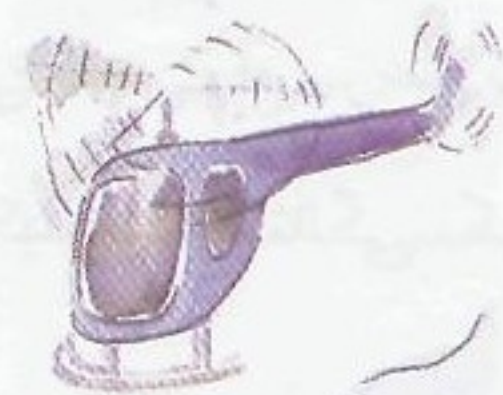
الف



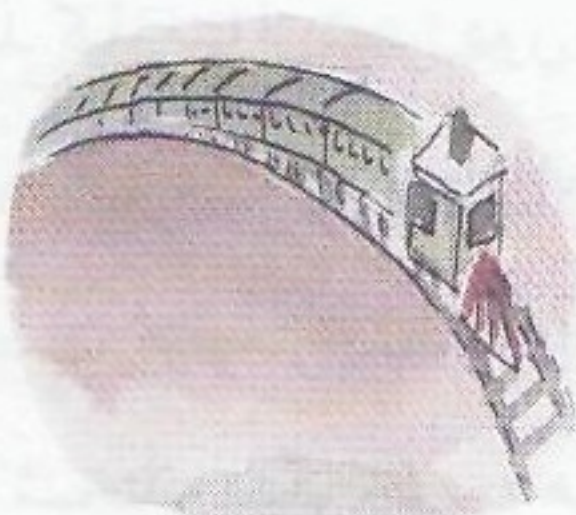
پ



ت



ث



ج

دور کلمه یا عبارت درست خط بسته بکشید.

۱. فقط چند ثانیه دیر به ایستگاه مترو رسیدم، بنابراین از قطار جا ماندم / سوار شدم.
۲. وقتی از تاکسی پیاده شدم / سوار شدم، کرایه‌ی راننده را دادم.
۳. راننده / رانندگی دو چرخه آسان‌تر از رانندگی اتومبیل است.
۴. وقتی سوار ماشین می‌شوید / از ماشین پیاده می‌شوید، باید کمربند ایمنی ببندید.
۵. خلبان نمی‌تواند بدون کمک اطلاعات برج مراقبت پرواز کند / رانندگی کند.
۶. هواپیما تا بیست دقیقه‌ی دیگر در باند فرودگاه فرود می‌آید / پیاده می‌شود.
۷. اتومبیل با سرعت زیاد از کامیون سبقت گرفت / پارک کرد.
۸. یخچال و تلویزیون را با وانت / دوچرخه به خانه آوردیم.

تمرین ۴

هر یک از کلمه‌های زیر را با یک خط به تعریف آن وصل کنید.

۱. پولی که شخص به خاطر خلافی که انجام داده است، می‌پردازد. الف. قطار
۲. کاری که برخلاف قانون و مقررات باشد. ب. کرایه
۳. دفترچه‌ای که مشخصات فرد در آن نوشته شده است. پ. جریمه
۴. وسیله‌ی نقلیه‌ی بزرگی که شامل یک لوکوموتیو و چند واگن است. ت. غیرمجاز
۵. پولی که شخص برای استفاده از چیزی یا وسیله‌ای می‌پردازد. ث. شناسنامه

پول و تجارت

سکه و اسکناس

در تصاویر زیر، برخی از پول‌های رایج در ایران نشان داده شده است. واحد پول ایران ریال است، اما به طور سنتی واحد تومان هم به کار می‌رود. در ایران به پول فلزی سکه و به پول کاغذی اسکناس می‌گوییم.



سکه‌ی ۵۰۰ ریالی
(۵۰ تومانی)



سکه‌ی ۲۵۰ ریالی
(۲۵ تومانی)



سکه‌ی ۱۰۰ ریالی
(۱۰ تومانی)



سکه‌ی ۵۰ ریالی
(۵ تومانی)



اسکناس ۲۰۰۰ ریالی = (۲۰۰ تومانی)



اسکناس ۱۰۰۰ ریالی = (۱۰۰ تومانی)



اسکناس ۱۰۰۰۰ ریالی = (۱۰۰۰ تومانی)



اسکناس ۵۰۰۰ ریالی = (۵۰۰ تومانی)



اسکناس ۲۰۰۰۰ ریالی = (۲۰۰۰ تومانی)

حساب پس انداز قرض الحسنه
بانک تجارت - شعبه ...
شماره حساب
۸۵۲۳۴۵۷

نام و نام خانوادگی مریم سعادتی
شماره شناسنامه ۹۸۰ محل صدور تهران تاریخ تولد / روز ۳۰ ماه ۸ سال ۱۳۰۴۹
نام صاحب حساب مریم سعادتی
شماره شناسنامه ۹۸۰ محل صدور تهران
نشانی تهران، خیابان گلستان، کوچه دوم، پلاک ۴۷، طبقه ۲
تلفن ۴۴۵۹۰۸۸۸
موجودی حساب ۹۰۰۰۰۰۰ ریال
محل امضا

حساب پس انداز

آقای زرگری در بانک سپه حساب پس انداز باز کرده است. او ماهی یک بار مبلغ دویست هزار ریال به حساب خود می ریزد. ده روز پیش او پانصد هزار ریال از حسابش برداشت کرد. در حال حاضر موجودی حساب او پنج میلیون ریال است. آقای زرگری پیرمرد هشتاد ساله‌ای است که دوست ندارد از حساب‌های کامپیوتری مثل **عابربانک** استفاده کند. او ترجیح می‌دهد همچنان از روش‌های سنتی در بانک استفاده کند.

خرید با تخفیف

در این فروشگاه کلیه اجناس را با ۱۰٪ تخفیف می‌فروشند. صاحب فروشگاه با این تخفیف خیلی ضرر نمی‌کند. زیرا مشتری‌های او بیشتر شده‌اند و سود قابل توجهی می‌کند.



صندوق‌دار قیمت کالاهای مشتری‌ها را حساب می‌کند.

مشتری‌ها مبلغ کالاها را به صندوق‌دار می‌پردازند.

مردم دوست دارند از فروشگاه‌های بزرگ خرید کنند.

مشتری‌ها هنگام خارج شدن از فروشگاه صورت حساب را به نگهبان نشان می‌دهند.

اطلاعات مربوط به خودتان را در این دفترچه‌ی بانکی بنویسید.

حساب پس انداز قرض الحسنه

شماره‌ی حساب

بانک تجارت - شعبه

نام و نام خانوادگی صاحب حساب

شماره‌ی شناسنامه محل صدور تاریخ / تولد / روز ماه سال ۱۳

نام صاحب حساب

شماره‌ی شناسنامه محل صدور

نشانی

تلفن

موجودی حساب

محل امضا

در جای خالی فعل مناسب بگذارید.

باز می‌کنم، می‌پردازد، خرید کنم، ریختم، حساب می‌کند، ضرر نمی‌کند، بر نمی‌دارم

۱. مشتری مبلغ اجناس را به صندوق دار

۲. هفته‌ی گذشته، اجاره‌خانه را به حساب صاحب‌خانه

۳. این ماه پولی از حسابم

۴. ماه آینده برای پسرم حساب پس انداز

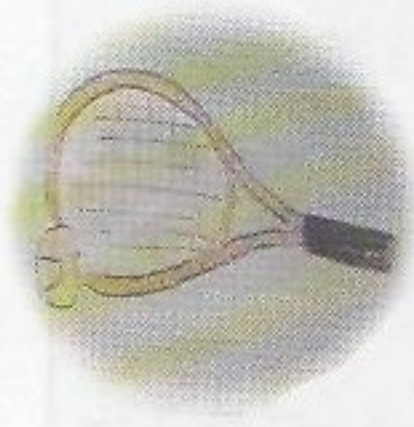
۵. صندوق دار قیمت کالاهای مشتری‌ها را

۶. من دوست دارم از فروشگاه‌های بزرگ

۷. صاحب فروشگاه با این تخفیف خیلی

ورزشکاران و ورزش‌ها

نام چند ورزش با استفاده از توپ



تنیس



بدمیتون



بسکتبال



والیبال



فوتبال



واترپلو



گلف



چوگان



هندبال



تنیس روی میز
(= پینگ پونگ)

سایر ورزش‌ها



کشتی



تیراندازی



دوچرخه‌سواری



دو



پرش



اسکی



وزنه‌برداری



شنا



کوهنوردی



کاراته



مشت‌زنی
(= بوکس)



بدن‌سازی



شمشیربازی



قایق‌رانی



اسب‌سواری

باز هم درباره‌ی ورزش

- ورزشکار کسی است که معمولاً به طور مرتب ورزش می‌کند. ورزشکارانی که شغل و حرفه‌شان ورزش است، به ورزشکاران حرفه‌ای (# آماتور) معروفند.
- در مسابقه‌های ورزشی چند داور حضور دارند و درباره‌ی بازی قضاوت می‌کنند.
- ورزشگاه ساختمانی است که برای فعالیت‌های ورزشی ساخته شده است. معمولاً در دور تا دور ورزشگاه‌ها جاهایی برای نشستن تماشاچی‌ها وجود دارد.
- در ورزش‌های فردی هر بازیکن فقط یک حریف دارد، ولی در ورزش‌های گروهی در هر تیم چند بازیکن بازی می‌کنند.
- در هر مسابقه، بازیکنان یک تیم می‌کوشند بازیکنان تیم حریف را شکست دهند.
- در پایان مسابقه بازیکنان تیم برنده با بازیکنان تیم بازنده دست می‌دهند.
- در بازی فوتبال، دروازه‌بان نقش مهمی دارد. او مراقب دروازه است.

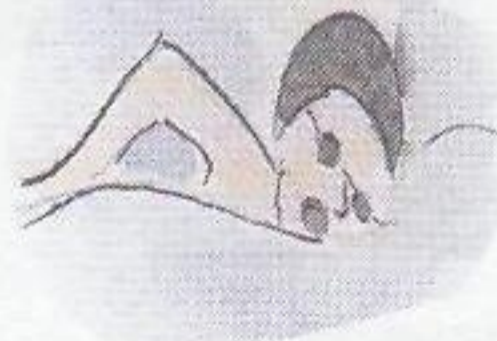
ورزشکاران



وزنه‌بردار



تیرانداز



شناگر



فوتبالیست



دونده



تنیس‌باز



دوچرخه‌سوار



اسکی‌باز



اسب‌سوار



کوهنورد



شمشیرباز



کشتی‌گیر

تمرین ۱

افراد زیر را با یک خط به ورزش مربوط به آنها وصل کنید.



ب

۱. دوچرخه‌سوار

۲. قایقران

۳. فوتبالیست

۴. اسکی‌باز

۵. اسب‌سوار

۶. شناگر

۷. شمشیرباز

۸. تیرانداز

۹. دونده



الف



پ



ث



ت



ج



خ



ح



چ

تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

حریف، دونده‌ها، بدن‌سازی، ورزشکار، دروازه، برنده، بازنده

۱. نادر است. او از دوران نوجوانی تاکنون مرتب ورزش می‌کند.

۲. همگی در مقابل خط شروع حرکت ایستاده بودند.

۳. دروازه‌بان مراقب است.

۴. در ورزش‌های فردی هر بازیکن فقط یک دارد.

۵. تیم در حالی که پرچم کشورشان را در دست داشتند، دور میدان ورزشگاه چرخیدند.

۶. یکی از ورزش‌های مفید برای انسان است.

۷. تیم با ناراحتی از زمین بیرون رفتند.

تمرین ۳

هر یک از جمله‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



الف

۱. دروازه‌بان توپ را درون دروازه گرفت.
۲. جوان دوانده با سرعت به خط پایان مسابقه نزدیک می‌شود.
۳. تماشاچی‌ها برای تیم مورد علاقه‌شان دست می‌زنند.
۴. کوهنوردی یکی از ورزش‌های مفید و تفریحی است.



ت



پ

تمرین ۴

در متن زیر، جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب پر کنید.

دروازه‌بان‌ها، ورزشگاه، مسابقه، بازیکن‌ها، تیم، داور، فوتبال، تماشاچی‌ها

هنوز شروع نشده بود. سروصدا و مهمهمی فضای
 را پر کرده بود. کم کم وارد زمین مسابقه شدند. سه مسابقه هم به
 زمین آمدند. تماشاچی‌ها برای بازیکن‌های مورد علاقه‌ی خود دست می‌زدند. چند
 لحظه بعد به طرف دروازه‌ی خود رفتند. داور وسط سوت شروع بازی را زد. به این ترتیب
 شروع شد.

بدن انسان

سر و صورت

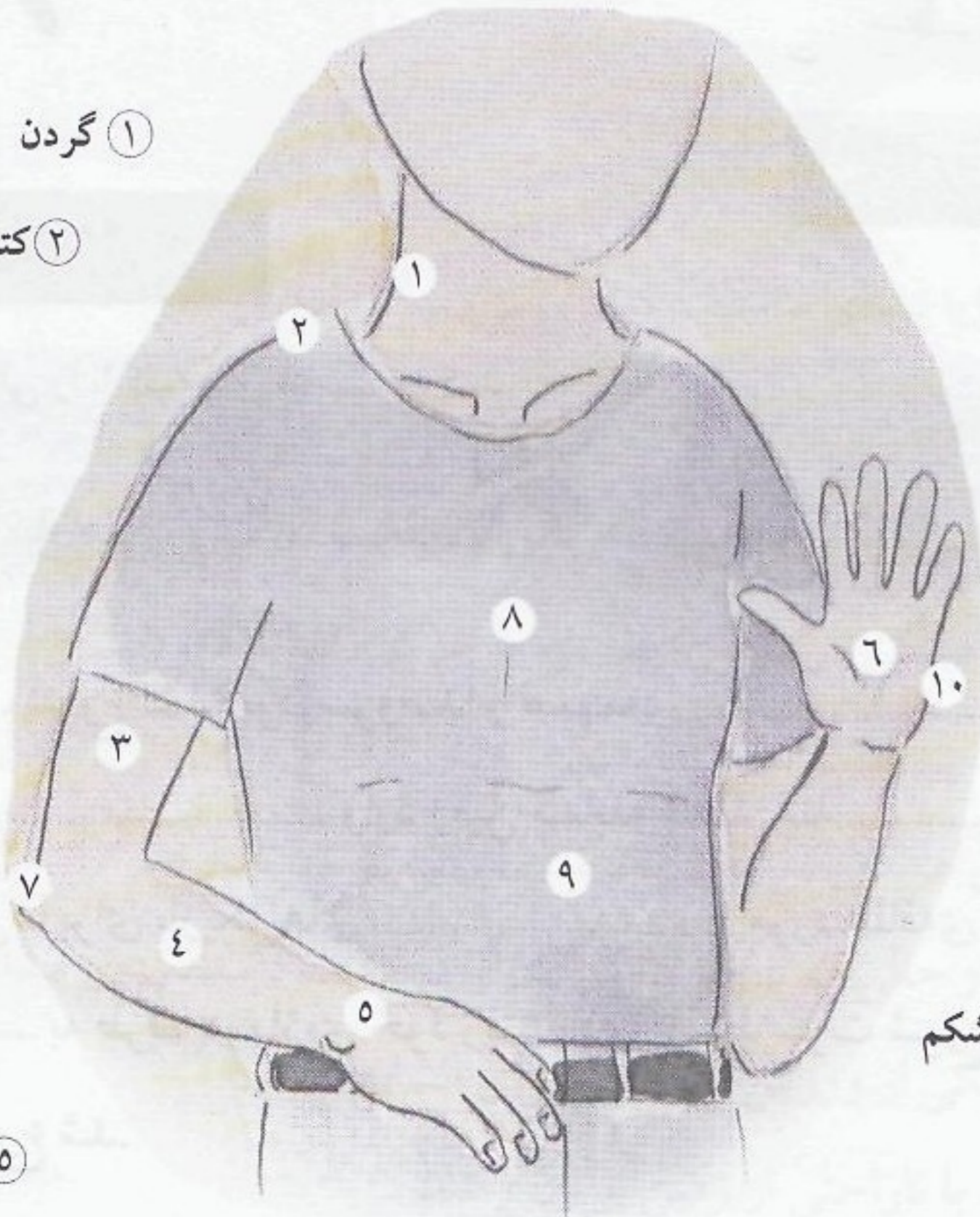
- ④ ابرو
- ③ مژه
- ① چشم
- ⑤ گوش
- ⑥ لب (= گونه)
- ⑧ دهان
- ⑪ مو



- ⑫ پیشانی
- ② پلک
- ⑦ بینی (= دماغ)
- ⑨ لبها
- ⑩ چانه

بالاتنه

- ① گردن
- ② کتف
- ③ بازو
- ⑦ آرنج
- ④ ساعد
- ⑤ مچ



- ⑥ کف دست
- ⑩ دست
- ⑧ سینه
- ⑨ شکم



دو دوست

امیر و محسن با هم دوست هستند. امیر جوانی خوش هیكل و خوش اندام است ولی محسن چاق و بی قواره است. امیر قد بلند، باریک و لاغر است و اندامی استخوانی و چهارشانه دارد. برعکس، محسن قد کوتاه، تپیل و شکم گنده است و اندامی گوشتالو و تنومند دارد. آنها یک روز با هم به کوه رفتند. امیر راحت از کوه بالا می رفت و خوش و سر حال بود، ولی محسن به سختی از کوه بالا می رفت و خسته و بی حال شده بود. امیر گاهی مجبور می شد دست محسن را بگیرد و به او کمک کند.

تمرین ۱

هر جمله را به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



الف



ب



ث



ج



خ

۱. کمرش درد می کند.
۲. سرش درد می کند.
۳. انگشتش درد می کند.
۴. آرنجش درد می کند.
۵. دندانش درد می کند.
۶. زانویش درد می کند.
۷. گردنش درد می کند.
۸. کتفش درد می کند.
۹. بازویش درد می کند.
۱۰. پایش درد می کند.
۱۱. چشمش درد می کند.
۱۲. شکمش درد می کند.



ب



ت



ج



ح



ر



ذ



د

تمرین ۲

علی و احمد با هم دوست هستند. آنها چه فرقهایی با هم دارند؟

احمد

علی



.....

.....

.....

.....

.....

به تصویر اعضای زیر نگاه کنید. نام هر عضو را زیر تصویر بنویسید. سپس به کمک تصاویر و کلمه‌های مربوط به آن جمله‌ها را کامل کنید.

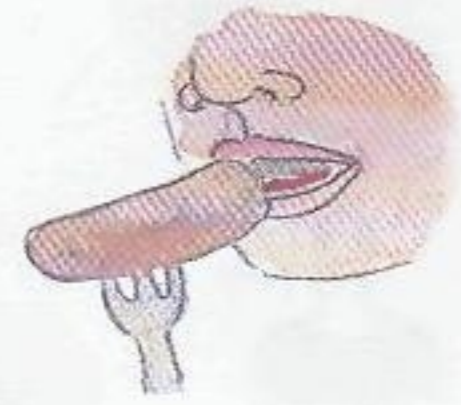


ب



ت

۱. با می‌دویم.
۲. با می‌نویسیم.
۳. با می‌خوریم.
۴. با می‌جویم.



الف



پ

مجید ورزش می‌کند. هر جمله را به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج



ح

۱. دست‌هایش را بالا می‌برد.
۲. پاهایش را خم می‌کند.
۳. سرش را به چپ و راست برمی‌گرداند.
۴. روی پنجه‌های پاهایش می‌ایستد.
۵. به عقب خم می‌شود.
۶. زانوهایش را تا سینه بالا می‌آورد.
۷. از پهلو به چپ و راست خم می‌شود.
۸. پاها را از هم باز می‌کند.



الف



ب



ت



ج

حالت‌های صورت و بینی



صورت کشیده



صورت گرد



صورت پهن



بینی پهن



بینی قلمی



بینی کوفته‌ای

حالت‌های چشم و ابرو



● فرزانه چشم‌های درشت و مژه‌های بلند دارد.



● مهران چشم‌های گود و ابروهای پیوسته دارد.



● افسانه چشم‌های ریز و مژه‌های کوتاه دارد.



● زهرا ابروهای قیطانی دارد.



● مهری چشم‌های بادامی و ابروهای کمانی دارد.



موی مجعد



موی کوتاه



موی بلند



موی صاف



موی فر

مردم جهان



● رنگ پوست اتسوما و اشین زرد است. آن‌ها زردپوست هستند.
اتسوما در چین و اشین در ژاپن زندگی می‌کند.



● رنگ پوست دیوید و ایرج سفید است. آن‌ها سفیدپوست هستند.
دیوید در انگلستان و ایرج در ایران زندگی می‌کند.



● رنگ پوست مایکل و مجید سیاه است. آن‌ها سیاه‌پوست هستند.
مایکل در آمریکا و مجید در عربستان زندگی می‌کند.



● رنگ پوست میونا و اوتانگو سرخ است. آن‌ها سرخ‌پوست هستند.
میونا در کانادا و اوتانگو در آلاسکا زندگی می‌کند.

تمرین ۱

به چهره‌های زیر با دقت نگاه کنید و ویژگی‌های مربوط به صورت و مو را به چهره‌های مربوط به آن‌ها وصل کنید.



ب



الف

۱. پوست سفید، موهای کوتاه و مجعد

۲. پوست سرخ، موهای فر و بلند

۳. پوست زرد، موهای کوتاه و صاف

۴. پوست سیاه، موهای کوتاه و فر



ت



پ

تمرین ۲

جاهای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌های مناسب پر کنید.

مجعد، صاف، پخ، بادامی

۱. خواهرم موهای و بلند دارد.

۲. بینی پدرم است.

۳. موهای مادرم کوتاه و است.

۴. چشم‌های برادرم درشت و است.

صفت‌های مناسب را به شکل مربوط به آن وصل کنید.



الف



ب



پ

۱. صورت کشیده و بینی پهن

۲. صورت پهن و بینی کوفته‌ای

۳. صورت گرد و بینی کشیده

صفت‌های مناسب را به شکل مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت

۱. چشم ریز و ابروی پیوسته

۲. چشم درشت و ابروی قیطانی

۳. چشم گود و ابروی قیطانی

۴. چشم بادامی و ابروی کمانی



الف



پ

لباس‌های زنانه



④ روسری

⑤ پیراهن زنانه

⑥ جوراب ساق بلند

⑦ کفش پاشنه بلند

① مقنعه

② مانتو

③ کفش پاشنه کوتاه

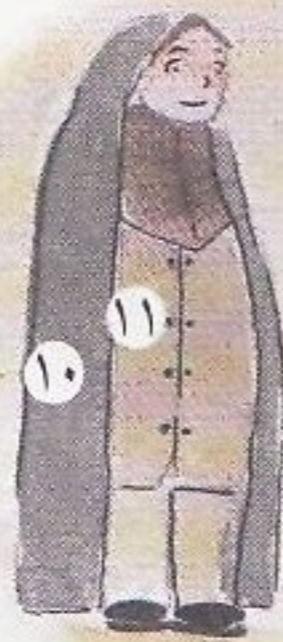


⑧ کت

⑨ دامن

⑩ چادر

⑪ دکمه



لباس‌های مردانه

① تی شرت



⑪ کلاه

⑤ کت

⑥ شلوار



⑦ پیراهن مردانه

⑧ کراوات

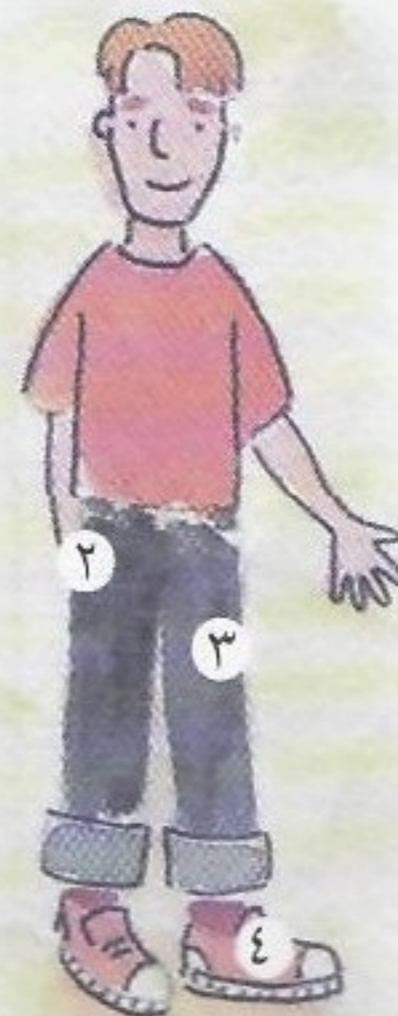
⑨ جلیقه

⑩ کفش

② جیب

③ شلوار جین

④ کتانی



لباس‌های زمستانی



بارانی



پالتو



بلوز



پوتین



اورکت



کاپشن



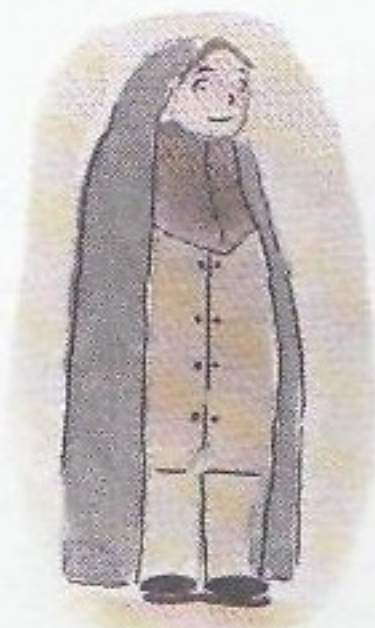
چکمه

یک روز سرد

هوا سرد بود. پرویز می‌خواست از خانه بیرون برود. او جوراب پشمی کلفتی پایش کرد. روی پیراهنش ژاکت گرمی پوشید و روی آن هم اورکت پوشید. شال‌گردن گرمی هم به دور گردنش بست و دستکش پشمی سیاه رنگی دستش کرد. حالا با لباس‌های گرمی که پوشیده بود، خیالش راحت بود که سرما اذیتش نمی‌کند.

تمرین ۱

با یک خط معلوم کنید هر کس چه لباسی می پوشد.



ب



الف

۱. علی می خواهد در سرمای زمستان از خانه خارج شود.
۲. بهرام ۱۸ ساله در عصر تابستان از خانه بیرون می آید.
۳. مریم می خواهد به سر کارش برود.
۴. پدر بزرگ می خواهد به یک مهمانی برود.



ت



پ

تمرین ۲

هر کدام از پوشاکها را به تصویر مربوط به آنها وصل کنید.

۱. کمر بند
۲. کفش
۳. دستکش
۴. کلاه
۵. شال گردن



ب



الف



ت



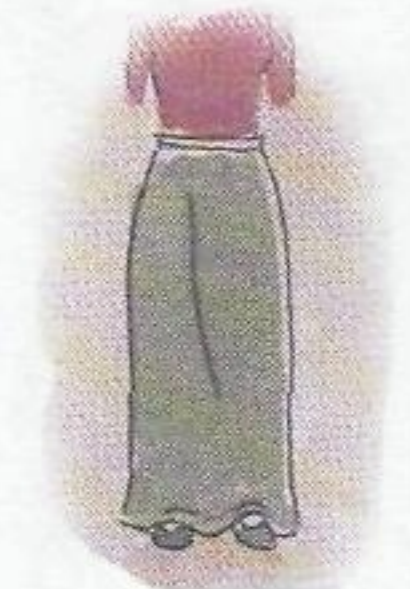
ث



پ

تمرین ۳

به کمک تصویر صفت هر یک از لباس‌های زیر را تعیین کنید.



الف. نارنجی

ب. بلند

پ. راه‌راه

ت. جین

ث. کلاه‌دار

ج. ساق بلند

چ. سبز

ح. سفید

۱. کاپشن

۲. دامن

۳. شلوار

۴. تی شرت

۵. بارانی

۶. پیراهن

۷. بلوز

۸. جوراب

تمرین ۴

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱. کدام یک از پوشاک را بر سرتان می‌گذارید؟

۲. کدام یک از پوشاک را دور گردنتان می‌بندید؟

۳. کدام یک از پوشاک را پایتان می‌کنید؟

۴. کدام یک از پوشاک را به کمرتان می‌بندید؟

مواد غذایی اصلی

گوشت‌های قرمز:



گوساله یا گاو گوسفند

گوشت‌های سفید:



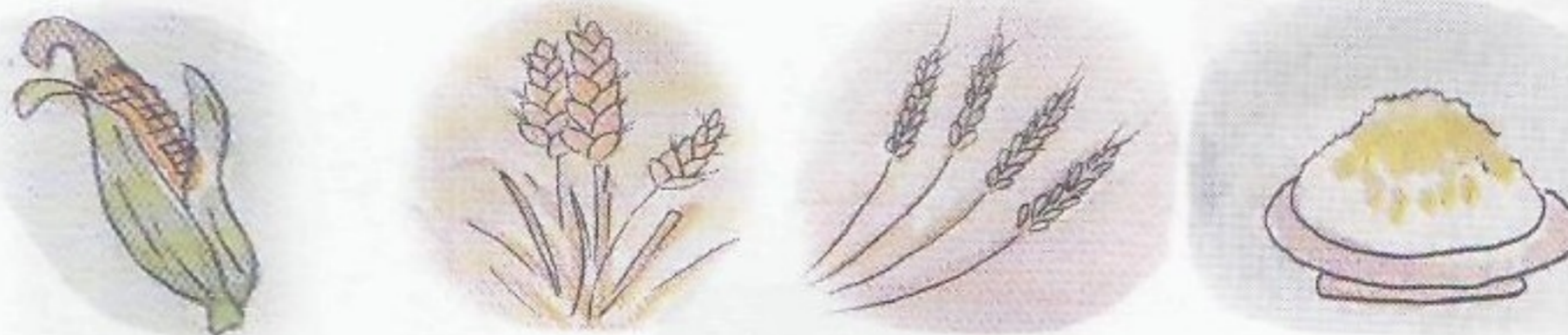
میگو ماهی مرغ

لبنیات:



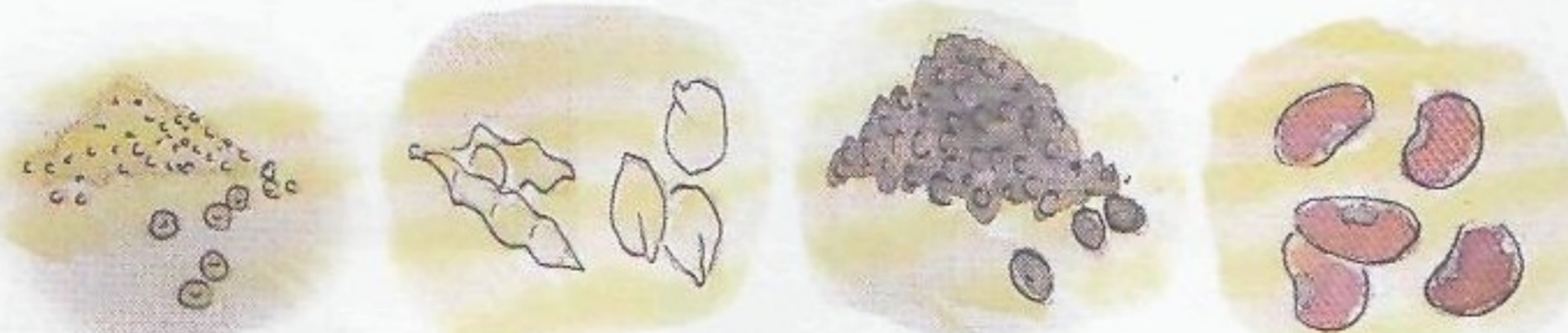
خامه پنیر کره

غلات:



ذرت جو گندم برنج

حبوبات:



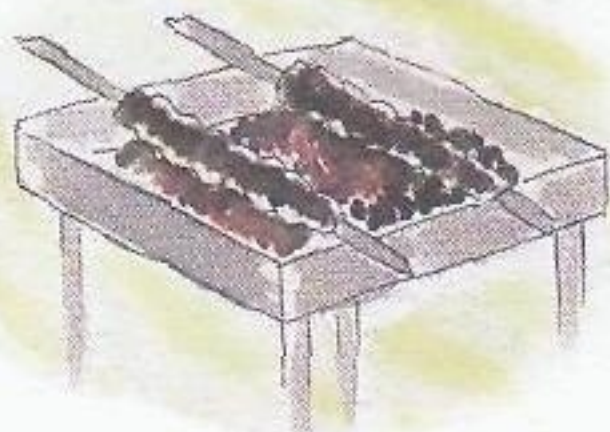
لپه نخود عدس لوبیا

نان:



باگت لواش تافتون بربری سنگک

راه‌های طبخ



کباب کردن
(= بریان کردن)



بخارپز کردن



سرخ کردن
(= تفت دادن)



آب‌پز کردن

ذائقه‌ی آدم‌ها

آدم‌ها ذائقه‌های مختلفی دارند. بعضی‌ها غذاهای چرب و پر از روغن را دوست دارند. این نوع غذاها دیر هضم می‌شوند؛ در ضمن موجب چاقی و افزایش وزن می‌شوند. بعضی‌ها هم غذاهای پخته، آب‌پز و بخارپز را می‌پسندند. این غذاها ساده‌اند و زود هضم می‌شوند. اما بعضی از مردم طرف‌دار غذاهای شیرین‌اند. از نظر آن‌ها این غذاها خوشمزه و لذیذند. ذائقه‌ی بعضی‌ها هم با غذاهای ترش و شور سازگار است.

آشپزی من و برادرم

جمعه‌ی گذشته من و برادرم تصمیم گرفتیم مسئول آماده کردن صبحانه، ناهار، عصرانه و شام باشیم. برای صبحانه، شیر، تخم مرغ آب‌پز، نان، پنیر، کره، مربا و عسل آماده کردیم. برای ناهار تصمیم گرفتیم پلو و خورش بادمجان درست کنیم. ابتدا چند بادمجان پوست کندیم و آن‌ها را سرخ کردیم، بعد مقداری گوشت خرد کردیم (= ریز کردیم) و پختیم. نزدیک ظهر بود که برنج پختیم. ساعتی بعد، به آشپزخانه رفتیم تا غذا را بکشیم، اما دود همه جا را پر کرده بود. غذاها سوخته بودند، چون فراموش کرده بودیم شعله‌ی زیرقابلمه‌ها را کم کنیم. آن روز ناهار نیمرو خوردیم. خوشبختانه عصر مادر بزرگم تلفن کرد و ما را به خانه‌اش دعوت کرد.

تمرین ۱

هر دسته از کلمه‌ها را بخوانید و دور کلمه‌ی متفاوت با بقیه خط بکشید.

۱. گوشت / لپه / نخود / لوبیا
۲. گندم / جو / نخود / برنج
۳. مرغ / گاو / میگو / ماهی
۴. جوجه / گوسفند / گاو / گوساله
۵. میگو / عدس / لپه / لوبیا

تمرین ۲

هر عبارت را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

۱. مرغ سرخ شده

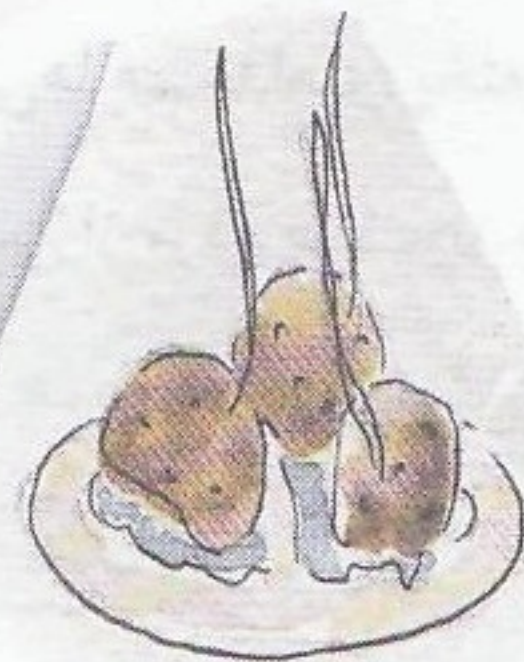
۲. گوشت کباب شده

۳. سیب‌زمینی آب‌پز

۴. سیب‌زمینی سرخ شده



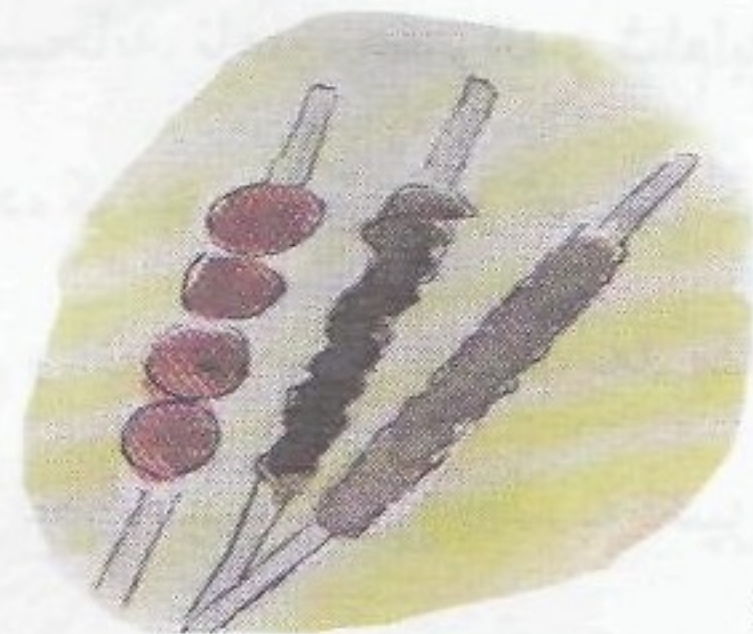
ب



الف



ت



پ

تمرین ۳

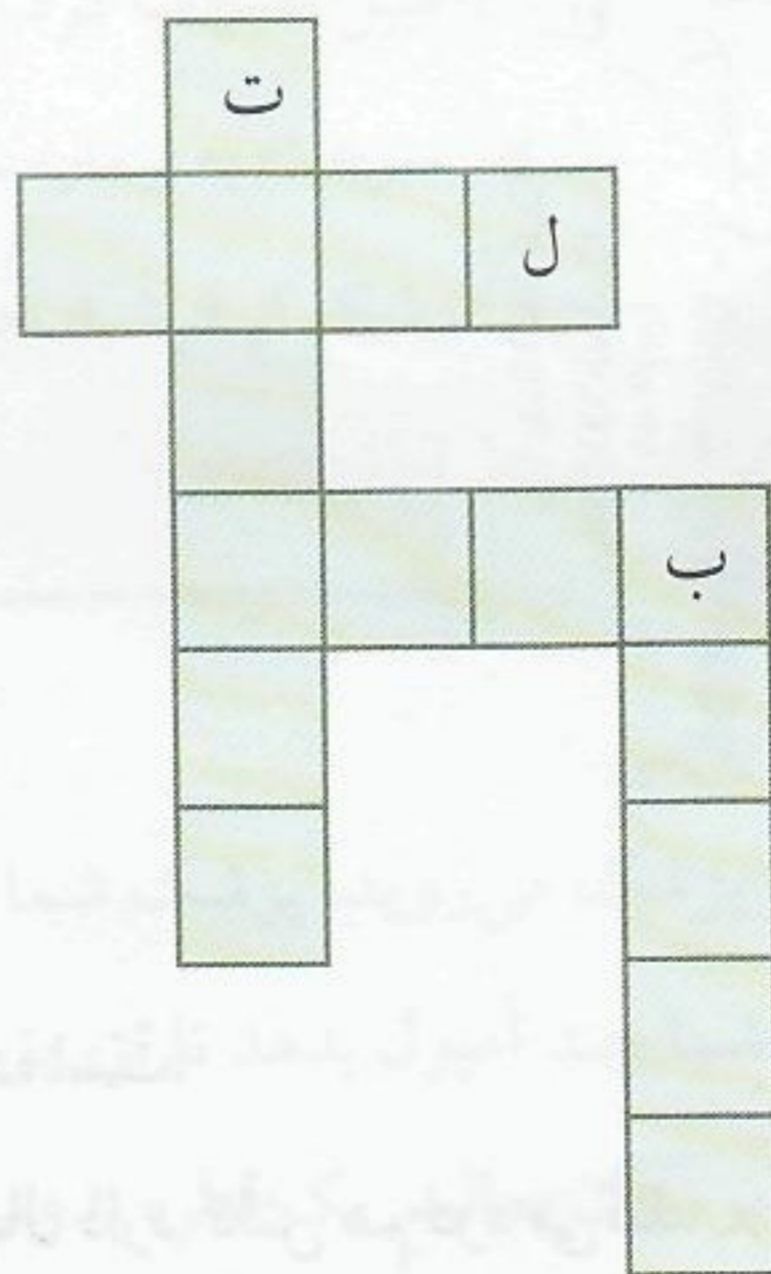
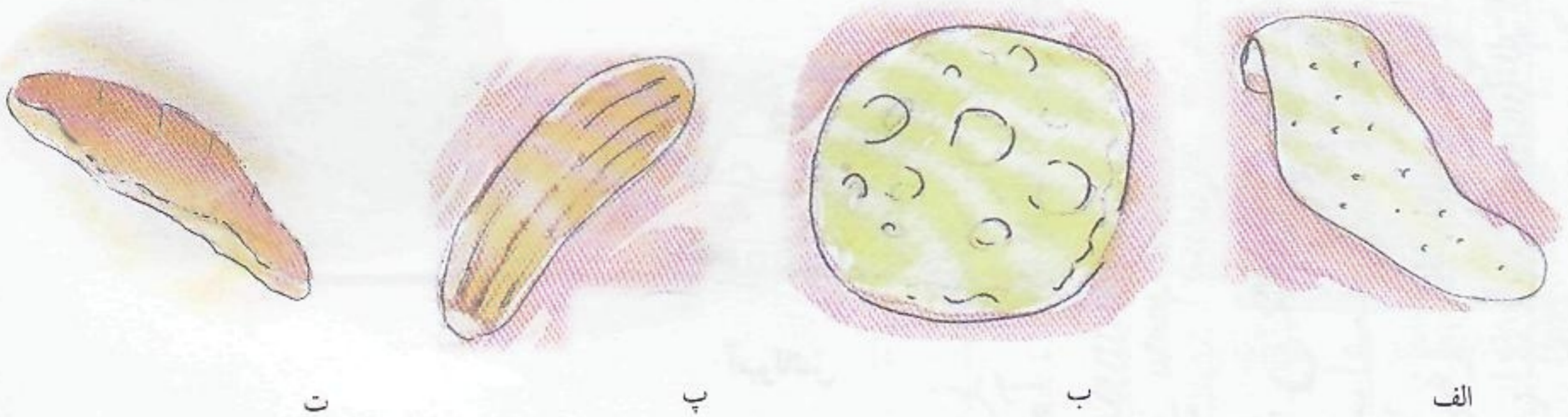
جاهای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

چاقی، چرب، پخته، روغن، نمک

۱. غذای شور پر از است.
۲. غذای چرب پر از است.
۳. غذاهای و آب‌پز زود هضم می‌شوند.
۴. غذاهای سرخ شده موجب و افزایش وزن می‌شوند.
۵. غذاهای دیر هضم می‌شوند.

تمرین ۴

جدول: با توجه به شکل نان‌ها و حرف اول آن‌ها در جدول، اسم مربوط به آن‌ها را در جدول بنویسید.



بیماری‌ها

بیمار، پزشک، دارو



دارو



داروخانه



چشم‌پزشک



دندان‌پزشک



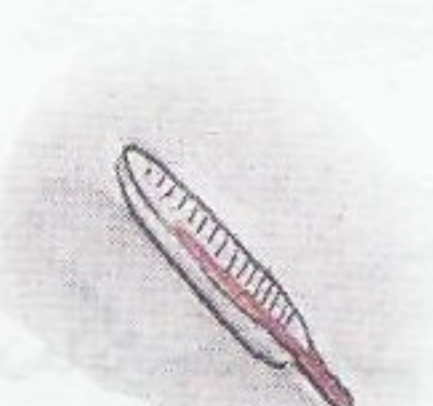
درمانگاه



بیمارستان



بیمار



درجه



پرستار



پزشک



آبولانس

بیماری‌های متداول



● سیامک سرماخورده است.

او عطسه و سرفه می‌کند.

گلویش هم درد می‌کند.

از چشم‌ها و بینی او آب می‌آید.

او آبریزش دارد.



● پویان غذای مانده (= فاسد) خورده است.

او حالت تهوع (= استفراغ) و اسهال دارد. دلش هم درد می‌کند.

پویان مسموم شده است.



● مهرانه آنفلوآنزا گرفته است.

او عطسه و سرفه می کند.

او تب دارد و گلویش هم درد می کند.

مهرانه بدن درد هم دارد.

● پرستو در خیابان است.

خیابان شلوغ و پر سر و صداست.

پرستو سر درد دارد.

او باید زودتر به خانه برود و استراحت کند.



● سیمین حساسیت (= آلرژی) دارد.

او به گرد و خاک و گردهای گل ها حساسیت دارد.

● امیر در مطب دندان پزشکی است.

او منتظر نشسته است.

هفته ی گذشته، دندان پزشک یکی از دندان هایش را پر کرده است.

این هفته دندان پزشک باید دندان دیگرش را بکشد.



تصادف در خیابان

هفته ی گذشته، فرشید سر چهارراه با یک اتومبیل تصادف کرد. سر و صورت او به شدت زخمی شد. از زخم های او خون می آمد. چند نفر او را با سرعت به بیمارستان بردند. پزشک او را معاینه کرد و زخم های او را باندپیچی (= پانسمان) کرد. پزشک از فرشید خواست که چند روز در خانه بماند و استراحت کند.

نسخه ی پزشک

وقتی شما بیمار می شوید، نزد پزشک می روید. پزشک شما را معاینه می کند و نسخه ای برایتان تجویز می کند. ممکن است او به شما چند آمپول بدهد تا تزریق کنید، چند قرص یا کپسول بدهد تا میل کنید. یک پماد بدهد که روی پوستتان بمالید. یک قطره بدهد که در چشم یا بینی تان بچکانید. یک شربت بدهد که روزی چند قاشق بخورید.

تمرین ۱

هر تصویر را با یک خط به جمله‌ی مربوط به آن وصل کنید.



ب



الف



ت



پ



ج



ث



ح



چ



د



خ

۱. فرزانه آبریزش بینی دارد.
۲. دل مریم درد می‌کند.
۳. کمر فرزاد درد می‌کند.
۴. دندان سارا درد می‌کند.
۵. احمد عطسه می‌کند.
۶. سر مجید درد می‌کند.
۷. زانوی امین درد می‌کند.
۸. فرزاد سرفه می‌کند.
۹. گلوی نرگس درد می‌کند.
۱۰. چشم مجید درد می‌کند.

تمرین ۲

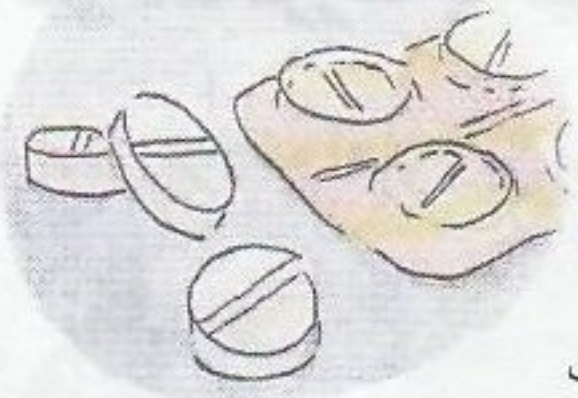
فعل مناسب هر جمله را در جای خالی بنویسید.

معاینه کرد، تزریق می‌کند، بانداپیچی می‌کند، خون آمد، تجویز کند، می‌مالد

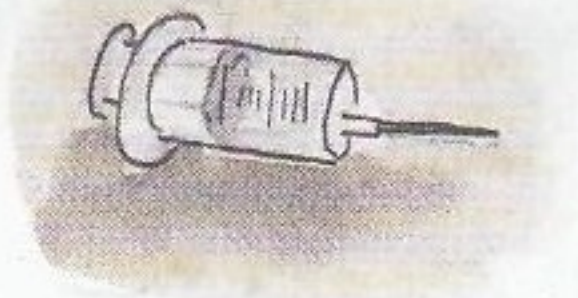
۱. پرستار دست و پای مرد زخمی را
۲. پس از آن که پزشک بیمار را برای او دارو نوشت.
۳. فقط پزشک می‌تواند برای بیمار دارو
۴. سهراب یک روز در میان یک آمپول
۵. اسفندیار به کمرش پماد تا دردش آرام شود.
۶. پسربچه زمین خورد و از بینی اش

تمرین ۳

هر تصویر را با یک خط به کلمه مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج



ح



الف



پ



ث



ج

۱. شربت
۲. آمبولانس
۳. دارو
۴. قرص
۵. کپسول
۶. آمپول
۷. زخمی
۸. داروخانه

تمرین ۴

نرگس، سیما، سیاوش و پدرام بیمارند. علائم و نشانه‌های بیماری هر کدام از آنها در زیر آمده است. نام بیماری آنها را در جای خالی بنویسید.

مسموم شده است، سرما خوره است، آنفلوآنزا گرفته است، حساسیت دارد

۱. سیما مرتب عطسه می‌کند. چشم‌های او سرخ شده است و آبریزش دارد. سیما
۲. پدرام عطسه و سرفه می‌کند. او تب دارد و بدنش درد می‌کند. پدرام
۳. نرگس حالت تهوع و استفراغ دارد. دلش درد می‌کند. نرگس
۴. سیاوش عطسه و سرفه می‌کند. کمی گلویش درد می‌کند و آبریزش دارد. سیاوش

جانوران

حیوانات مزرعه یا حیوانات اهلی

حیوانات مزرعه اهلی، بی آزار و مفید هستند.



فایده‌ی بعضی از حیوانات اهلی

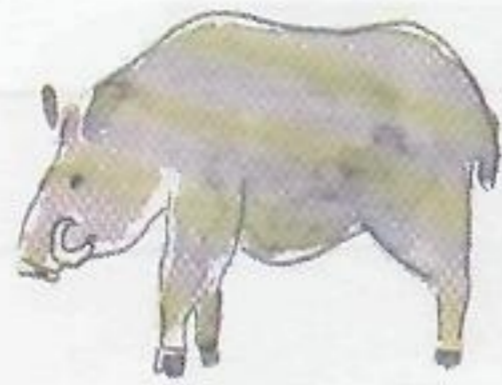
حیوان	محصول	بچه
اسب	_____	کره
الاغ	_____	کره
گاو	شیر، چرم، گوشت	گوساله
گوسفند	شیر، پشم، گوشت	بزه
مرغ	پر، گوشت	جوجه
بز	شیر، پوست، گوشت	بزغاله

حیوانات وحشی

حیوانات وحشی در دشت، جنگل و کویر زندگی می‌کنند. البته، این حیوانات را می‌توان در باغ وحش هم نگهداری کرد.



گورخر



گراز



کفتار



روباه



گرگ



میمون



خرس



پلنگ



شیر



ببر



زرافه

حیوانات دیگر در اطراف ما



موش



عنکبوت



کرم خاکی



حلزون



گربه



کبوتر



گنجشک



کلاغ

تمرین ۱

حیوانات زیر را در سه دسته‌ی حیوانات مزرعه، حیوانات وحشی و پرندگان دسته‌بندی کنید.

زرافه، مرغ، کلاغ، گراز، پلنگ، گاو، گنجشک، اسب، کفتار، کبوتر، بز، ببر، الاغ

پرندگان	حیوانات وحشی	حیوانات مزرعه
.....
.....
.....

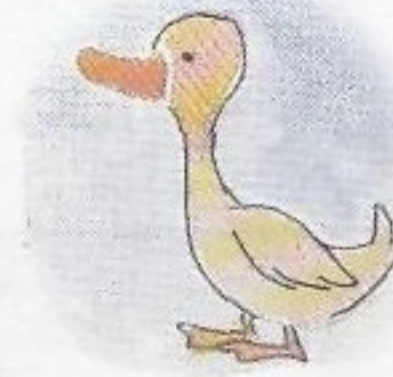
تمرین ۲

جمله‌های زیر را به کمک تصویر مقابلشان کامل کنید.



۱. در آسمان پرواز می‌کند.

۲. در آب شنا می‌کند.



۳. خیلی سریع می‌دود.



۴. روی زمین می‌خزد.



۵. به سرعت می‌تازد.



تمرین ۳

کدام یک از حیوانات زیر گوشت خوار و کدام یک گیاه خوارند.

گورخر، بز، خرگوش، کفتار، شیر، سگ، گاو، روباه

گیاه خوار	گوشت خوار
.....
.....
.....
.....

تمرین ۴

کدام یک از حیوانات زیر برای انسان مفیدند و چه محصولاتی دارند؟

مرغ، زرافه، گوسفند، خرگوش، کفتار، روباه، گوساله، بوقلمون، گاو، شیر، پلنگ، غاز، ببر

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

میوه‌ها و سبزیجات

میوه‌های بهار و تابستان



توت فرنگی



گوجه سبز



گلابی



هلو



انگور



انجیر



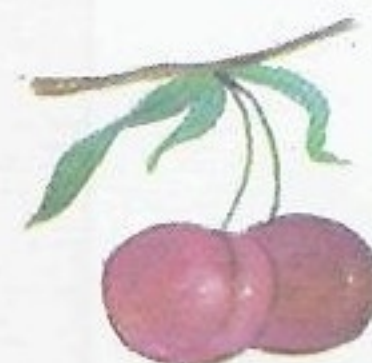
خریزه



طالبی



توت



گیلاس



هندوانه

میوه‌های پاییز و زمستان



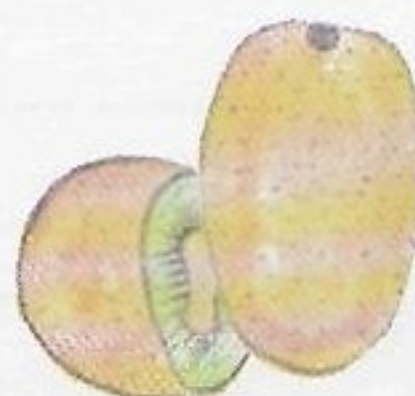
بلوط



انار



ازگیل



کیوی



خرمالو



نارنگی



لیمو



پرتغال



خرما



گریپ‌فورت

● موز و سیب و خیار میوه‌های چهار فصل هستند. در ایران، این میوه‌ها در هر فصل از سال وجود دارند.



خیار



سیب



موز

سبزیجات



قارچ



فلفل دلمه ای



فلفل سبز



گل کلم



کلم پیچ



ریواس



کنگر



لوبیاسبز



کدو حلوایی



بادمجان



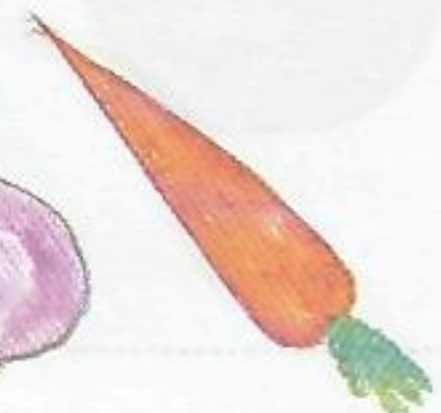
کدو



سیب زمینی



پیاز



هویج



بامیه



گوجه فرنگی



تره فرنگی



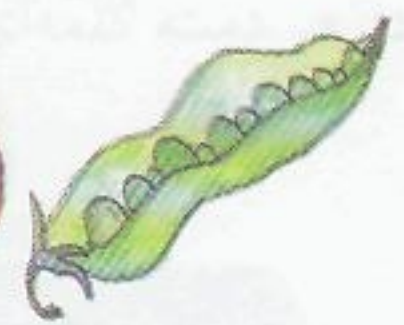
سیر



شلغم



چغندر



نخود فرنگی

سبزیجات در غذاهای ایرانی

ایرانی‌ها برای درست کردن انواع خورش، کوکو و پلو از سبزی‌های مختلفی استفاده می‌کنند. اغلب این سبزی‌ها معطر و خوش بو هستند و طعم خوبی به غذاها اضافه می‌کنند. جعفری، تره، شنبلیله، گشنیز و شوید سبزی‌های اصلی برای درست کردن غذاهای ایرانی است. ایرانی‌ها برخی از انواع سبزی را همراه و غذا به صورت خام (= نپخته) مصرف می‌کنند. به این نوع سبزی، سبزی خوردن می‌گوییم. سفره‌ی ایرانی با سبزی خوردن زیباتر می‌شود. سبزی خوردن شامل تره، ریحان، شاهی، تربچه، پیازچه، ترخون، مرزه و نعناع است.

تمرین ۱

نام میوه‌های زیر را بنویسید.



۱ ۲ ۳ ۴



۵ ۶ ۷ ۸

تمرین ۲

میوه‌های زیر را بر اساس فصل مربوط به آن‌ها مرتب کنید.

طالبی، پرتقال، توت، ازگیل، بلوط، گوجه‌سبز، گریپ‌فروت، کیوی، خرمالو، انگور، انار
 لیمو، گیلان، هندوانه، توت‌فرنگی، خرما، نارنگی، خربزه

زمستان	پاییز	تابستان	بهار
.....
.....
.....
.....
.....

محصولات زیر را در دو ستون میوه‌ها و سبزیجات مرتب کنید.

پیاز، طالبی، چغندر، سیب زمینی، توت، لوبیاسبز، لیمو، گوجه سبز، نخودفرنگی، هلو، گلابی

سبزیجات	میوه
.....
.....
.....
.....
.....

در هر دسته کلمه‌ای وجود دارد که با بقیه‌ی کلمه‌ها متفاوت است. دور آن خط بکشید.

۱. انگور / هلو / نارنگی / کلم پیچ

۲. تره فرنگی / گلابی / چغندر / قارچ

۳. فلفل دلمه‌ای / پرتقال / توت / انجیر

۴. گوجه فرنگی / کدو حلوایی / ازگیل / نخودفرنگی

۵. سیب / موز / خرمالو / لوبیاسبز

انواع گل



میخک



زنبق



سنبل



لاله



رز



مروارید



داوودی



نرگس



مینا



بنفشه



شمعدانی



نسرین

باغ گل پدربزرگ

پدربزرگ من باغبان است. او باغ گل زیبا و بزرگی در خارج از شهر دارد. پدربزرگ در باغش گل‌های گوناگون و رنگارنگی پرورش می‌دهد (= می‌کارد و بزرگ می‌کند). اغلب اوقات، گل‌فروش‌ها برای خرید گل به باغ او می‌آیند. دیوارهای باغ از یاس سفید و بنفش پوشیده شده است. من هر وقت به این باغ می‌آیم، در میان گل‌ها گردش می‌کنم و از دیدن آن‌ها لذت می‌برم. همیشه موقع خداحافظی، پدربزرگ چند نوع گل و غنچه می‌چیند و دسته گل قشنگی درست می‌کند و به من می‌دهد. من تا چند روز گل‌ها را در آب می‌گذارم تا تازه باقی بماند. همین که گل‌ها می‌خواهند پژمرده شوند، آن‌ها را خشک می‌کنم و در ظرف شیشه‌ای از آن‌ها نگهداری می‌کنم.

انواع درخت و بخش‌های مختلف آن



نارون



نخل



سرو



کاج



شاخه



تنه



چنار



بید



ریشه



شکوفه

درخت کاری

ایرانیان دوره‌ی باستان به درخت و درخت کاری (= کاشتن درخت) اهمیت فراوانی می‌دادند. آن‌ها معتقد بودند که درخت مثل انسان موجودی زنده است و حق زندگی دارد. زرتشت از اهورامزدا می‌پرسد: ای آفریننده‌ی جهان، چه کسی زمین را بیشتر از همه خوشحال می‌کند؟ و اهورامزدا پاسخ می‌دهد: کسی که بیشترین مقدار علوفه سبز نماید و بیشترین مقدار درخت بکارد و زمین را سیراب کند. هنوز ایرانی‌ها سخن گذشتگان خود را فراموش نکرده‌اند. آن‌ها روز پانزده اسفند هر سال جشن می‌گیرند و نهال درختی در زمین می‌کارند و به آن آب می‌دهند.

تمرین ۱

نام هر گل را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج

۱. شمعدانی

۲. مروارید

۳. مینا

۴. رز

۵. سنبل

۶. نرگس



الف



پ



ث

تمرین ۲

در هر دسته دور کلمه‌ی متفاوت با بقیه‌ی کلمه‌ها خط بسته بکشید.

۱. سنبل / چنار / شمعدانی / یاس

۲. کاج / میخک / بنفشه / داوودی

۳. نارون / میخک / سرو / نخل

۴. لاله / زنبق / مینا / نارون

۵. سرو / شمعدانی / نارون / چنار

۶. ریشه / تنه / شاخه / بید

۷. ساقه / مروارید / غنچه / شکوفه

تمرین ۳

نام هر درخت را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب

۱. چنار

۲. نارون

۳. بید

۴. نخل

۵. سرو



الف



ت



پ



ث

تمرین ۴

برای هر یک از جمله‌های زیر فعل مناسب انتخاب کنید و بنویسید.

پرورش می‌دهد، می‌کارند، درست می‌کند، پژمرده شوند، سبز می‌شود

۱. باغبان در باغ گل و گیاه

۲. پدر بزرگ دسته گل قشنگ و زیبایی

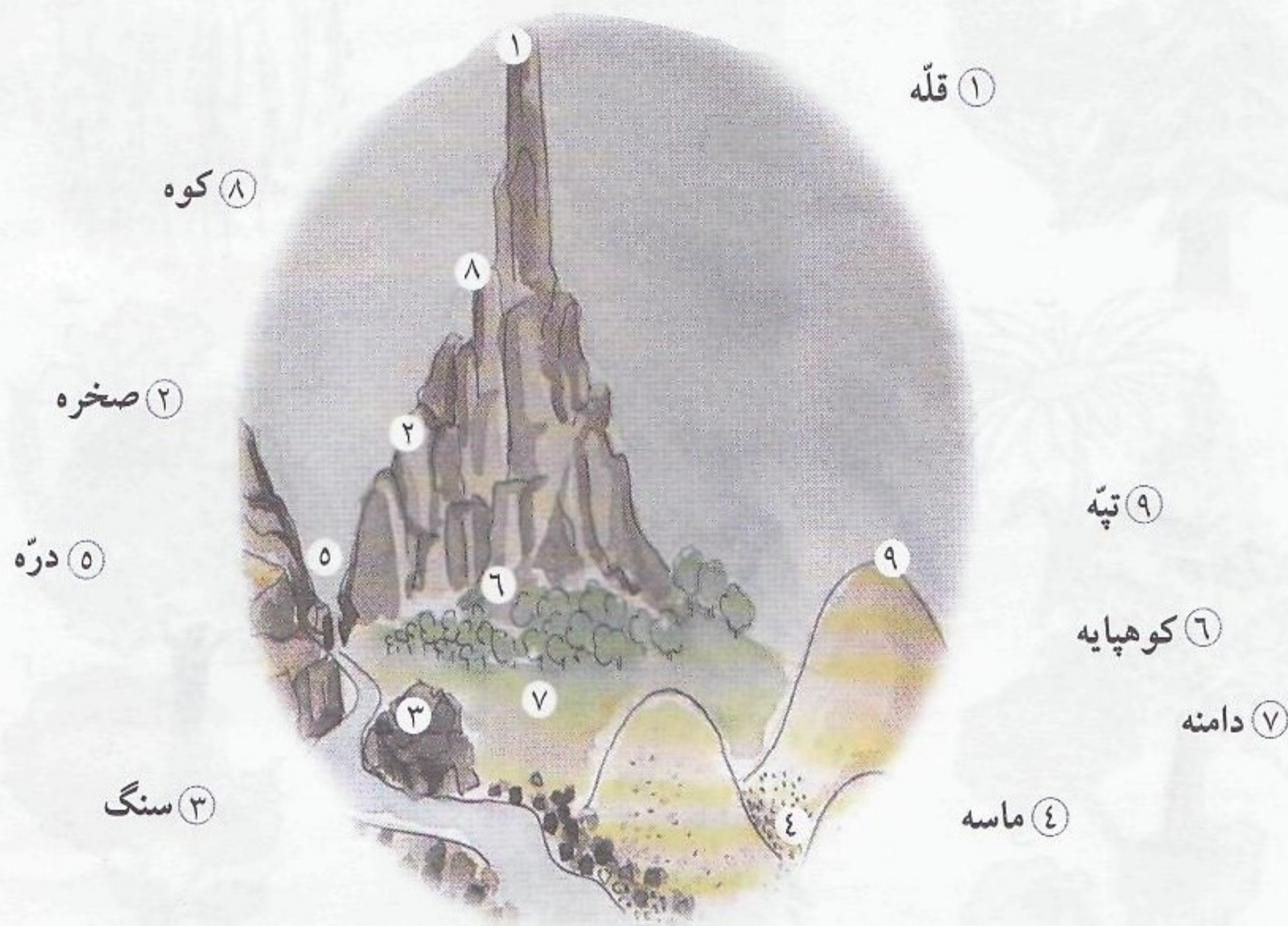
۳. ایرانی‌ها در روز پانزده اسفند هر سال نهال درخت

۴. پیش از این که گل‌ها آنها را خشک می‌کنم.

۵. در فصل بهار، دوباره برگ درختان

پدیده‌های طبیعی (۱)

بلندی‌های روی زمین



کوه‌های بلند ایران

کوهستان‌های مهم ایران در شمال، غرب و جنوب غربی این کشور واقع‌اند. رنگ قهوه‌ای روی نقشه جاهای کوهستانی (= دارای کوهستان) را نشان می‌دهد. کوه‌های شمال و غرب ایران مانند زنجیر به هم متصلند. به این کوه‌ها رشته‌کوه می‌گوییم. رشته‌کوه شمال ایران البرز نام دارد. البرز قله‌های مختلفی دارد که بلندترین آن دماوند است. در مغرب و جنوب غربی ایران چند رشته‌کوه وجود دارد. این رشته‌کوه‌ها از هم فاصله دارند و به آن‌ها زاگرس می‌گوییم. زردکوه و دنا از بلندترین رشته‌کوه‌های زاگرس هستند.

خشکی‌های روی زمین

۲۹٪ سطح زمین از خشکی‌ها پوشیده شده و بقیه‌ی آن را آب فرا گرفته است. خشکی‌ها از نظر ویژگی جغرافیایی با هم متفاوتند.

● **بیابان (= کویر)** زمین خشک و بی آبی است که از شن (= سنگریزه) و ماسه پوشیده شده و غیر قابل زندگی برای انسان و اغلب حیوانات است.



● **دشت (= صحرا)** زمین صاف و همواری است که درختان بسیار پراکنده و کمی دارد. دشت زمین مناسبی برای کشاورزی است.



● **بیشه جنگل کوچکی** است که در آن بیشتر درختچه (= درخت های کوچک و کوتاه) و بوته می روید.



● **جنگل منطقه ای پوشیده از درختان و گیاهان فراوان** است.

● **جزیره خشکی وسط دریا یا اقیانوس** است که دور تا دور آن را آب فرا گرفته است.



● **شبه جزیره خشکی کنار دریا یا اقیانوس** است که سه طرف آن را آب فرا گرفته است.



بلایای طبیعی



خشکسالی



زمین لرزه



آتشفشان



بهمن



سیل



گردباد



توفان

تمرین ۱

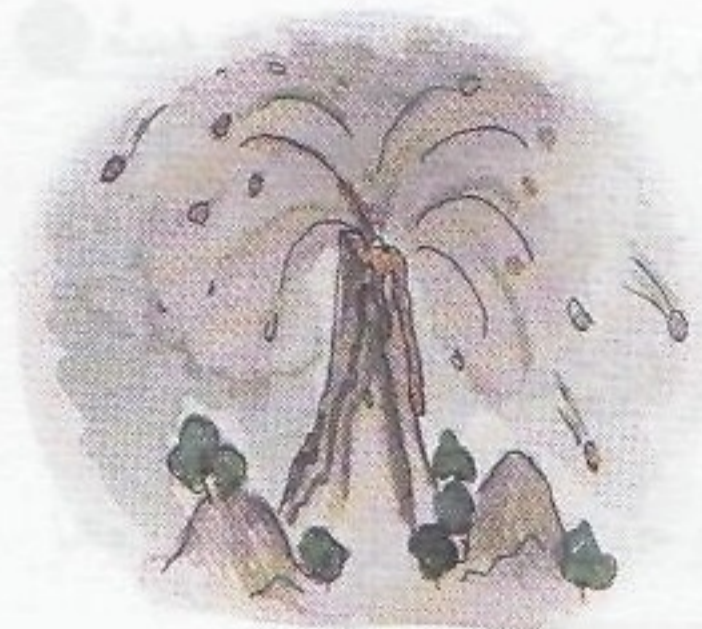
هر دسته از کلمه‌ها را بخوانید و دور کلمه‌ی متفاوت با بقیه خط بکشید.

۱. قلّه / بیابان / کوهپایه / کوهستان
۲. زمین لرزه / جزیره / دشت / بیشه
۳. قلّه / دامنه / کوه / دریا
۴. درختچه / بوته / گل / آتشفشان
۵. توفان / بوته / برف / باران
۶. باد / سیل / توفان / صخره

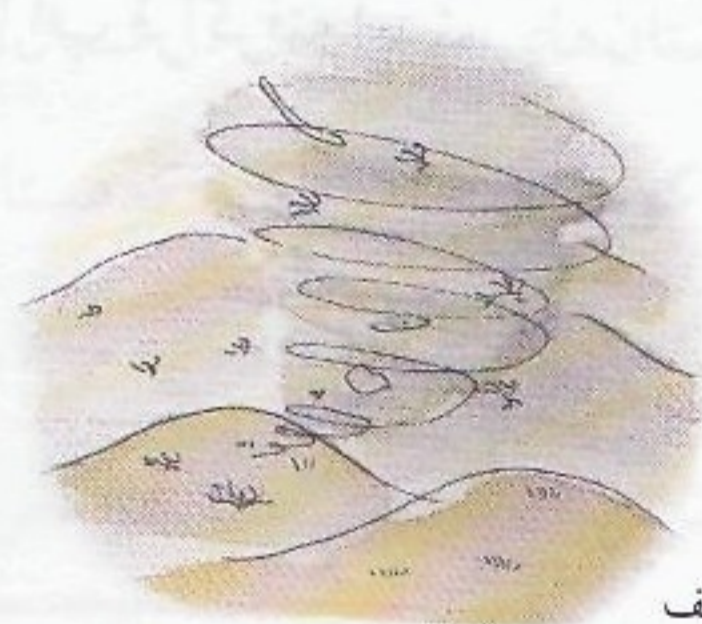
تمرین ۲

هر یک از جمله‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.

۱. توفان هفته‌ی گذشته خسارت زیادی به درختان و خانه‌ها وارد کرد.
۲. سیل بیشتر زمین‌های کشاورزی و جاده‌ها را خراب کرده است.
۳. بخش زیادی از شهر بر اثر زمین لرزه ویران شد.
۴. بیشترین گردبادهای ایران در مناطق کویری روی می‌دهد.
۵. سانگای از آتشفشان‌های فعال جهان در اکوادور است.



ب



الف



ث

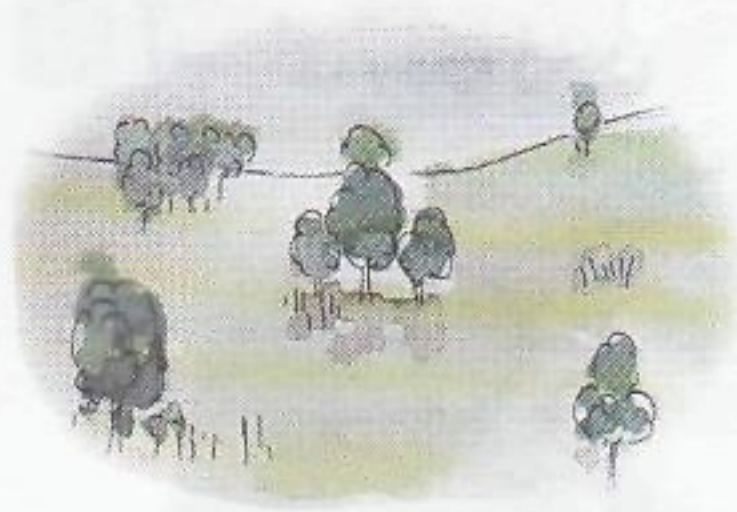


ت

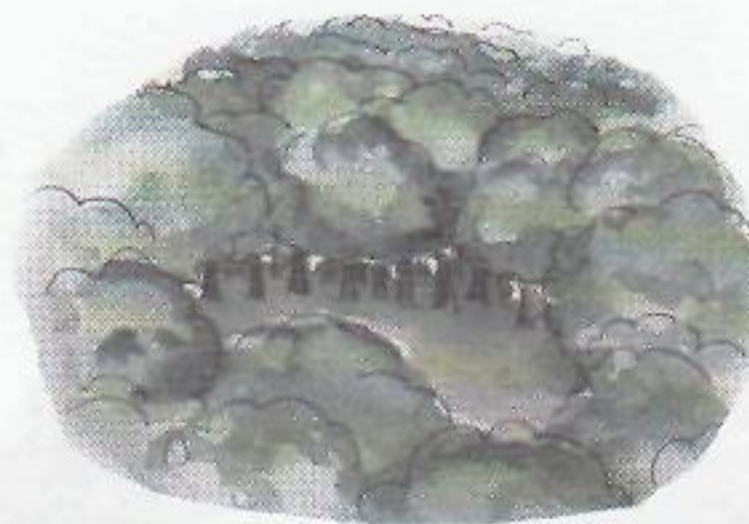


پ

کلمه‌ی مربوط به هر تصویر را زیر آن بنویسید.



..... ۳



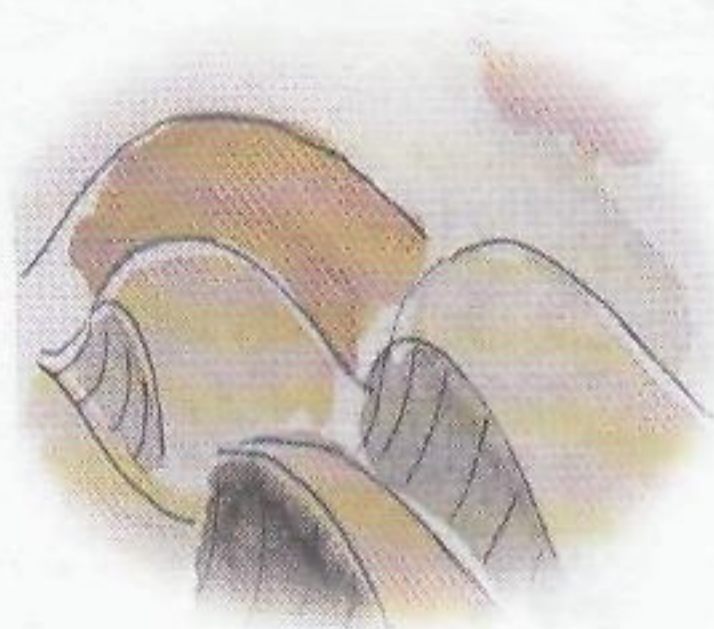
..... ۲



..... ۱



..... ۶



..... ۵



..... ۴

کلمه‌های زیر را در جاهای مناسب بگذارید.

جزیره‌ی، کوهستانی، صخره، آب و هوای، دامنه، کوهپایه، درّه‌ی

۱. مناطق معتدل برای کشاورزی بسیار مرغوب است.
۲. سرازیری‌های تند کوه را و زمین‌های پای کوه را می‌گوییم.
۳. مناطق زمستان‌های سرد و پر برفی دارد.
۴. به کسانی که از بالا می‌روند، صخره‌نورد گفته می‌شود.
۵. تهران در بزرگی واقع شده است و از سه طرف در محاصره‌ی کوه‌ها است.
۶. کشور ژاپن از چهار کوچک و بزرگ تشکیل شده است.

پدیده‌های طبیعی (۲)

آب‌های روی زمین



اقیانوس



خلیج



دریاچه



دریا



چشمه



جویبار



رود

باتلاق، مرداب ...

باتلاق: زمین گودی که رطوبت آن بسیار زیاد است تا حدی که خاک آن به گل تبدیل شده است.



مرداب: گودال کم عمقی است که در کنار بعضی از رودها، دریاچه‌ها یا دریاها تشکیل می‌شود. آب مرداب شور

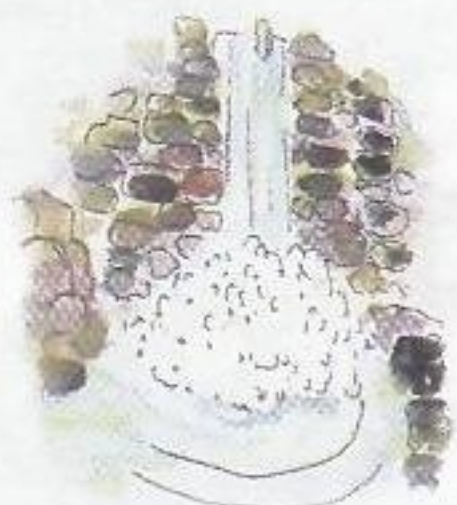
است.



تنگه: مسیر باریک از آب میان دو دریای مجاور هم است. تنگه دو دریا را به هم متصل می‌کند.



● آبشار: توده‌ی آبی است که از جایی بلند به طرف پایین فرو می‌ریزد.



● ساحل: حدّ فاصل میان آب و خشکی است. معمولاً ساحل دریا پوشیده از شن، ماسه، سنگ و صدف است. هنگام جزر و مد بخشی از ساحل زیر آب می‌رود و موج‌های بزرگ و کوچکی روی سطح آب دیده می‌شود.

باران، برف ...



برق (= صاعقه)



مه



تگرگ



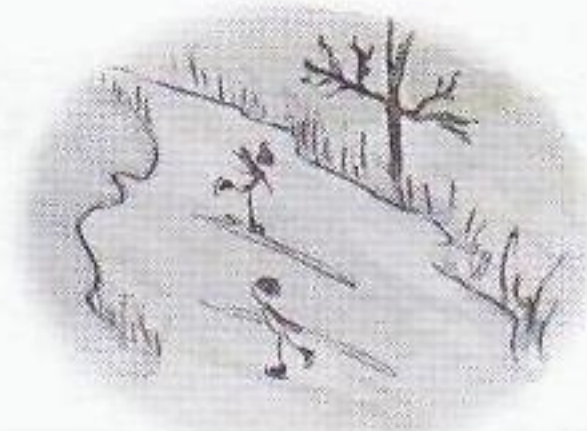
باران



کولاک



برف



یخ

باغ زیبای بهاری

فصل بهار بود. در باغ، نسیم (= باد ملایم) دلپذیری می‌وزید. ابرها آرام آرام در آسمان حرکت می‌کردند. گاهی ابرها خورشید را می‌پوشاندند. محو زیبایی باغ بودم که ناگهان آسمان سیاه شد و خورشید ناپدید گشت. نم‌باران شروع شد. یکدفعه، آسمان برق زد و به دنبال آن صدای رعد به گوش رسید. آن وقت نم‌باران جایش را به رگبار داد. چند لحظه بعد، دوباره خورشید پیدا شد و باران متوقف گردید. آن وقت، رنگین کمان زیبایی در آسمان پدیدار شد.

تمرین ۱

هر یک از کلمه‌های زیر را با یک خط به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



ب



ت



ج

۱. رنگین کمان

۲. آبشار

۳. دریاچه

۴. برق

۵. مرداب

۶. برف

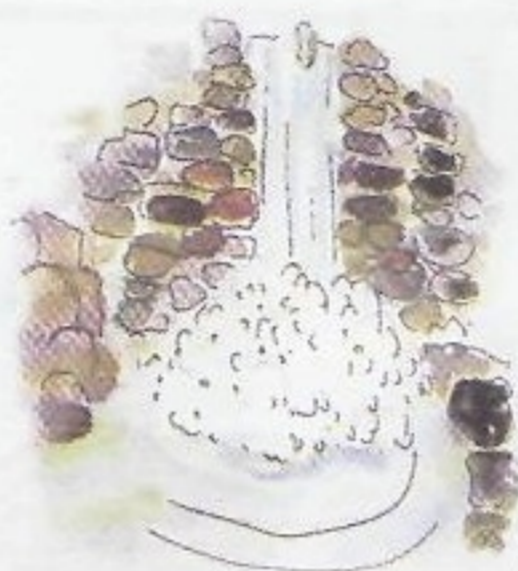
۷. جویبار



الف



ب



ج



ث

تمرین ۲

کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است.

- ۱. تگرگ گلوله‌های یخ‌زده‌ی باران است.
- ۲. مرداب گودال کم‌عمقی است که در کنار اقیانوس تشکیل می‌شود.
- ۳. اقیانوس از دریا کوچک‌تر است.
- ۴. توفان در هوای برفی را کولاک می‌گوییم.
- ۵. تنگه مسیر باریکی از آب میان دو دریا است.
- ۶. چشمه همان آب‌های زیرزمینی است که از زمین بیرون می‌زند.

با یک خط هر یک از جمله‌های زیر را به تصویر مربوط به آن وصل کنید.



الف



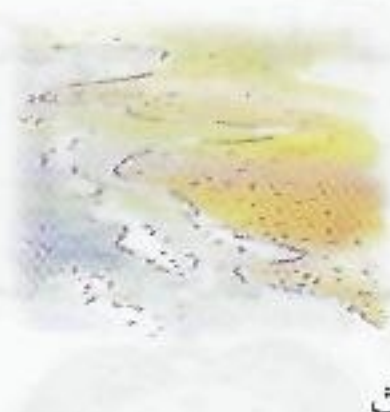
ب



پ



ت



ث



ج



چ

۱. خلیج فارس در جنوب ایران واقع است.
۲. دریای خزر در شمال ایران قرار دارد.
۳. تنگه‌ی کاله دریای مانش و دریای شمال را به هم متصل می‌سازد.
۴. ساحل دریا پوشیده از شن و ماسه است.
۵. مه آن قدر غلیظ است که ماشین‌ها به سختی حرکت می‌کنند.
۶. دریای عمان در جنوب ایران به اقیانوس اطلس متصل است.
۷. دریا توفانی است و موج‌ها با سرعت به طرف ساحل می‌آیند.

کلمه‌های مربوط به هر توضیح را در جدول از راست به چپ و از بالا به پایین پیدا کنید و دور آن‌ها خط بسته بکشید.

مثال: گودالی مرکب از آب و گل: باتلاق

ب	ا	ل	ا	ق	ب
ر	س	ش	م	د	ر
ج	ر	س	ش	م	د
گ	ل	م	د	ج	ز
ر	ر	س	ش	م	د
ب	ن	و	چ	ن	د
ع	ب	ن	و	چ	ن
د	ا	ش	ج	ش	س
د	ا	ش	ج	ش	س
ر	و	د	م	ی	خ
س	ر	و	د	م	ی
ت	ن	گ	ه	م	ل
ل	ت	ن	گ	ه	م

۱. بالا آمدن آب دریا
۲. پایین آمدن آب دریا
۳. آب منجمد
۴. باران تند و کوتاه
۵. آبی که از زیر زمین بیرون می‌آید
۶. باد ملایم
۷. مسیر باریک میان دو آب
۸. جریان آب نسبتاً طولانی که به طرف دریاچه یا دریا می‌رود
۹. صدای به هم خوردن ابرها به یکدیگر

زمان و فصول

ساعت، دقیقه، ثانیه

یک ساعت ۶۰ دقیقه یا ۳۶۰۰ ثانیه است.

ساعت چند است؟



پنج و نیم است.

ساعت چند است؟



یک ربع به چهار است.

ساعت چند است؟



ساعت ده و چهار دقیقه است.

ساعت چند است؟



هفت و ربع است.

شبانه روز، هفته، ماه، سال

یک شبانه روز ۲۴ ساعت است. با طلوع خورشید هوا روشن و روز آغاز می شود. با غروب

خورشید هوا تاریک و شب شروع می شود.



یک هفته هفت روز دارد: شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه. شنبه

روز اول هفته و جمعه روز آخر هفته است.

● امروز چندم است؟

امروز هفدهم دی ماه ۱۳۸۴ است.

● امروز چه روزی است؟

امروز هفدهم دی ماه ۱۳۸۴ است.

● یک سال چهار فصل دارد: بهار، تابستان، پاییز و زمستان. هر فصل سه ماه دارد. بهار: فروردین،

اردیبهشت، خرداد؛ تابستان: تیر، مرداد، شهریور؛ پاییز: مهر، آبان، آذر؛ زمستان: دی، بهمن، اسفند.



دهه، سده، هزاره

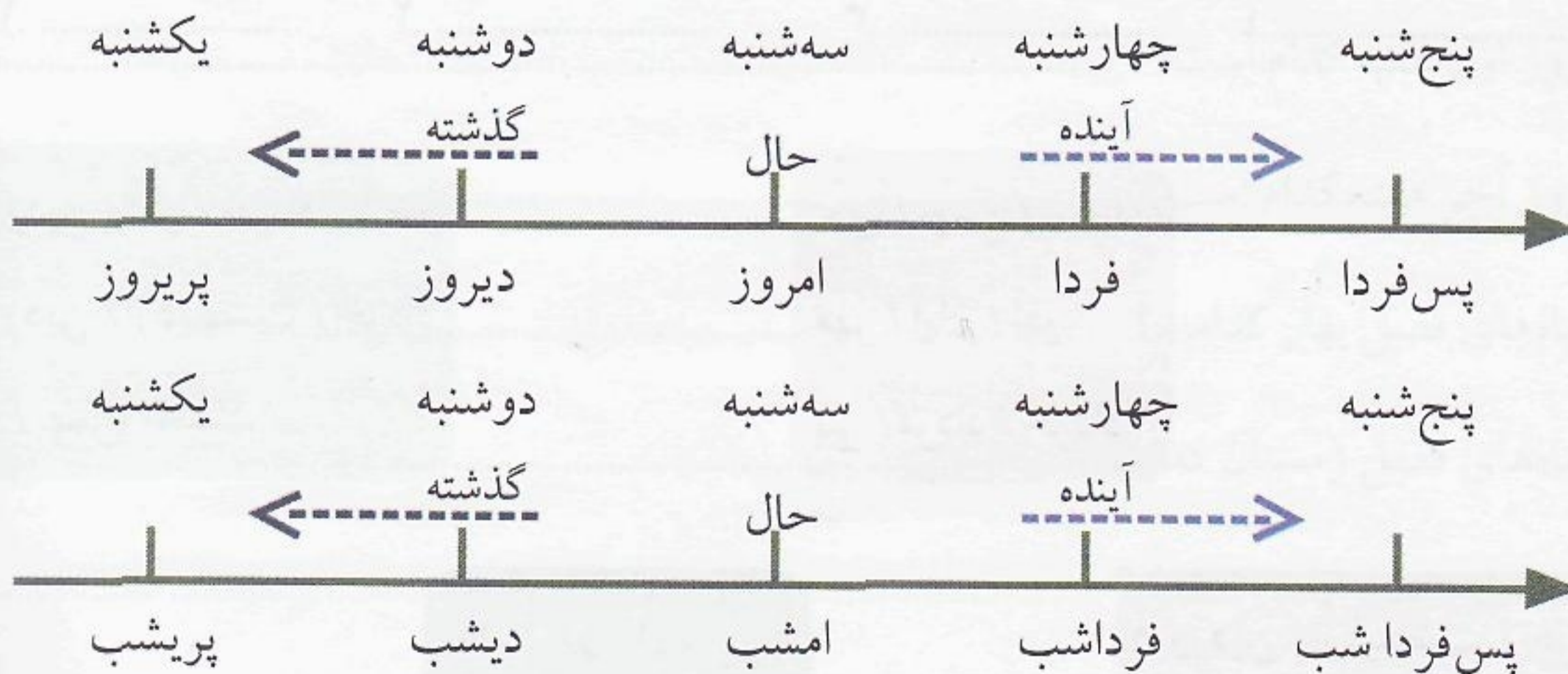
● یک دهه شامل ده سال است.

● یک سده (= قرن) شامل صد سال است.

● یک هزاره شامل هزار سال است.

● دهه‌ی سوم قرن بیستم = ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰

امروز، امشب، امسال

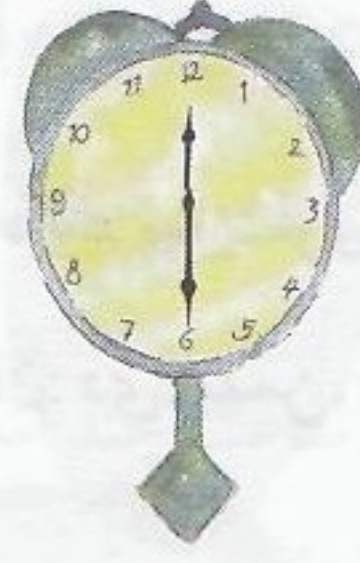
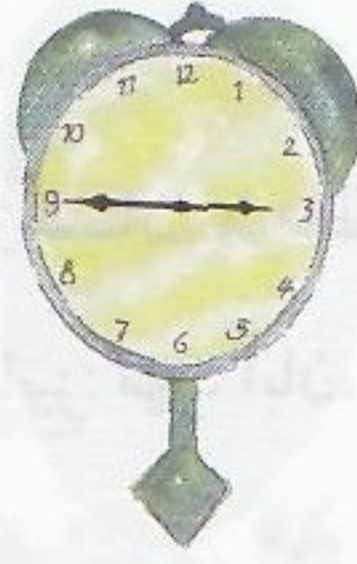
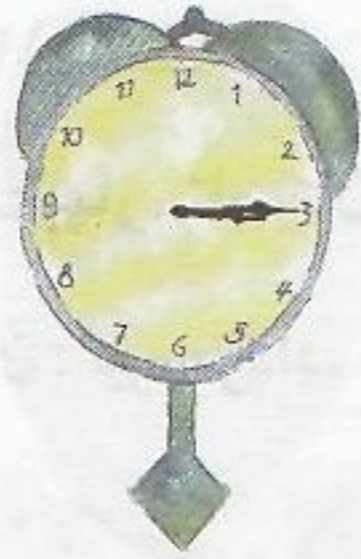


● سالی را که در آن هستیم، امسال می‌گوییم. سال پیش از امسال را پارسال و سال پیش از پارسال

را پیرارسال می‌گوییم.

تمرین ۱

ساعت چند است؟



..... ۴

..... ۳

..... ۲

..... ۱

تمرین ۲

به کمک تصویرها، نام هر فصل را در زیر تصویر بنویسید و دور ماه‌های مربوط به آن فصل خط بسته بکشید.



..... ۴

..... ۳

..... ۲

..... ۱

دی / بهمن / اسفند
مهر / آبان / آذر
تیر / مرداد / خرداد

ب

فروردین / آذر / خرداد
فروردین / اردیبهشت / خرداد
دی / بهمن / اسفند

الف

فروردین / اردیبهشت / خرداد
دی / فروردین / اسفند
مهر / آبان / آذر

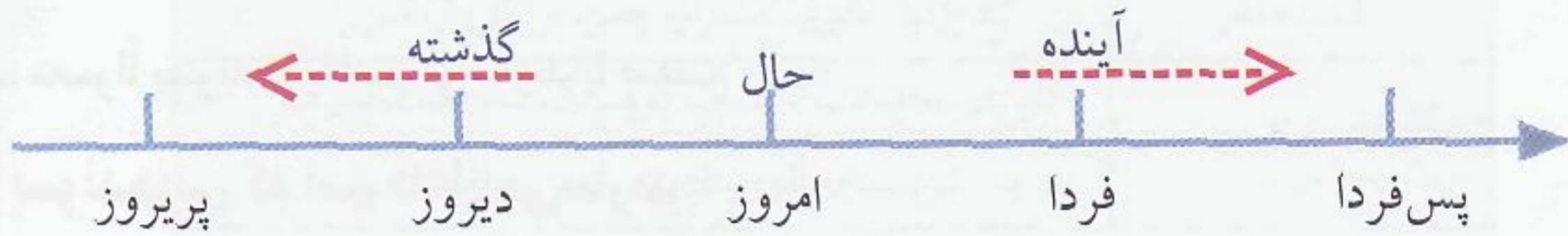
ت

آبان / آذر / دی
دی / بهمن / خرداد
تیر / مرداد / شهریور

پ

تمرین ۳

به کمک تصویر جاهای خالی را کامل کنید.



امروز ۱۷ دی ماه است ۱۸ دی ماه است ۱۶ دی ماه بود.
۱۹ دی ماه است و ۱۵ دی ماه بود.

تمرین ۴

جواب دهید.

۱. روزهای هفته را نام ببرید.
.....
۲. فصل های سال را نام ببرید.
۳. روز اول هفته کدام است؟
۴. روز آخر هفته کدام است؟
۵. ماه های فصل بهار کدامند؟
۶. ماه های فصل زمستان کدامند؟
۷. ماه های فصل پاییز کدامند؟
۸. ماه های فصل تابستان کدامند؟

پسوندها (۱)

پسوند در انتهای کلمه قرار می‌گیرد. شما به کمک پسوند می‌توانید معنای یک کلمه‌ی جدید را تشخیص دهید. معمولاً پسوندها یا اسم می‌سازند یا صفت.

پسوندهایی که اسم فاعل می‌سازند

پسوند	معنی	مثال
ماده‌ی مضارع یا ماضی + آر	—	پرستار، خریدار
اسم یا ماده‌ی مضارع یا ماضی + گار	—	آموزگار، خواستگار، آفریدگار، یادگار
اسم + کار	صفت‌فاعلی، دارنده‌ی شغل	طلبکار، بدهکار، خرابکار، ورزشکار، رنگ‌کار، سوارکار گناهکار، ستمکار، گچ‌کار، برق‌کار، مددکار
اسم + گر	دارنده‌ی شغل	زرگر، آهنگر، کوزه‌گر، کارگر، بازیگر، گزارشگر حیله‌گر، ستمگر، آرایشگر، رفتگر
اسم یا ماده‌ی فعل + بان	مسئول، مراقب	دربان، آسیابان، زندانبان، نگهبان، پاسبان، دیدبان باغبان، جنگل‌بان، دربان، دروازه‌بان، گروه‌بان سایه‌بان، بادبان
ماده‌ی مضارع + نده	کننده‌ی کار، دارنده‌ی حالت	فروشنده، گوینده، شنونده، نویسنده، خواننده پرنده، خزنده، بیننده، راننده، دونده، بازنده، برنده
اسم + چی	اشتغال به کاری	تلفن‌چی، تماشاچی، کنترل‌چی، پستیچی شکارچی، قاچاقچی، درشکه‌چی

- **پرستار:** کسی که از بیماران مراقبت می‌کند. پرستار فشار خون مرد بیمار را اندازه‌گیری می‌کند.
- **آموزگار:** کسی که در دبستان به بچه‌ها درس می‌دهد. دانش‌آموز کلاس دوم از آموزگار سؤال کرد.
- **سوارکار:** کسی که اسب سواری می‌کند. سوارکار با اسب از روی مانع پرید.
- **گزارشگر:** کسی که در رادیو یا تلویزیون یا روزنامه گزارش می‌کند. من گزارش‌های گزارشگرهای روزنامه‌ها را بیشتر دوست دارم.
- **باغبان:** کسی که از باغ نگه‌داری می‌کند. باغبان به گل‌ها و درختان آب می‌دهد.
- **فروشنده:** کسی که کارش فروختن کالا است. صاحب مغازه به یک فروشنده نیاز دارد.
- **پستیچی:** کسی که کارش بردن نامه است. امروز صبح، پستیچی نامه‌ای برایمان آورد.

پسوند	مثال
اسم + زار	گندم‌زار، شالیزار، کشتزار، چمن‌زار، گل‌زار، شن‌زار
اسم + ستان	گلستان، نخلستان، تاکستان، کوهستان، بیمارستان، دبیرستان کودکستان، گورستان، بلوچستان، بلغارستان
اسم یا ماده‌ی فعل + گاه	کارگاه، دانشگاه، آرامگاه، خوابگاه، پرورشگاه، ایستگاه، بازداشتگاه آسایشگاه، آزمایشگاه، دامگاه، نمایشگاه، عبادتگاه، پرتگاه، دستگاه فرودگاه، باشگاه، آرایشگاه، پالایشگاه، درمانگاه، پناهگاه، ورزشگاه چراگاه
اسم + کده	بتکده، میکده، دانشکده، آتشکده، دهکده

- شالیزار: محل کاشتن شالی (برنج). کشاورزها در شالیزارها کار می‌کنند.
- کشتزار: محل کاشتن انواع گیاهان و سبزیجات، مزرعه. کشتزارهای کوچک و بزرگی در بیرون از شهر وجود دارد.
- کوهستان: جایی که کوه‌های زیادی دارد. کوهستان‌های شمالی ایران پوشیده از درخت است.
- بیمارستان: محل نگهداری از بیماران. جوان زخمی را در بیمارستان بستری کردند.
- نخلستان: جایی که پر از درخت نخل یا خرماست. در جنوب ایران نخلستان‌های بزرگی وجود دارد.
- ایستگاه: محل ایستادن. بچه‌ها در ایستگاه اتوبوس ایستاده‌اند.
- عبادتگاه: محل پرستیدن خدا. مسجد عبادتگاه مسلمانان است.
- آزمایشگاه: محل آزمایش. دانشمندان در آزمایشگاه کار و تحقیق می‌کنند.
- نمایشگاه: محل نمایش. هفته‌ی گذشته به دیدن یک نمایشگاه عکس رفتیم.
- فرودگاه: محل نشستن و برخاستن هواپیما. پرواز ۳۴۶ ساعت ۸ در فرودگاه نشست.
- دهکده: ده، روستا. پدربزرگم در دهکده‌ای زیبا و سرسبز زندگی می‌کند.
- دانشکده: محل تحصیل دانشجویان در دانشگاه. دانشجویان دانشکده‌ی ادبیات امروز به کلاس‌های خود نمی‌روند.
- آتشکده: جایی برای نگه‌داری آتش و پرستش. زرتشتیان برای پرستش و دعا به آتشکده می‌روند.

تمرین ۱

جمله‌ی سمت راست را با یک خط به جمله‌ی مربوط به آن در سمت چپ وصل کنید.

- | | |
|--|---|
| الف. هفته‌ی پیش پنج هزار تومان به او قرض دادی. | ۱. اتوبوس در ایستگاه ایستاده است. |
| ب. معمولاً تو با اتوبوس به محل کار می‌روی. | ۲. من نویسنده‌ی داستان‌های پلیسی هستم. |
| پ. ولی نوشته‌های من خواننده ندارد. | ۳. دوست من آرایشگر است. |
| ت. او طبیعت را دوست دارد. | ۴. تو از پرویز طلبکاری. |
| ث. مسافرها یکی یکی سوار می‌شوند. | ۵. پسرعموی علی جنگل‌بان است. |
| ج. من معمولاً موهایم را پیش او کوتاه می‌کنم. | ۶. تو کارگر کارخانه‌ای در خارج از شهر هستی. |

تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با پسوند مناسب کامل کنید.

- بان، - گاه، - ار، - کده‌ی، - گار، - نده

۱. پروین در دانش..... پزشکی درس می‌خواند.
۲. خواست..... نسرين مهندس است.
۳. باغ..... گل‌های رنگارنگی در باغ کاشته است.
۴. کتاب‌های آگاتا کریستی خوان.....های زیادی در سراسر جهان دارد.
۵. پرست..... به مرد زخمی سرم وصل می‌کند.
۶. گوسفندان در چرا..... مشغول چرا هستند.

تمرین ۳

معنای کلمه‌های زیر را همراه با یک جمله بنویسید.

۱. دروازه‌بان =
۲. آرایشگاه =
۳. خریدار =
۴. رنگ‌کار =
۵. برنده =

دور کلمه‌ی صحیح خط بکشید.

۱. چند نفر در ایستگاه / پرورشگاه اتوبوس منتظر ایستاده‌اند.
۲. معمولاً آب و هوای آتشکده / دهکده با صفا و تمیز است.
۳. دوستم آهنگر / گزارشگر یکی از روزنامه‌های صبح است.
۴. ورزشکاران / گناهکاران پرچم کشورشان را در دست گرفته‌اند.
۵. مردان کشاورز در گلزار / شالیزار مشغول کار هستند.
۶. می‌گویند روباه حیوان حيله‌گری / رفتگری است.
۷. بلغارستان / بلوچستان یکی از استان‌های ایران است.
۸. مرد شکارچی / قاچاقچی آهوی کوچکی شکار کرد.

تمرین ۵

جاهای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

بازیکنان، برنده‌ی، تماشاچی‌ها، گزارشگر، دروازه‌بان‌ها، ورزشگاه، بیننده‌های، شنونده‌ها، بازنده

امروز در آزادی تهران مسابقه‌ی فوتبال بین دو تیم استقلال و پیروزی برگزار می‌شود. ورزشگاه پر از جمعیت است و تیم مورد علاقه‌شان را تشویق می‌کنند. این بازی به جام قهرمانی مسابقات لیگ برتر فوتبال دست می‌یابد و تیم مقام دوم را به دست می‌آورد.

پس از چند دقیقه دو تیم وارد زمین بازی می‌شوند. هر یک از جلوی دروازه‌ی خود قرار می‌گیرند و بازیکنان هم سر جای خودشان در زمین می‌ایستند. رادیو فهرست نام بازیکنان را برای اعلام می‌کند. تلویزیون نیز مسابقه را از تلویزیون تماشا می‌کنند. داور سوت خود را می‌زند و بازی با شور و هیجان آغاز می‌شود.

پسوندها (۲)

سایر پسوندها

پسوند	معنی	مثال
ماده‌ی مضارع + ش	اسم مصدر	کشش، آموزش، گردش، ورزش، کوشش، آسایش، وزش سازش، پرورش، ریزش، ستایش، گزارش، پوشش، پرسش گزش، لغزش
صفت یا اسم + ی	اسم مصدر	خرابی، ویرانی، بدی، نیکی، خوبی، زیبایی، رانندگی، بخاری نویسندگی، گویندگی، کتاب‌فروشی، گل‌فروشی
ماده‌ی ماضی + آر	اسم مصدر	گفتار، رفتار، کردار، گرفتار، دیدار
اسم + چه	اسم تصغیر	دفترچه، باغچه، درختچه، دریاچه، قالیچه، ناوچه، تربچه
اسم یا صفت یا ماده‌ی فعل + ه	شبهت	دسته، پایه، تیغه، تنه، جوانه، دندان، دهانه، شیر، لبه

- گردش: گردیدن. بچه‌ها عاشق گردش و بازی در پارک هستند.
- آسایش: آسودگی، آسوده بودن. همسایه‌ها از سر و صدای بچه‌ها آسایش ندارند.
- ریزش: ریختن. جاده بر اثر ریزش کوه بسته است.
- خرابی: خراب بودن. زلزله خرابی‌های زیادی به بار آورد.
- بخاری: وسیله‌ای برای گرم کردن خانه یا ساختمان. مادر هر شب بخاری نفتی را روشن می‌کرد.
- کتاب‌فروشی: محل فروختن کتاب. کتاب‌فروشی سر خیابان کتاب‌های مناسبی دارد.
- رفتار: طرز عمل، روش کار. آقای رضایی با مشتری‌هایش رفتار خوبی دارد.
- گفتار: طرز حرف زدن. همه از گفتار مؤدبانه‌ی مرد جوان خوششان آمد.
- دیدار: عمل دیدن. من از دیدار شما خوشحال شدم.
- باغچه: باغ کوچک. مادر بزرگ هر روز به گل‌ها و درخت‌های باغچه آب می‌دهد.
- جوانه: برجستگی روی شاخه‌ها. درختان در فصل بهار پر از جوانه می‌شوند.
- دفترچه: دفتر کوچک. آقای اکبری یک دفترچه و دو مداد برای پسرش خرید.
- پایه: ستونی که چیزی روی آن تکیه می‌کند. پایه‌ی صندلی شکست.

پسوند	معنی	مثال
ماده‌ی فعلی + آ	فاعلی	فریبا، کوشا، رسا، گیرا، دانا، خوانا، توانا
اسم یا صفت + مند	مالک و دارنده	سعادت‌مند، ثروتمند، خردمند، دردمند، کارمند، هنرمند زورمند، نیازمند، دانشمند، سالمند، آبرومند، شکوهمند تنومند
اسم یا ماده‌ی فعلی + گار	فاعلی	پرهیزگار، سازگار، رستگار
اسم یا صفت + وار	مالک و دارنده	بزرگوار، امیدوار، سوگوار، سزاوار، عیالوار
اسم یا ماده‌ی فعلی + ناک	آمیختگی	اندوهناک، غمناک، غضبناک، خطرناک، ترسناک، نمناک وحشتناک، فریبناک، سوزناک
اسم + و	مالک و دارنده	ریشو، سبیلو، شکمو، ترسو، اخمو، غرغرو
ماده‌ی فعلی + آن *	حالت فاعلی	سوزان، لرزان، خندان، گریان، تابان، شتابان
اسم + آنه *	شباهت، مانند	مردانه، دلیرانه، هنرمندانه، دخترانه، بچگانه، کودکانه پسرانه، زنانه، عامیانه
اسم یا صفت + آنی	نسبت	نورانی، عصبانی، عقلانی، چراغانی
اسم + ی	نسبت	سنگی، نقره‌ای، ایرانی، تهرانی، مسیحی، ارتشی دانشگاهی، دبستانی

* پسوندهای آن و آنه گاهی اوقات قید هم می‌سازند.

- **خوانا:** قابل خواندن. همه از خط خوانا و زیبای رضا تعریف می‌کنند.
- **ثروتمند:** دارای ثروت. تاجر ثروتمند تصمیم دارد برج بزرگی بسازد.
- **پرهیزگار:** کسی که پرهیز می‌کند. مرد پرهیزگار مشغول عبادت است.
- **امیدوار:** کسی که امید دارد. جوان امیدوار بدون خستگی به راهش ادامه می‌دهد.
- **ترسناک:** آمیخته با ترس. دوستم از دیدن فیلم‌های ترسناک لذت می‌برد.
- **اخمو:** کسی که دائماً اخم می‌کند. بچه‌ها این مرد اخمو را دوست ندارند.
- **خندان:** کسی که می‌خندد. دختر خندان توجه همه را به خود جلب کرده بود.
- **دخترانه:** مثل دخترها. چرا فرهاد لباس دخترانه پوشیده است؟
- **عصبانی:** ناراحت. پیرمرد عصبانی سر بچه‌ها داد کشید.
- **نقره‌ای:** از جنس نقره. برای دوستم یک سینی نقره‌ای خریده‌ام.

تمرین ۱

عبارت‌های سمت راست را با یک خط به عبارت مربوط به آن در سمت چپ وصل کنید.

- | | |
|---|---|
| الف. حیاط هنوز خیس و نمناک است | ۱. می‌خواهم برای مادرم یک پیراهن بخرم |
| ب. او باید سخت ورزش کند | ۲. بچه‌ها با توپ شیشه‌ی پنجره را شکستند |
| پ. عجب بچه‌ی شکمویی! همه را خورده است | ۳. شب گذشته تا صبح باران می‌بارید |
| ت. متأسفانه این مغازه فقط لباس‌های بیچگانه دارد | ۴. مرد جوان خیلی چاق است |
| ث. پیرمرد عصبانی و ناراحت روی بالکن آمد | ۵. هیچ شکلاتی در ظرف باقی نمانده است |
| ج. او دانشگاهی است | ۶. همسایه‌ی ما استاد دانشگاه است |

تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با پسوند مناسب کامل کنید.

- ه، - ناک، - وار، - انی، - چه، - ا، - مند

۱. آقای جعفری مرد عیال.....ی است. او چهار تا بچه دارد.
۲. پدر بزرگ دان.....ی من راهنمای همه‌ی افراد خانواده است.
۳. زن سال..... در پارک با دوستانش صحبت می‌کند.
۴. کوچه را برای جشن چراغ..... کرده‌اند.
۵. درختان در بهار پر از جوان..... می‌شوند.
۶. من از کارهای خطر..... پسر همسایه‌مان می‌ترسم.
۷. نرگس در دفتر.....ی تلفن شماره‌ای را یادداشت کرد.

تمرین ۳

معنای کلمه‌های زیر را همراه با یک جمله بنویسید.

۱. آبرومند =
۲. اخمو =
۳. قالیچه =
۴. زیبایی =
۵. لرزان =

دور کلمه‌ی صحیح خط بکشید.

۱. آسیا تاریخ و فرهنگی شکوهمند / دانشمند دارد.
۲. بچه‌ی سیلو / غرغرو حوصله‌ی همه را سر برده است.
۳. مادر با سینی ارتشی / نقره‌ای برای مهمان‌ها چای آورد.
۴. کودکان نباید فیلم‌های ترسناک / فریب‌ناک تماشا کنند.
۵. چادر یکی از پوشش‌های / آموزش‌های زنان ایرانی است.
۶. آقای امیری دانشگاهی / دبستانی است. او در دانشگاه درس می‌دهد.
۷. تربچه / قالیچه‌های ایرانی بسیار زیبا و ظریف هستند.
۸. رانندگی / گویندگی در خیابان‌های تهران کار سختی است.
۹. مسلمانان برای ستایش / گزش خدا نماز می‌خوانند.

تمرین ۵

جاهای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

کارمند، کوشش، پرورش، هنرمندی، نویسندگی، هنرمندانه‌ی، رسا، استعداد، دفترچه، کوشا

نویسنده است که از ابتدای تولد با استعداد نویسندگی به دنیا نیامده است. برای ورود به دنیای تنها داشتن خلاقیت و کافی نیست، تمرین و نیز اهمیت زیادی دارد. به علاوه، نویسنده‌ی همیشه خوب می‌بیند و خوب می‌شنود و با قوه‌ی تخیل خود صاحب نثری و اثرگذار می‌شود. اگر علاقه‌مندید نویسنده شوید، از همین حالا و قلمی تهیه کنید و مرتب بنویسید. نویسنده با اداره یک تفاوت اساسی دارد، کارمند فقط در ساعت اداری کار می‌کند اما اثر نویسنده در ساعت خاصی پدید نمی‌آید.

کلمه‌های مرکب (۱)

کلمه‌های مرکب از ترکیب دو کلمه‌ی معنادار ساخته می‌شود. ترکیب مهمترین فرآیند ساخت واژه در زبان فارسی است. الگوهای ترکیب در زبان فارسی بسیار متنوع هستند. در این جا با مهمترین الگوهای ترکیب آشنا می‌شوید.

۱. اسم + اسم: کتابخانه، گل‌خانه، کارخانه، سربازخانه، دستمزد، کارنامه، گردنبند

● سربازخانه: محل اقامت سربازها. سربازها به طور شبانه‌روزی در سربازخانه زندگی می‌کنند.

● دستمزد: حقوق. کارگرها از دستمزد خود راضی نیستند.

● گردن‌بند: زینتی که به گردن می‌آویزند. مهین در مهمانی دیشب گردن‌بند زیبایش را گم کرد.

● کارنامه: گزارش کتبی از کارهای کسی به خصوص دانش‌آموزان. کارنامه‌ی برادرم پر از نمره‌های

بیست است.

۲. صفت + اسم: بلندقد، سفیدپوست، بدبخت، خوش‌بخت، پرحوصله، کم‌آزار، خوش‌اخلاق

زیبارو، تنگ‌دست، نوجوان، بداخلاق

● نوجوان: کسی که از کودکی درآمده ولی هنوز جوان نیست. نوجوان شانزده ساله سه زبان خارجی

می‌دانست.

● پرحوصله: کسی که حوصله‌ی زیاد دارد. همسایه‌ی پرحوصله‌ی ما شش فرزند دارد.

● خوش‌اخلاق: کسی که اخلاق خوبی دارد. همه‌ی ما دوست خوش‌اخلاق علی را دوست داریم.

● تنگ‌دست: فقیر. مرد تنگ‌دست نمی‌دانست چه کار کند.

● خوش‌بخت: برخوردار از زندگی دلخواه. من از آشنایی با شما خوش‌بخت هستم.

۳. اسم + صفت: قdblند، گردن‌دراز، لنگ‌دراز، گردن‌کلفت، زبان‌دراز، پابره‌نه

- پابره‌نه: کسی که کفش و جوراب به پا ندارد. بچه‌ی پابره‌نه روی شن‌ها راه می‌رفت.
- زبان‌دراز: کسی که بی‌موقع و زیاد حرف می‌زند. دختر زبان‌دراز جواب همه را می‌داد.
- قدبلند: کسی که قدش بلند است. جوان قدبلند میوه را از روی شاخه چید.
- گردن‌کلفت: قوی و نیرومند. مرد گردن‌کلفت زورش به همه رسید.

۴. اسم + ماده‌ی مضارع فعل: دانشجو، دانش‌آموز، آشپز، نامه‌رسان، دروغگو، هواپیما، زبان‌آموز

دستمال، زیرپوش، کتاب‌فروش، کف‌گیر، دماسنج، مغازه‌دار

- نامه‌رسان: پستیچی. نامه‌رسان امروز صبح نامه‌ای برایمان آورد.
- زبان‌آموز: کسی که زبانی را می‌آموزد. این کتاب مخصوص زبان‌آموزان خارجی است.
- دانشجو: کسی که در دانشگاه درس می‌خواند. دانشجویان در سالن سخنرانی جمع شده‌اند.
- دروغگو: کسی که دروغ می‌گوید. حرف‌های آدم دروغگو را هیچ‌کس باور نمی‌کند.
- مغازه‌دار: کسی که مغازه دارد. مرد مغازه‌دار در مغازه‌اش را بست.

۵. صفت + ماده‌ی مضارع فعل: پرخور، خوش‌نویس، نوآموز، زودگذر

- نوآموز: کسی که یادگیری را تازه شروع کرده است. این کتاب مخصوص نوآموزان زبان فارسی نیست.
- خوش‌نویس: کسی که خط خوبی دارد. جوان خوش‌نویس در مسابقه‌ی خط نفر اول شد.
- پرخور: کسی که زیاد می‌خورد. شکم این بچه‌ی پرخور درد می‌کند.
- زودگذر: آنچه اثرش زود و سریع از بین می‌رود. لذت تعطیلات تابستانی خیلی زودگذر بود.

۶. ضمیر مشترک خود + بن مضارع فعل: خودخواه، خودپسند، خودرو، خودآموز

- خودآموز: وسیله‌ای آموزشی که به معلم نیاز ندارد. این کتاب خودآموز و آه‌آموزی در زبان فارسی است.
- خودخواه: مغرور و متکبر. دختر خودخواه به هیچ‌کس سلام نکرد.
- خودپسند: از خود راضی. جوان خودپسند حرف دوستش را گوش نکرد.
- خودرو: اتومبیل. پلیس جلوی ورود خودروهای غیر استاندارد را به داخل شهر می‌گیرد.

تمرین ۱

کلمه‌های مرکب زیر را در جدول پایین مرتب کنید.

دروغگو، کتاب فروش، گل فروش، خودپسند، کتابخانه، آشپز، دماسنج، کارخانه
گردن کلفت، کف گیر، کم آزار، دانشجو، گردن دراز، سربازخانه، دستمال، بلندقد

اسم مکان	اسم شی	شغل	صفت

تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مرکب مناسب پر کنید.

دستمال‌های، لنگ‌دراز، خودآموز، خوشبختی، خودروها

۱. پروانه زن است. او از زندگی اش راضی است.
۲. خانم کراد زبان فارسی را با استفاده از یک یاد گرفت.
۳. همه‌ی روی میز کثیف شده‌اند.
۴. حتماً داستان بابا اثر جین وبستر را خوانده‌اید.
۵. تعداد در خیابان‌های شهر روز به روز بیشتر می‌شود.

تمرین ۳

به کمک فرهنگ لغت، کلمه‌های مرکبی پیدا کنید که بخش اول آن‌ها کلمه‌های زبان، پر، خوش و کم باشد. حداقل برای هر کدام از آن‌ها چهار کلمه بیابید.

زبان پر خوش کم
 زبان پر خوش کم
 زبان پر خوش کم
 زبان پر خوش کم

دور کلمه‌ی صحیح خط بکشید.

۱. مورچه جانور کم‌آزاری / بدبختی است.
۲. آدم خودخواه / خودرو فقط به خودش فکر می‌کند.
۳. سیامک از نوآموز / پرخوری زیاد دلش درد گرفت.
۴. دیروز خانم نادری گردن‌بند / گردن‌دراز گران‌قیمتی خرید.
۵. پزشک با کف‌گیر / دماسنج دمای بدن بیمار را اندازه‌گیری می‌کند.
۶. مرد نامه‌رسان / زیرپوش بسته‌ای را به مادرم داد.
۷. بچه‌ها زبان‌دراز / پابره‌نه روی شن‌ها راه می‌رفتند.
۸. برادرم سرباز است. او شب‌ها در سربازخانه / کتابخانه می‌ماند.
۹. دوستم خوش‌نویس / خوش‌اخلاق است. او خط خوب و زیبایی دارد.

تمرین ۵

جاهای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

خورد و خوراک، دانشجو، خودروها، تنگ‌دست، کارخانه‌ی، دست‌مزد

هفته‌ی گذشته کارگران پارچه‌بافی در خیابان اصلی شهر جمع شدند. آن‌ها از میزان خود راضی نبودند. یکی از کارگران می‌گفت: «حقوق من فقط برای تهیه‌ی خانواده کافی است، من دو فرزند دارم و برای پرداخت شهریه‌ی آن‌ها، اجاره‌ی مسکن، هزینه‌های پزشکی و پس‌انداز با مشکلات زیادی روبرو هستم.»
به نظر او، کارگران در مقابل کار زیادی که انجام می‌دهند، همچنان هستند و حقوق قابل توجه و مناسبی دریافت نمی‌کنند. گفتنی است که به علت جمع شدن کارگران در خیابان، حرکت با مشکل مواجه شده بود.

کلمه‌های مرکب (۲)

گفتیم که کلمه‌ی مرکب از ترکیب دو کلمه‌ی معنادار ساخته می‌شود. الگوهای ترکیب در زبان فارسی بسیار متنوع است. در این جا با بعضی دیگر از الگوهای ترکیب در فارسی آشنا می‌شویم.

۷. اسم + صفت مفعولی: شاهزاده، گرمزده، سرمزده، جهان‌دیده، کارکشته

- گرمزده: کسی که بر اثر گرما آب بدنش کم شده است. پیرمرد گرمزده را در بیمارستان بستری کردند.
- شاهزاده: فرزند پادشاه. شاهزاده در قصر بسیار زیبایی زندگی می‌کرد.
- جهان‌دیده: باتجربه. آقای نادری مردی جهان‌دیده است.
- کارکشته: ماهر. محمد قاضی از مترجمان کارکشته‌ی ایرانی است.

۸. عدد + اسم: سه‌گوشه، هزارپا، سه‌تار، چهارپا، دودل، چهارراه

- سه‌گوشه: شکلی با سه گوشه (زاویه). مثلث شکلی یک‌بعدی و سه گوشه است.
- چهارپا: دارای چهار دست و پا. گاو و گوسفند جزء چهارپایان هستند.
- دودل: مردد، کسی که درباره‌ی تصمیم خود شک دارد. نسرین دودل بود. او نمی‌دانست به مسافرت برود یا در خانه پیش مادرش بماند.
- هزارپا: نام حیوانی که بین ۲۰ تا ۱۰۰ پا دارد. آیا هزارپا واقعاً هزار پا دارد؟
- دوپهلو: مبهم. خانم اکبری معمولاً حرف‌های دوپهلو می‌زند.
- سه‌تار: نوعی وسیله‌ی موسیقی. من در مدّت کوتاهی نواختن سه‌تار را یاد گرفتم.
- چهارراه: جایی که دو خیابان همدیگر را قطع می‌کنند. پلیس سر چهارراه ایستاده است.

۹. اسم + حرف اضافه + همان اسم: قدم به قدم، دقیقه به دقیقه، روز به روز، رنگ به رنگ،

سرتاسر، در به در

- قدم به قدم: از یک مرحله تا مرحله‌ی بعد. بهتر است فارسی را قدم به قدم بیاموزیم.

● روز به روز: از یک روز تا روز بعد. آقای اکبری روز به روز ضعیف‌تر می‌شود.

● سر تا سر: همه جا. مهدی سر تا سر اتاق را اندازه گرفت.

● در به در: آواره. پس از جنگ مردم زیادی در به در می‌شوند.

● دقیقه به دقیقه: از یک لحظه تا لحظه‌ی دیگر. مرد بیمار دقیقه به دقیقه حالش بدتر می‌شد.

● رنگ به رنگ: از یک رنگ به رنگ دیگر درآمدن. فاطمه از خجالت رنگ به رنگ شد.

۱۰. اسم + حرف اضافه + یک اسم دیگر: دست به سینه، سر به راه، پابرجا، گوش به زنگ

● دست به سینه: دست‌ها را چسبیده به سینه روی هم گذاشتن. بچه‌ی مؤدب دست به سینه روی مبل نشسته است.

● سر به راه: سالم و بدون خطا. علی جوان سر به راهی است، او فقط فکر کار و زندگی است.

● گوش به زنگ: منتظر. همه گوش به زنگ بودند تا مهمان‌ها از راه برسند.

۱۱. تکرار یک اسم یا یک صفت یا یک قید: دوان دوان، راه راه، خط خط، خال خال، پاره پاره،

سوراخ سوراخ، دوان دوان، یواش یواش

● سوراخ سوراخ: دارای چند سوراخ. لباس مسعود سوراخ سوراخ شده است.

● راه راه: دارای خط‌های موازی. دیروز پروین پیراهن راه راه نارنجی‌اش را پوشید.

● یواش یواش: آهسته. یواش یواش خودم را به در خانه رساندم.

۱۲. دو اسم یا دو صفت با واو عطف: آه و ناله، پیچ و خم، مرگ و میر، کار و کاسبی، آب و هوا،

حال و حوصله، خورد و خوراک، زمین و زمان

● آه و ناله: صدای ناشی از درد. صدای آه و ناله‌ی مرد مجروح را می‌شنیدم.

● کار و کاسبی: کار و درآمد. فروشنده از کار و کاسبی‌اش راضی نبود.

● خورد و خوراک: تغذیه و خوردن. بعد از بیماری، خورد و خوراک او خیلی کم شده است.

● زمین و زمان: همه، روزگار. پروین از زمین و زمان ناراضی است.

تمرین ۱

کلمه‌های مرکب زیر را در جدول پایین مرتب کنید.

روز به روز، هزارپا، دودل، سر تا سر، سوراخ سوراخ، چهارپا، رنگ به رنگ، راه راه، پاره پاره

تکرار یک اسم یا یک صفت	اسم + حرف اضافه + اسم	عدد + اسم

تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مرکب مناسب پر کنید.

رنگ به رنگ، پابرجا، خال خال، حال و حوصله‌ی، دست به سینه

۱. امیر هیچ کاری را نداشت، بنابراین به اتاقش رفت و خوابید.

۲. خانم جعفری پارچه‌ی صورتی رنگ خرید.

۳. نیروهای ارتش و شجاعانه از کشور خود دفاع کردند.

۴. بچه‌ی مؤدب روی مبل نشسته است.

۵. پروانه از خجالت شد.

تمرین ۳

به کمک فرهنگ لغت، کلمه‌های مرکبی پیدا کنید که بخش اول آن‌ها کلمه‌های سه، چهار و هزار باشد. حداقل برای هر کدام سه کلمه‌ی مرکب بیابید.

سه چهار هزار
 سه چهار هزار
 سه چهار هزار
 سه چهار هزار

دور کلمه‌های صحیح خط بکشید.

۱. جاده‌های شمالی ایران پر از پیچ و خم / آه و ناله است.
۲. پسربچه از ترس سگ‌ها یواش یواش / دوان‌دوان به طرف خانه آمد.
۳. آب و هوای / زمین و زمان مناطقی که بارندگی زیاد دارند، معتدل و مرطوب است.
۴. خواهرم پیراهن پاره پاره / خال‌خال آبی رنگ پوشیده است.
۵. سه‌تار / چهارراه یکی از آلات موسیقی ایرانی است.
۶. جوان گرمازده / جهان‌دیده را زود به بیمارستان رساندند.
۷. از زمانی که اطلاعات بهداشتی مردم بیشتر شده است، مرگ و میر / آه و ناله هم کاهش پیدا کرده است.
۸. هزارپا / چهارپا یکی از انواع جانوران است.

جاهای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

حال و حوصله، دودل، مغازه‌دار، روز به روز، چهارراه، کار و کاسبی‌اش

آقای امینی است. او در حافظ مغازه دارد. از هفته‌ی پیش، او صبح دیر به مغازه می‌رود و عصر زود برمی‌گردد. دوستانش فکر می‌کنند بد شده است، به همین خاطر هم ندارد. آقای امینی لاغرتر می‌شود. به نظر دوستانش، آقای امینی مریض شده است. آن‌ها هستند او را پیش دکتر ببرند یا نه. سرانجام، پس از یکی دو هفته آن‌ها می‌فهمند آقای امینی بیمار نبوده است. او در حال تعمیر خانه‌اش بوده است.

پیشوند در ابتدای کلمه قرار می‌گیرد. شما به کمک پیشوند می‌توانید معنای یک کلمه‌ی جدید را تشخیص دهید. مهم‌ترین پیشوندهای فارسی عبارتند از:

پیشوند	معنی	مثال
با (+ اسم)	داشتن چیزی	باهوش، باسلیقه، باشخصیت، باتجربه بادب، باوفا
فرا (+ بن مضارع یا اسم یا صفت)	عمومی شدن یا بالاتر بودن چیزی	فراگیر، فراصوت، فراتجربی، فرابنفش
هم (+ اسم)	همکاری و اشتراک	همسر، همسایه، همکار، همکلاسی، هم‌فکر
بی (+ اسم)	نداشتن	بی‌ادب، بیکار، بی‌سلیقه، بیچاره، بی‌نیاز
نا (+ اسم یا صفت یا بن مضارع)	بدون	ناامید، ناهموار، ناپینا، ناشناس، ناخوانا
ن- (+ صفت مفعولی یا بن فعل)	بدون	نسنجیده، نشسته، ندانسته، نترس، نچسب

پیشوند با:

- باهوش: معمولاً آدم‌های باهوش برای حل یک مسئله به راه‌های مختلف فکر می‌کنند.
- باسلیقه: زن‌های باسلیقه از کوچک‌ترین امکان برای بهتر شدن زندگی استفاده می‌کنند.
- باشخصیت: همکار باشخصیت من همیشه آرام است، هیچ وقت عصبانی نمی‌شود و به همه احترام می‌گذارد.

● باتجربه: جریان زندگی انسان را باتجربه می‌کند.

● بادب: بچه‌های بادب به حرف بزرگ‌تر گوش می‌کنند.

پیشوند فرا:

● فراصوت: در پزشکی از دستگاه‌های فراصوت استفاده‌های گوناگونی می‌شود.

● فراتجربی: تله‌پاتی یکی از علوم فراتجربی است.

● فرابنفش: اشعه‌ی فرابنفش بالاتر از اشعه‌ی بنفش قرار دارد.

● فراگیر: امروزه استفاده از شبکه‌ی اینترنت در سراسر دنیا فراگیر شده است.

پیشوند هم:

- همکار: من بدون کمک همکارم کارهای اداره را انجام دادم.
- همسایه: با همکاری چند نفر از همسایه‌ها در کوچه‌مان باغچه‌ی زیبایی درست کردیم.
- هم‌فکر: من برای حل مشکلاتم به یک هم‌فکر احتیاج دارم.
- همسر: اسم همسر علی زهره است.
- هم‌کلاسی: آخر هفته با چند تا از هم‌کلاسی‌ها به کوه می‌رویم.

پیشوند بی:

- بی‌ادب: بچه‌ی بی‌ادب سر پدر و مادرش فریاد کشید.
- بیکار: جوان بیکار در پارک نشسته بود.
- بی‌سلیقه: آدم‌های بی‌سلیقه معمولاً زندگی نامنظم و شلوغی دارند.
- بیچاره: مرد بیچاره در بیمارستان جان سپرد.
- بی‌نیاز: خواهرم همیشه فکر می‌کند بی‌نیاز از کمک دیگران است.

پیشوند ن:

- ناامید: علی به علت از دست دادن شغلش از زندگی ناامید شده است.
- ناهموار: رانندگی در راه‌های ناهموار سخت و دشوار است.
- نابینا: مرد نابینا نمی‌توانست به تنهایی از خیابان رد شود.
- ناشناس: دوستان خواهرم را نمی‌شناسم، آن‌ها برایم ناشناس هستند.
- ناخوانا: من نمی‌توانم خط ناخوانای برادرم را بخوانم.
- نسنجیده: دیروز دوستم نسنجیده حرفی زد و همه را ناراحت کرد.
- نشسته: سبزی خوردن و میوه‌ی نشسته باعث بیماری می‌شود.
- ندانسته: من ندانسته مرتکب اشتباه بزرگی شدم.
- نترس: عجب پسر نترسی! روی شاخه‌ی درخت ایستاده است.
- نچسب: ظرف‌های نچسب برای آشپزی راحت‌تر هستند.

تمرین ۱

پاسخ پرسش‌های زیر را با استفاده از کلمه‌های مناسب کامل کنید.

- آیا علی کار دارد؟
- نه، او است.
- آیا غذا در این ظرف‌ها می‌چسبد؟
- نه، این ظرف است.

- آیا نرگس دختر باسلیقه‌ای است؟
- نه، او دختری است.
- آیا آن مرد می‌تواند ببیند؟
- نه، او است.

- آیا میوه‌ها شسته هستند؟
- نه، آن‌ها هستند.
- آیا خط شما خوانا است؟
- نه، خط من است.

تمرین ۲

جای خالی جمله‌های زیر را با پیشوند مناسب کامل کنید.

با، فرا، نه، بی، نا، هم

- سایه‌ی تازه‌ای به ساختمان ما آمده است.
- سربازان شجاع و ترس به دشمن حمله کردند.
- بچه‌ی ادب به دیگران احترام نمی‌گذارد.
- معمولاً آدم‌های امید زندگی را تلخ و سیاه می‌بینند.
- علاقه به تحصیلات دانشگاهی در میان جوانان گیر شده است.
- سگ حیوانی وفا است.

تمرین ۳

به کمک فرهنگ لغت، معنی کلمه‌های زیر را بنویسید.

- | | |
|---------------------------------------|-----------------|
| همکار = کسی است که با او کار می‌کنیم. | همسایه = |
| باتجربه = | باشخصیت = |
| فراگیر = | همکلاسی = |

تمرین ۴

جای خالی جمله‌های زیر را با کلمه‌ی مناسب کامل کنید.

همسایه، بی‌نیاز، نسنجیده، هم‌فکر، نچسب، فراصوت، باهوش، ناشناس، بیچاره

۱. پزشکان به کمک دستگاه‌های از سلامت کودک در شکم مادر آگاه می‌شوند.
۲. روزهای اول تمام همکاران اداره برایم بودند.
۳. گاهی اوقات یک سخن می‌تواند مشکلات بزرگی به وجود بیاورد.
۴. انسان در لحظات مختلفی از زندگی به یک احتیاج دارد.
۵. هیچ انسانی نیست که از انسان‌های دیگر باشد.
۶. آدم‌های مسائل را بهتر حل می‌کنند.
۷. بچه‌ی خیلی سر و صدا می‌کند. از دست او خواب نداریم.
۸. مادر غذای خوشمزه‌ای در ظرف درست کرد.
۹. مرد گوشه‌ی خیابان خوابیده است.

تمرین ۵

جای خالی متن زیر را با کلمه‌ی مناسب پر کنید.

باشخصیت، نسنجیده، همکار، همکلاس، باتجربه، بیکار، ناخوانا، ندانسته، بادب، همسایه‌ی، بی‌سلیقه

آقای امینی و آقای کریمی در یک اداره هستند. آقای امینی انسانی مسئول و خوش‌رفتار و است. او مردی متین و است و چیزی نمی‌گوید. اما آقای کریمی مردی نامنظم و است. زیاد و سخن می‌گوید. معمولاً با خطی روی میزش این یادداشت را می‌گذارد: تا چند دقیقه‌ی دیگر برمی‌گردم. اما او در راهروهای اداره می‌گردد. آقای امینی و کریمی در گذشته در یک مدرسه بوده‌اند و حالا هم در یک محله یکدیگرند.

فعل های پیشوندی

فعل های پیشوندی از یک پیشوند و یک فعل ساده تشکیل شده اند و معنای جدیدی دارند. مهمترین فعل های پیشوندی زبان فارسی عبارتند از:

فعل پیشوندی	معنی	مثال
بر + فعل	رو، بالا	برخاستن، برگزیدن، برداشتن، برآوردن
ور + فعل	رو، بالا	ورآمدن، وررفتن
در + فعل	داخل، درون	درماندن، دریافتن، درگذشتن، درآوردن
باز + فعل	دوباره، تکرار	بازگشتن، بازیافتن، بازفرستادن، بازایستادن
وا + فعل	دوباره، تکرار	وارفتن، واماندن، واداشتن
فرو + فعل	داخل، درون	فرورفتن، فروریختن، فروکردن، فروبردن
فرا + فعل	پیش، طرف	فراخواندن، فرارسیدن، فراگرفتن

بر + فعل:

- برخاستن: مهمان ها به احترام پدربزرگ از جا برخاستند (= بلند شدند).
- برگزیدن: مردم نمایندگان خود را در روز رأی گیری برمی گزینند (= انتخاب می کنند).
- برداشتن: علی کتاب را از روی میز برداشت (= بلند کرد).
- برآوردن: آن ها نمی توانند نیازهای شما را برآورند (= انجام بدهند).

ور + فعل:

- ورآمدن: پس از آن که خمیر (= پف کرد)، مادر شیرینی درست کرد.
- وررفتن: سعید دائماً با اسباب و وسایل خانه ورمی رود (= آن ها را دست کاری می کند).

در + فعل:

- درماندن: دوستم در میان انبوهی از مشکلات درمانده است (= گرفتاده است).
- درآوردن: کتان را درآورید (= بیرون بیاورید) و این جا آویزان کنید.

● دریافتن: تازه دیروز بود که رنج و اندوه او را دریافتم (= فهمیدم).

● درگذشتن: پدر دوستم هفته‌ی گذشته درگذشت (= مرد).

باز + فعل:

● بازگشتن: خواهرم پس از سال‌ها دوری از وطن به کشورش بازگشت (= دوباره آمد).

● بازیافتن: پس از مدت‌ها دوست دوران جوانی‌ام را بازیافتم (= دوباره پیدا کردم).

● بازفرستادن: پستی نامهای را اشتباه آورده بود، آن را به اداره‌ی پست بازفرستادم (= دوباره برگرداندم).

● بازایستادن: کارگرهای کارخانه از ادامه‌ی کار باز ایستادند (= توقف کردند).

وا + فعل:

● وارفتن: وقتی که به خانه رسیدم از خستگی وارفتم (= شل شدم و افتادم).

● واماندن: مرد بیمار از شدت خستگی و ضعف وامانده بود (= توانایی نداشت).

● واداشتن: رئیس کارگرایش را به کار اضافه وامی داشت (= مجبور می‌کرد).

فرو + فعل:

● فرو ریختن: اغلب ساختمان‌های شهر بر اثر زمین‌لرزه فرو ریخت (= ویران شد).

● فرو کردن: حسین میخ را در دیوار فرو کرد (= داخل کرد).

● فرو بردن: من سرم را در آب فرو بردم (= داخل کردم).

● فرو رفتن: زن ساعت‌ها بود که در فکر و خیال فرورفته بود (= غرق شده بود).

فرا + فعل:

● فرا رسیدن: بهار با تمام زیبایی‌هایش به زودی فرا می‌رسد (= آغاز می‌شود).

● فرا گرفتن: بر اثر سیل آب همه جا را فرا گرفت (= اشغال کرد).

● فرا خواندن: رئیس دانشکده دانشجویان را فرا خواند (= صدا کرد) تا با آنها درباره‌ی قوانین جدید سخن بگوید.

تمرین ۱

جای خالی جمله‌های زیر را با پیشوند مناسب کامل کنید.

فرا، فرو، وا، باز، در، ور، بر

۱. پرنده‌ها با شروع فصل گرما از کوچ گشتند.
۲. از روی میز چند تا میوه دارید.
۳. شهرام با ناراحتی سرش را در میان دست‌هایش برد.
۴. پیرمرد بیمار در بیمارستان گذشت.
۵. با رسیدن فصل بهار، دوباره همه جا پر از گل و سبزه می‌شود.
۶. خواهرم من را به کاری داشت که اصلاً دوست نداشتم.
۷. نانوا پس از آمدن خمیر مشغول پختن نان شد.

تمرین ۲

دور فعل صحیح خط بکشید.

۱. مادرم پس از یک هفته از سفر برگشت / برخاست.
۲. کامران هر روز عصر با ماشینش ورمی رود / ورمی آید.
۳. اطراف زمین را هوا فرا رسیده است / فرا گرفته است.
۴. دانشجویان نماینده‌ی خود را برای گفتگو با رئیس دانشکده بر آوردند / برگزیدند.
۵. مجید از رفتار زشت دوستش واماند / وارفت.
۶. سد بزرگ شهر بر اثر سیل فروریخت / فرورفت.
۷. آموزگار شاگرد را به پای تخته فراگرفت / فراخواند.

تمرین ۳

با مراجعه به یک فرهنگ فارسی، معنی فعل‌های زیر را بنویسید.

- | | |
|---------------------|---------------------|
| ۱. فروریختن = | ۴. ورا آمدن = |
| ۲. برخاستن = | ۵. بازگشتن = |
| ۳. واداشتن = | ۶. درگذشتن = |

با مراجعه به یک فرهنگ فارسی، برای هر یک از فعل‌های زیر دست کم یک معنای متفاوت پیدا کنید.

۱. دریافتن =

۲. فراگرفتن =

۳. واماندن =

۴. وارفتن =

جاهای خالی متن زیر را با فعل‌های مناسب پر کنید.

فراگرفته بود، برداشتند، درآمد، دریافتند، فروبنشانند، بازگشتند، برخاستند، برمی‌خاست، برگشتند

فروریخت، فراخواند

زنگ خطر به صدا کارخانه‌ی بزرگی آتش گرفته بود. آتش‌نشان‌ها به سرعت
و به طرف ماشین‌هایشان دویدند. وقتی به محل حادثه رسیدند که با آتش‌سوزی بزرگی
روبه‌رو هستند. دود زیادی به هوا شعله‌های آتش همه جای ساختمان را
فرمانده نیروهای کمکی یک ایستگاه آتش‌نشانی دیگر را دو نفر از مأمورها تبر و کپسول
اطفای حریق و به داخل ساختمان رفتند.
در این هنگام، سقف کارخانه اما خوشبختانه، چند دقیقه بعد مأمورها با چهار نفر از
کارگرها بقیه‌ی آتش‌نشان‌ها تلاش می‌کردند شعله‌های آتش را
سرانجام، پس از گذشت ساعتی، عملیات خاتمه یافت و آتش‌نشان‌ها به ایستگاه خود

ضمیمہ

اعداد

واژہ نامہ

پاسخ نامہ

اعداد

۱. اعداد یک رقمی و دو رقمی

یک	۱	شش	۶
دو	۲	هفت	۷
سه	۳	هشت	۸
چهار	۴	نه	۹
پنج	۵	صفر	۰

ده	۱۰	نوزده	۱۹	پنجاه	۵۰	هشتاد	۸۰
یازده	۱۱	بیست	۲۰	پنجاه و یک	۵۱	هشتاد و یک	۸۱
دوازده	۱۲	بیست و یک	۲۱	پنجاه و دو	۵۲	هشتاد و دو	۸۲
سیزده	۱۳	سی	۳۰	شصت	۶۰	نود	۹۰
چهارده	۱۴	سی و یک	۳۱	شصت و یک	۶۱	نود و یک	۹۱
پانزده	۱۵	سی و دو	۳۲	شصت و دو	۶۲	نود و دو	۹۲
شانزده	۱۶	چهل	۴۰	هفتاد	۷۰		
هفده	۱۷	چهل و یک	۴۱	هفتاد و یک	۷۱		
هجده	۱۸	چهل و دو	۴۲	هفتاد و دو	۷۲		

۲. اعداد سه رقمی

صد	۱۰۰	چهارصد	۴۰۰	هفتصد	۷۰۰	صد و بیست و هشت	۱۲۸
دویست	۲۰۰	پانصد	۵۰۰	هشتصد	۸۰۰	نه صد و چهار	۹۰۴
سیصد	۳۰۰	ششصد	۶۰۰	نه صد	۹۰۰		

۳. اعداد چهار رقمی و بزرگ‌تر

هزار	۱۰۰۰	چهار هزار	۴۰۰۰	هفت هزار	۷۰۰۰
دو هزار	۲۰۰۰	پنج هزار	۵۰۰۰	هشت هزار	۸۰۰۰
سه هزار	۳۰۰۰	شش هزار	۶۰۰۰	نه هزار	۹۰۰۰

میلیون	۱۰۰۰/۰۰۰	دو میلیون	۲۰۰۰/۰۰۰	یک میلیارد	۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
--------	----------	-----------	----------	------------	--------------

واژه‌نامه

			درس اول
saqf	سقف	maskan	مسکن
širvāni	شیروانی	āpārtēmān	آپارتمان
boxāri	بخاری	vilā	ویلا
ābgarmkon	آبگرمکن	kolbe	کلبه
kuler	کولر	borj	برج
panke	پنکه	dudkeš	دودکش
bālkon	بالکن	dar	در
bādbezan	بادبزن	panjare	پنجره
šomāli	شمالی	ānten	آنتن
jonubi	جنوبی	šiše	شیشه
āftābgir	آفتابگیر	sotun	ستون
jādār	جادار	divār	دیوار
yekxābe	یک خوابه	āsānsor	آسانسور
doxābe	دو خوابه	pellekān	پلکان
ājor	آجر	pārking	پارکینگ
	درس دوم	anbāri	انباری
kābinet	کابینت	šufāž	شوفاژ
ojāq-e gāz	اجاق گاز	šufāžxāne	شوفاژخانه
fer	فر	šomine	شومینه
jāzarfi	جاظرفی	hayāt	حیات
zarfšuy-i	ظرف شویی	bāqče	باغچه
šir-e āb	شیر آب	howz	حوض
māye'-e zarfšuy-i	مایع ظرف شویی	favvāre	فواره
yaxčāl firizer	یخچال فریزر	vilā-yi	ویلائی

qandān	قندان	ābmive giri	آب میوه گیری
supxori	سوپ خوری	čarx-e gušt	چرخ گوشت
satl-e āšqāl	سطل آشغال	maxlutkon	مخلوط کن
māsin-e lebāsšuy-i	ماشین لباس شویی	polopaz	پلوپز
	درس سوم	zudpaz	زودپز
qāb-e aks	قاب عکس	quri	قوری
sā'at	ساعت	ketri	کتری
kelid	کلید	māhitābe	ماهی تابه
mobl-e rāhati	مبل راحتی	qāblame	قابلمه
televizyun	تلویزیون	kārd	کارد
rādyozabt	رادیو ضبط	rande	رنده
video	ویدئو	kafgir	کفگیر
parde	پرده	malāqe	ملاقه
periz	پریز	gušt kub	گوشت کوب
muket	موکت	ābkeš	آبکش
miz	میز	qāšoq	قاشق
otāq-e pazirā-yi	اتاق پذیرایی	čangāl	چنگال
farš	فرش	čāqu	چاقو
tāblo	تابلو	bošqāb	بشقاب
miz-e nāhār xori	میز ناهار خوری	kāse	کاسه
rumizi	رومیزی	livān	لیوان
goldān	گلدان	pārč	پارچ
bufe	بوفه	namakdān	نمکدان
vitrin	ویترین	estekān	استکان
miz-e asali	میز عسلی	fenjān va nalbeki	فنجان و نعلبکی
luster	لوستر	dis	دیس

rutaxti	روتختی	duš	دوش
malāfe	ملافه	hammām	حمام
patu	پتو	howle	حوله
bāleš	بالش	jālebāsi	جالباسی
tošak	تشک	sābun	صابون
dastšuy-i	دستشویی	lif	لیف
vān	وان	šāmpu	شامپو
	درس چهارم	tiq	تیغ
xānevāde	خانواده	rištaraš	ریش تراش
zan	زن	xamir-e riš	خمیرریش
šowhar	شوهر	xamir-e dandān	خمیردندان
farzand	فرزند	mesvāk	مسواک
doxtar	دختر	nax-e dandān	نخ دندان
pesar	پسر	howle-ye kāqazi	حوله‌ی کاغذی
mādar	مادر	dastšuy-i-ye sonnati	دستشویی سنتی
pedar	پدر	dastšuy-i-ye farangi	دستشویی فرنگی
xāhar	خواهر	otāq-e xāb	اتاق خواب
barādar	برادر	pātaxti	پاتختی
pedarbozorg	پدربزرگ	čerāq-e xāb	چراغ خواب
mādarbozorg	مادربزرگ	derāver	دراور
nave	نوه	kešo	کشو
arus	عروس	āyne	آینه
pedaršowhar	پدرشوهر	šāne	شانه
mādaršowhar	مادرشوهر	bores	برس
xišāvandān	خویشاوندان	sešuwār	سشوار
dāmād	داماد	komode-e divāri	کمد دیواری

mesvāk kardan	مسواک کردن	amme	عمّه
pušidan	پوشیدن	xāharšowhar	خواهرشوهر
āmāde kardan	آماده کردن	bāradarzāde	برادرزاده
xordan	خوردن	xāle	خاله
šostan	شستن	xāharzan	خواهرزن
eslāh kardan	اصلاح کردن	xāharzāde	خواهرزاده
rowšan kardan	روشن کردن	dāyi	دایی
guš kardan	گوش کردن	barādarzan	برادرزن
sar-e kār raftan	سرکار رفتن	amu	عمو
sohbat kardan	صحبت کردن	šowhar amme	شوهر عمّه
salām aleyk kardan	سلام علیک کردن	barādaršowhar	برادرشوهر
savār-e otobus šodan	سوار اتوبوس شدن	šowhar xāle	شوهر خاله
az otobus piyāde šodan	از اتوبوس پیاده شدن	doxtar amu	دختر عمو
xodāhāfezi kardan	خدا حافظی کردن	pesar amu	پسر عمو
xarid kardan	خرید کردن	doxtar dāyi	دختر دایی
xārej šodan	خارج شدن	pesar dāyi	پسر دایی
gadam zadan	قدم زدن	doxtar xāle	دختر خاله
esterāhat kardan	استراحت کردن	pesar xāle	پسر خاله
be rādyo guš kardan	به رادیو گوش کردن	doxtar amme	دختر عمّه
televizyun tamāša kardan	تلویزیون تماشا کردن	pesar amme	پسر عمّه
gaza dorost kardan	غذا درست کردن	pedarzan	پدرزن
telefon kardan	تلفن کردن	madārzan	مادرزن
ruznāme xāndan	روزنامه خواندن		درس پنجم
zarf šostan	ظرف شستن	bidāršodan	بیدار شدن
jāru kardan	جارو کردن	morattab kardan	مرتب کردن
da'vat kardan	دعوت کردن	varzeš kardan	ورزش کردن

qavi	قوی	otu kardan	اتو کردن
xošhāl	خوشحال	rang kardan	رنگ کردن
nārāhat	ناراحت	ta'mir kardan	تعمیر کردن
Lāqar	لاغر	oftādan	افتادن
sālem	سالم	duxtan	دوختن
čāq	چاق		درس ششم
qadkutāh	قد کوتاه	be ham rixte	به هم ریخته
tamiz	تمیز	xošk kardan	خشک کردن
kasif	کثیف	kār nakardan	کار نکردن
xandān	خندان	terekidan	ترکیدن
geryān	گریان	šekastan	شکستن
kohne	کهنه	boridan	بریدن
now	نو	suxtan	سوختن
tārik	تاریک	az xāb paridan	از خواب پریدن
rowšan	روشن	tasādof kardan	تصادف کردن
arzān	ارزان	gir kardan	گیر کردن
gerān	گران	sor xordan	سر خوردن
javān	جوان	pančar šodan	پنچر شدن
pir	پیر	xarāb šodan	خراب شدن
šolug	شلوغ	lāy-e dar māndan	لای در ماندن
sabz	سبز	qat' budan	قطع بودن
zard	زرد	xāmus šodan	خاموش شدن
qermez	قرمز		درس هفتم
xāmuš	خاموش	xākqestari	خاکستری
siyāh	سیاه	qahve' i	قهوه ای
sefid	سفید	qād boland	قد بلند

	نارنجی	nārenji	درس هشتم
šahr	بنفش	banafš	شهر
xiyābān	آبی	ābi	خیابان
kuče	کرم	kerem	کوچه
bonbast	سورمه‌ای	sorme'i	بن بست
savārero	درشت	dorošt	سواره‌رو
piyādero	ریز	riz	پیاده‌رو
xat-e āber-e piyāde	تلخ	talx	خط عابر پیاده
polis	شیرین	širin	پلیس
telefon-e omumi	بزرگ	bozorg	تلفن عمومی
sanduq-e post	کوچک	kučak	صندوق پست
bulvār	بیمار	bimār	بلوار
meydān	خواب	xāb	میدان
maqāze	بیدار	bidār	مغازه
forušgāh	پر	por	فروشگاه
pomp-e benzin	خالی	xāli	پمپ بنزین
bozorgrāh	گرسنه	gorosne	بزرگراه
pol-e havā-yi	سیر	sir	پل هوایی
bā enzebāt	قوی	qavi	با انضباط
moqarrarāti	خشک	xošk	مقرراتی
čahār rāh	ضعیف	za'if	چهارراه
čerāq-e rāhnāma-yi	خیس	xis	چراغ راهنمایی
terāfik	بلند	boland	ترافیک
afsar	کوتاه	kutāh	افسر
polis-e rāhnāma-yi va rānandegi	باریک	bārik	پلیس راهنمایی و رانندگی
raft-o-āmad	پهن	pahn	رفت و آمد

sinamā	سینما	istgāh-e otobus	ایستگاه اتوبوس
te'atr	تئاتر	sebqat gereftan mamnu'	سبقت گرفتن ممنوع
šahr-e bāzi	شهربازی	xiyābān-e yektarafe	خیابان یک طرفه
pārk	پارک	pārk kardan mamnu'	پارک کردن ممنوع
ātašnešani	آتش نشانی	istgāh-e tāksi	ایستگاه تاکسی
helikopter-e emdād	هلیکوپتر امداد	buqzadan mamnu'	بوق زدن ممنوع
uržāns-e pezeški	ارژانس پزشکی	obur mamnu'	عبور ممنوع
sāzmān	سازمان	istgāh-e metro	ایستگاه مترو
dabestān	دبستان	mahall-e obur-e dočarxe savār	محل عبور دوچرخه سوار
dabirestān	دبیرستان	serāhi	سه راهی
dānešgāh	دانشگاه	nabš	نبش
varzešgāh	ورزشگاه		درس نهم
muze	موزه	dāruخانه	داروخانه
ketābxāne	کتابخانه	miveforuši	میوه فروشی
šahrdāri	شهرداری	ketābforuši	کتاب فروشی
dādgāh	دادگاه	asbābbāziforuši	اسباب بازی فروشی
kalāntari	کلانتری	golforuši	گل فروشی
	درس دهم	šišebori	شیشه بری
kārmand	کارمند	xoškšuy-i	خشک شویی
kāregar	کارگر	ārāyesgāh	آرایشگاه
pezešk	پزشک	nānvā-yi	نانوایی
mohandes	مهندس	Forušgāh-e lavāzem-e elektiriki	فروشگاه لوازم الکتریکی
monši	منشی	xarrāzi	خرازی
xalabān	خلبان	bānk	بانک
vakil	وکیل	edāre	اداره
parastār	پرستار	mo'assese	مؤسسه

amuzegār	قطار	آموزگار
ostād	هواپیما	استاد
bāqbān	تاکسی	باغبان
kešāvarz	دوچرخه	کشاورز
forušande	مترو	فروشنده
zargar	قایق	زرگر
miveforuš	کشتی	میوه فروش
sabziforuš	هلیکوپتر	سبزی فروش
ketābforuš	کامیون	کتاب فروش
golforuš	وانت	گل فروش
ruznāmeforuš	موتورسیکلت	روزنامه فروش
xosusi	رفت و برگشت	خصوصی
kār kardan	وسایل نقلیه	کار کردن
este'fā kardan	واگن	استعفا کردن
mahārat	پرواز کردن	مهارت
taxassos	کوپه	تخصص
mašqul be kār šodan	جابه جا کردن	مشغول به کار شدن
tamām vaqt	راه آهن	تمام وقت
hoquq	رانندگی کردن	حقوق
ezāfekār	پمپ بنزین	اضافه کار
mazāyā	بنزین زدن	مزایا
pādaš	سبقت گرفتن	پاداش
	پارک کردن	درس یازدهم
otomobil	ویراژ دادن	اتومبیل
otobus	غیرمجاز	اتوبوس
minibus	درس دوازدهم	مینی بوس

surat hesāb	صورت حساب	Riyāl	ریال
	درس سیزدهم	tumān	تومان
futbāl	فوتبال	eskenās	اسکناس
vālibāl	والیبال	sekke	سکه
basketbāl	بسکتبال	daftarče-ye bānki	دفترچه‌ی بانکی
badminton	بدمینتون	emzā	امضا
tenis	تنیس	mojudi-ye hesāb	موجودی حساب
tenis-e ru-ye miz	تنیس روی میز	sāheb-e hesāb	صاحب حساب
golf	گلف	šomāre-ye hesāb	شماره‌ی حساب
čowgān	چوگان	hesāb-e pasandāz	حساب پس انداز
handbāl	هندبال	bāz kardan	باز کردن
vāterpolo	واترپلو	mablaq	مبلغ
šenā	شنا	be hesāb-e xod rixtan	به حساب خود ریختن
košti	کشتی	az hesāb bardāštan	از حساب برداشتن
vaznebardāri	وزنه برداری	āber bānk	عابربانک
badansāzi	بدن سازی	ajnās	اجناس
kārāte	کاراته	moštari	مشتری
do	دو	barčasb-e kālā	برچسب کالا
pareš	پریش	forušande	فروشنده
tirandāzi	تیراندازی	sanduqdār	صندوق دار
moštzani	مشت زنی	taxfif	تخفیف
eski	اسکی	zarar nakardan	ضرر نکردن
asbsavāri	اسب سواری	sud	سود
qāyeqrāni	قایق رانی	hesāb kardan	حساب کردن
dočarxesavāri	دو چرخه سواری	pardāxtan	پرداختن
kuhnavardi	کوهنوردی	xarid kardan	خرید کردن

	شمشیربازی	šamširbāzi	درس چهاردهم
mu	ورزشکار	varzeškār	مو
pišāni	حرفه‌ای	herfe' i	پیشانی
guš	مسابقه	mosābeqe	گوش
češm	داور	dāvar	چشم
abru	ورزشگاه	varzešgāh	ابرو
dahān	تماشاچی	tamāšāči	دهان
lab	بازیکن	bāzikon	لب
može	حریف	harif	مژه
pelk	شکست دادن	šekast dādan	پلک
lop	برنده	barande	لپ
bini	بازنده	bāzande	بینی
dandān	دروازه بان	darvāzebān	دندان
gardan	دروازه	dārvaze	گردن
ketf	فوتبالیست	futbālist	کتف
sine	شناگر	šenāgar	سینه
bālātane	تنیس باز	tenisbāz	بالاتنه
dast	اسکی باز	eskibāz	دست
pā'intane	کوهنورد	kuhnavard	پایین تنه
bāzu	کشتی گیر	koštigir	بازو
ārenj	وزنه بردار	vaznebardār	آرنج
sā'd	دونده	davande	ساعد
moč	دوچرخه سوار	dočarxesavār	مچ
kaf-e dast	اسب سوار	asbsavār	کف دست
angoštān	شمشیر باز	šamširbāz	انگشتان
nāxon	تیرانداز	tirandāz	ناخن

pahn	پهن	Pahlu	پهلو
kufte' i	کوفته‌ای	kamar	کمر
gerd	گرد	šekam	شکم
qalami	قلمی	bāsan	باسن
kešide	کشیده	pā	پا
pax	پخ	rān	ران
fer	فر	zānu	زانو
zardpust	زرد پوست	sāq	ساق
moja' ad	مجعد	moč	میچ
sefidpust	سفید پوست	kaf-e pā	کف پا
sāf	صاف	pāšne	پاشنه
siyāhpust	سیاه پوست	xošheykal	خوش هیکل
qeytāni	قیطانی	xošandām	خوش اندام
sorxpust	سرخ پوست	čāq	چاق
peyvaste	پیوسته	biqavāre	بی قواره
kamāni	کمانی	qadboland	قد بلند
bādāmi	بادامی	bārik	باریک
	درس شانزدهم	lāqar	لاغر
rusari	روسری	ostoxāni	استخوانی
dāman	دامن	čāhāršāne	چهارشانه
pirāhan	پیراهن	qadkutāh	قد کوتاه
kot	کت	topol	تپیل
jurāb	جوراب	šekamgonde	شکم‌گنده
jib	جیب	guštālu	گوشتالو
dokme	دکمه	tanumand	تنومند
zip	زیپ		درس پانزدهم

xāme	خامه	jādokme	جادکمه
qallāt	غلّات	mānto	مانتو
berenj	برنج	maqna'e	مقنعه
gandom	گندم	čādor	چادر
jow	جو	šalvār	شلوار
zorrat	ذرت	jeliqe	جلیقه
hobubāt	حبوبات	kerevāt	کروات
lubya	لوبیا	kolāh	کلاه
adas	عدس	kafš	کفش
noxod	نخود	jin	جین
lappe	لیپه	tišert	تی شرت
morq	مرغ	katāni	کتانی
māhi	ماهی	boluz	بلوز
meygu	میگو	čakme	چکمه
sangak	سنگک	pālto	پالتو
barbari	بربری	kāpšan	کاپشن
tāftun	تافتون	bārāni	بارانی
lavāš	لواش	overkot	اورکت
bāget	باگت	putin	پوتین
tabx	طبخ	žākat	ژاکت
sorx kardan	سرخ کردن	šālgardan	شال گردن
āb paz kardan	آب پز کردن	dastkeš	دستکش
boxār paz kardan	بخار پز کردن		درس هفدهم
kabāb kardan	کباب کردن	labaniyyāt	لبنیات
zā'eqe	ذائقه	kare	کره
čarb	چرب	panir	پنیر

češmpezešk	چشم پزشکی	rowqan	روغن
sarmā xordan	سرما خوردن	hazm šodan	هضم شدن
atse	عطسه	poxte	پخته
sorfe kardan	سرفه کردن	xošmāze	خوشمزه
dard kardan	درد کردن	ābpaz	آب پز
ābrizeš	آبریزش	laziz	لذیذ
ānfolānzā gereftan	آنفلوآنزا گرفتن	boxār paz	بخار پز
tab	تب	sobhāne	صبحانه
badan dard	بدن درد	nāhār	ناهار
hassāsiyyat	حساسیت	asrāne	عصرانه
mānde	مانده	šām	شام
tahavvo'	تهوع	morabbā	مربا
eshāl	اسهال	asal	عسل
masmum šodan	مسموم شدن	xord kardan	خرد کردن
sardard	سردرد	poxtan	پختن
dandān pezeški	دندان پزشکی		درس هجدهم
zaxmi	زخمی	bimār	بیمار
xun āmadan	خون آمدن	pezešk	پزشک
mo'āyene kardan	معاینه کردن	dāru	دارو
bāndpiči kardan	باندپیچی کردن	parastār	پرستار
nosxe	نسخه	dāru xāne	داروخانه
tajviz kardan	تجویز کردن	darmāngāh	درمانگاه
āmpul	آمپول	bimārestān	بیمارستان
tazriq kardan	تزریق کردن	āmbulāns	آمبولانس
qors	قرص	daraje	درجه
pomād	پماد	dandānpezešk	دندان پزشکی

boz	بز	kapsul	کپسول
šir	شیر	mālidan	مالیدن
čarm	چرم	qatre	قطره
pašm	پشم	čekāndan	چکاندن
korre	کره	šarbat	شربت
gusāle	گوساله		درس نوزدهم
barre	بره	olāq	الاغ
juje	جوجه	som	سم
bozqāle	بزغاله	morq	مرغ
vahši	وحشی	šāx	شاخ
gorg	گرگ	xorus	خروس
rubāh	روباه	yāl	یال
kaftār	کفتار	ordak	اردک
gorāz	گراز	tāj	تاج
gurexar	گورخر	qāz	غاز
meymun	میمون	dom	دم
babr	ببر	buqalamun	بو قلمون
zarrafe	زرافه	puze	پوزه
šir	شیر	gusfand	گوسفند
xers	خرس	bi'āzār	بی آزار
palang	پلنگ	gāv	گاو
halazun	حلزون	mofid	مفید
kerm-e xāki	کرم خاکی	xuk	خوک
ankabut	عنکبوت	asb	اسب
muš	موش	xarguš	خرگوش
kalāq	کلاغ	ahli	اهلی

mowz	موز	gorbe	گربه
xiyār	خیار	gonješk	گنجشک
rivās	ریواس	kabutar	کبوتر
kangar	کنگر		درس بیستم
bāmye	بامیه	tut	توت
havi j	هویج	tut-farangi	توت فرنگی
šalqam	شلغم	goje sabz	گوجه سبز
lubyāsabz	لویاسبز	golābi	گلابی
sibzamini	سیب زمینی	angur	انگور
gol-e kalam	گل کلم	holu	هلو
sir	سیر	gilās	گیلاس
noxodfarangi	نخود فرنگی	anjir	انجیر
čoqondar	چغندر	tālebi	طالبی
bādemjān	بادمجان	hendevāne	هندوانه
kadu	کدو	xarboze	خربزه
felfel-e dolme-yi	لفل دلماه	xormālo	خرمالو
qārč	قارچ	kivi	کیوی
kaduhalvā-yi	کدو حلوائی	xormā	خرما
tarefarangi	تره فرنگی	anār	انار
felfelsabz	لفل سبز	balut	بلوط
gojefarangi	گوجه فرنگی	porteqāl	پرتغال
piyāz	پیاز	nārengi	نارنگی
kalampič	کلم پیچ	giripforut	گریپ فورت
ja'fari	جعفری	limu	لیمو
šanbelile	شنبلیله	azgil	ازگیل
gešniz	گشنیز	sib	سیب

yās	یاس	tare	تره
parvareš dādan	پرورش دادن	ševīd	شوید
golforuš	گل فروش	sabzi-ye xordan	سبزی خوردن
čīdan	چیدن	reyhān	ریحان
dastegol	دسته گل	šāhi	شاهی
pažmorde šodan	پژمرده شدن	torobče	تربچه
riše	ریشه	piyāzče	پیازچه
šāxe	شاخه	tarxun	ترخون
tane	تنه	marze	مرزه
šokufe	شکوفه	na'nā'	نعناع
naxl	نخل		درس بیست و یکم
bid	بید	roz	رز
nārvan	نارون	barg	برگ
čēnār	چنار	lāle	لاله
kāj	کاج	qonče	غنچه
sarv	سرو	sonbol	سنبل
deraxtkāri	درخت کاری	sāqe	ساقه
nahāl	نهال	zanbaq	زنبق
	درس بیست و دوم	morvārid	مروارید
qolle	قله	mixak	میخک
kuh	کوه	banafše	بنفشه
saxre	صخره	minā	مینا
tappe	تپه	dāvudi	داوودی
dāmane	دامنه	narges	نرگس
sang	سنگ	šam'dāni	شمعدانی
xāk	خاک	bāq-e gol	باغ گل

juybār	جویبار	kuhpāye	کوهپایه
daryā	دریا	darre	درّه
bātlāq	باتلاق	māse	ماسه
mordāb	مرداب	kuhestān	کوهستان
tange	تنگه	reštekuh	رشته کوه
ābšār	آبشار	biyabān	بیابان
sāhel	ساحل	dašt	دشت
jazr	جزر	jangal	جنگل
mad	مد	biše	بیشه
mowj	موج	jazire	جزیره
bārān	باران	deraxtče	درختچه
barf	برف	bute	بوته
tagarg	تگرگ	šebbejazire	شبه جزیره
meh	مه	tufan	توفان
yax	یخ	gerdbād	گردباد
barq	برق	seyl	سیل
kulāk	کولاک	bahman	بهمن
nasim	نسیم	ātašfešān	آتشفشان
vazidan	وزیدن	zaminlarze	زمین لرزه
pušāndan	پوشاندن	xošksāli	خشکسالی
namnam	نم نم		درس بیست و سوم
barq zadan	برق زدن	cešme	چشمه
ragbār	رگبار	rud	رود
ranginkamān	رنگین کمان	daryāče	دریاچه
ra'd	رعد	xalij	خلیج
	درس بیست و چهارم	oqyānus	اقیانوس

tir	تیر	sā'at	ساعت
mordād	مرداد	daqiqe	دقیقه
šahrivar	شهریور	sāniye	ثانیه
mehr	مهر	rob'	ربع
ābān	آبان	nim	نیم
āzar	آذر	šabāneruz	شبانه روز
dey	دی	tolu'	طلوع
bahman	بهمن	qorub	غروب
esfand	اسفند	ruz	روز
dahe	دهه	sab	شب
sade	سده	hafte	هفته
hezāre	هزاره	šanbe	شنبه
emruz	امروز	yekšanbe	یکشنبه
diruz	دیروز	došanbe	دوشنبه
pariruz	پریروز	sešanbe	سه شنبه
fardā	فردا	čāhāršanbe	چهارشنبه
pasfardā	پس فردا	panjšanbe	پنجشنبه
emšab	امشب	jom'e	جمعه
dišab	دیشب	fasl	فصل
parišab	پیشب	bahār	بهار
fardāšab	فرداشب	tābestān	تابستان
pasfardāšab	پس فرداشب	pā'iz	پاییز
emsāl	امسال	zemestān	زمستان
parsāl	پارسال	farvardin	فروردین
pirārsāl	پیرارسال	ordibehešt	اردیبهشت
	درس بیست و پنجم	xordād	خرداد

raftār	رفتار	pasvand	پسوند
pāye	پایه	parastār	پرستار
xānā	خوانا	āzmāyešgāh	آزمایشگاه
servatmand	ثروتمند	dehkade	دهکده
parhizgār	پرهیزگار	ātaškade	آتشکده
omidvār	امیدوار	keštzār	کشتزار
tarsnāk	ترسناک	naxlestān	نخلستان
axmu	اخمو	ebādatgāh	عبادتگاه
xandān	خندان	āmuzegār	آموزگار
doxtarāne	دخترانه	savārkār	سوارکار
asabāni	عصبانی	gozārešgar	گزارشگر
noqre 'i	نقره‌ای	šalizār	شالیزار
	درس بیست و هفتم	istgāh	ایستگاه
morakkab	مرکب	dāneškade	دانشکده
sarbāzxāne	سربازخانه		درس بیست و هشتم
Kārnām	کارنامه	gardeš	گردش
xošbaxt	خوش‌بخت	xarābi	خرابی
zabānderāz	زبان‌دراز	āsāyeš	آسایش
maqāzedār	مغازه‌دار	rizeš	ریزش
zudgozar	زودگذر	boxāri	بخاری
dastmozd	دستمزد	ketābforuši	کتاب‌فروشی
gardanband	گردن‌بند	goftār	گفتار
nowjāvan	نوجوان	didār	دیدار
porhowsele	پرحوصله	bāqče	باغچه
xošaxlāq	خوش‌اخلاق	javāne	جوانه
tangdast	تنگ‌دست	daftarče	دفترچه

qadam be qadam	قدم به قدم	gardankoloft	گردن کلفت
ruz be ruz	روز به روز	pāberehne	پابرهنه
sar tā sar	سر تا سر	nāmeresān	نامه رسان
dar be dar	در به در	zabānāmus	زبان آموز
dast be sine	دست به سینه	dānešju	دانشجو
sar be rāh	سر به راه	doruqgu	دروغگو
guš be zang	گوش به زنگ	nowāmuz	نوآموز
surāx surāx	سوراخ سوراخ	xošnevis	خوش نویس
rāh rāh	راه راه	porxor	پرخور
yavāš yavāš	یواش یواش	xodāmuz	خودآموز
āh-o nāle	آه و ناله	xodxāh	خودخواه
kār-o kāsebi	کار و کاسبی	xodpasand	خودپسند
xord-o xorāk	خورد و خوراک	xodro	خودرو
zamin-o zamān	زمین و زمان		درس بیست و هشتم
	درس بیست و نهم	garmāzade	گرمزده
pišvand	پیشوند	šāhzāde	شاهزاده
bāhuš	باهوش	jahān dide	جهان دیده
bāsaliqe	باسلیقه	čāhārpā	چهارپا
bāsaxšiyat	باشخصیت	kārkošte	کارکشته
bātajrobe	باتجربه	setār	سه تار
bāadab	باادب	daqiqe be daqiqe	دقیقه به دقیقه
farāgir	فراگیر	rang be rang	رنگ به رنگ
farāsowt	فراصوت	dodel	دودل
farātajrobi	فرا تجربی	seguše	سه گوشه
farābanafs	فرا بنفش	hezārpā	هزارپا
hamsar	همسر	dopahlu	دوپهلو

darmandan	درماندن	hamkār	همکار
daryāftan	دریافتن	hamsāye	همسایه
dargozaştan	درگذشتن	hamkelāsi	همکلاسی
darāvardan	درآوردن	hamfekr	همفکر
bāzgaştan	بازگشتن	biadab	بی ادب
bāzyāftan	بازیافتن	bikār	بیکار
bāzferestādan	بازفرستادن	bisaliqe	بی سلیقه
bāzistādan	بازایستادن	bičāre	بیچاره
vāraftan	وارفتن	biniyāz	بی نیاز
vāmāndan	واماندن	nāomid	ناامید
vādāştan	واداشتن	nāhamvār	ناهموار
foru rixtan	فرو ریختن	nābinā	نابینا
foru kardan	فرو کردن	nāšenās	ناشناس
foru bordan	فرو بردن	nāxānā	ناخوانا
farā residan	فرار سیدن	nasanjide	نسنجیده
farā gereftan	فرا گرفتن	našoste	نشسته
farā xāndan	فراخواندن	nadāneste	ندانسته

natars

نترس

načasb

نچسب

درس سی ام

barxāstan

برخاستن

bardāştan

برداشتن

barāvardan

برآوردن

bargozidan

برگزیدن

varāmadan

ورآمدن

varraftan

وررفتن

پاسخ نامه

درس اول

تمرین ۱

۱. ب ۲. پ ۳. الف ۴. ج ۵. ت ۶. ث

تمرین ۲

۱. ت ۲. ث ۳. ب ۴. ج ۵. چ ۶. پ ۷. الف

تمرین ۳

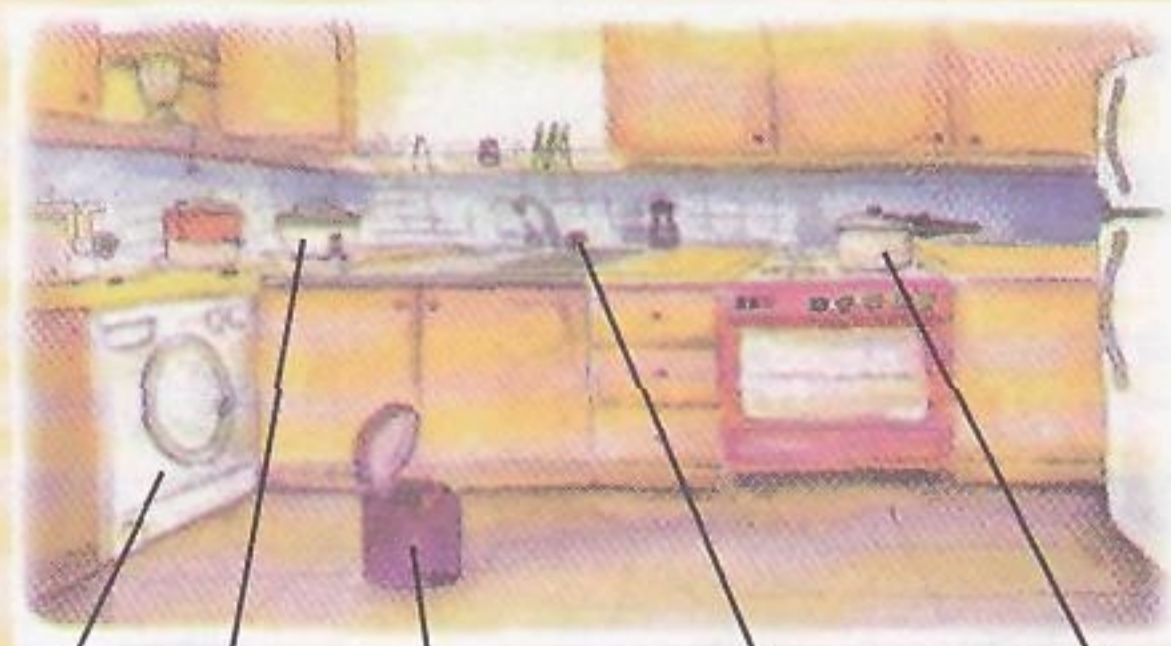
۱. پ ۲. ت ۳. الف ۴. ب

تمرین ۴

حیات باغچه حوض پنجره بالکن پارکینگ

درس دوم

تمرین ۱



زودپز شیرآب سطل آشغال پلوپز ماشین لباس شویی

تمرین ۲

۱. درست ۲. نادرست ۳. نادرست ۴. درست ۵. درست ۶. درست ۷. نادرست ۸. درست

تمرین ۳

۱. چ ۲. ث ۳. الف ۴. ب ۵. ت ۶. ج ۷. پ

تمرین ۴

۱. چ ۲. ج ۳. ت ۴. ب ۵. پ ۶. ث ۷. الف

درس سوم

تمرین ۱

آشپزخانه: سطل آشغال، یخچال، فنجان، اجاق گاز، دیس، آبکش
 اتاق پذیرایی و هال: میزناهارخوری، تابلو، گلدان، ویتترین، تلویزیون، رومیزی
 دستشویی و حمام: حوله‌ی کاغذی، لیف، خمیرریش، تیغ، مسواک، صابون
 اتاق خواب: چراغ خواب، کم‌دیواری، دراور، روتختی، تشک، آینه

تمرین ۲

۱. ج ۲. ث ۳. ب ۴. ت ۵. پ ۶. الف

تمرین ۳

۱. کشو ۲. خمیردندان ۳. بوفه و ویتترین ۴. مبل ۵. شامپو ۶. گلدان ۷. ریش تراش ۸. صابون

تمرین ۴

ع	س	پ	ر	ر	ی	ز
ص	ا	ب	و	ن	پ	
ک	ع	ح	ا	م	ر	
ل	ت	و	ن	و	د	
ی	د	ل	ر	ک	ه	
د	ص	ه	ی	ت	پ	

درس چهارم

تمرین ۱

برادر	دخترعمو
پسرعمو	دخترعمو
پدرشوهر	مادرشوهر
پدربزرگ	مادربزرگ
دخترخاله	پسرخاله
پسر	دختر

مادرزن	پدرزن
دختردایی	پسر دایی
پدر	مادر
خواهرزاده	برادرزاده
پسر دایی	دختر دایی
خواهرزن	برادرزن

تمرین ۲

۱. شهناز و علیرضا و زهرا ۲. حسین و شهناز ۳. خواهرزاده ۴. دایی ۵. پسرعمه ۶. عمه ۷. شوهرعمه
 ۸. خاله و دایی ۹. دخترعمه ۱۰. دخترخاله ۱۱. برادرزن

تمرین ۳

۱. دایی، عمو ۲. خاله، عمه ۳. پدر و مادر ۴. خواهرزاده، برادرزاده

تمرین ۴

عمو، عمه، پسرعمو، دخترعمو، برادرشوهر، خواهرشوهر

درس پنجم

تمرین ۱

۱. ث ۲. چ ۳. الف ۴. ج ۵. ت ۶. پ ۷. ب

تمرین ۲

اختیاری است.

تمرین ۳

۱. تماشا می کنند ۲. مرتب می کند ۳. تعمیر می کند ۴. رنگ می کند ۵. تلفن می کند ۶. به رادیو گوش می کند

تمرین ۴

۱. می خرد ۲. سوار تاکسی می شود ۳. روشن می کند ۴. تلفن می کند ۵. می پوشد ۶. استراحت می کند

درس ششم

تمرین ۱

۱. پ ۲. ت ۳. ث ۴. ب ۵. الف

تمرین ۲

۱. افتاده است ۲. پنچر شد ۳. بریده است ۴. خراب شد ۵. گیر کرده است

تمرین ۳

۱. ج ۲. پ ۳. ث ۴. ب ۵. الف ۶. ت

تمرین ۴

اختیاری است.

درس هفتم

تمرین ۱

۱. ب ۲. پ ۳. ت ۴. الف

تمرین ۲

۱. چاق ۲. پیر ۳. خالی ۴. تیز ۵. کثیف

تمرین ۳

۱. ث ۲. ت ۳. ب ۴. پ ۵. ج ۶. الف

تمرین ۴

۱. کهنه ۲. بلند ۳. خواب ۴. خیس ۵. ناراحت ۶. گرسنه ۷. خالی ۸. کثیف

درس هشتم

تمرین ۱

۱. ج ۲. ت ۳. ث ۴. ب ۵. الف ۶. چ ۷. پ

تمرین ۲

صندوق پست، خط عابر پیاده، پیاده‌رو، تلفن عمومی

تمرین ۳

۱. خیابان‌های ۲. کوچه‌ی ۳. میدان ۴. صندوق پست ۵. مقرراتی ۶. نشانی ۷. ترافیک

تمرین ۴

تا انتها، راست، چهارراه، مستقیم، راست، سمت، بن بست

درس نهم

تمرین ۱

۱. پ ۲. ج ۳. ت ۴. الف ۵. ب ۶. ث ۷. چ

تمرین ۲

۱. ب ۲. ث ۳. ت ۴. الف ۵. پ

تمرین ۳

۱. شهربازی ۲. دبیرستان، دانشگاه ۳. بانک ۴. سینما

تمرین ۴

۱. ت ۲. پ ۳. الف ۴. ب ۵. ث

درس دهم

تمرین ۱

۱. پ ۲. ج ۳. ب ۴. ث ۵. الف ۶. ت

تمرین ۲

۱. فروشنده ۲. فنّاد ۳. باغبان ۴. کتاب‌فروش ۵. خلبان ۶. پزشک ۷. منشی

تمرین ۳

۱. پ ۲. ت ۳. الف ۴. ب

تمرین ۴

۱. پزشک ۲. آموزگار ۳. میوهفروش ۴. عطار ۵. روزنامهفروش ۶. قناد ۷. خلبان

درس یازدهم

تمرین ۱

۱. کشتی ۲. اتوبوس ۳. کامیون ۴. اتومبیل ۵. مترو

تمرین ۲

۱. ت ۲. ث ۳. ب ۴. ج ۵. پ ۶. الف

تمرین ۳

۱. جاماندن ۲. پیاده شدم ۳. راندن ۴. سوار ماشین می شوید ۵. پرواز کند ۶. فرود می آید ۷. سبقت گرفت ۸. وانت

تمرین ۴

۱. پ ۲. ت ۳. ث ۴. الف ۵. ب

درس دوازدهم

تمرین ۱

سکه: ۵۰ ریالی، ۱۰۰ ریالی، ۲۵۰ ریالی، ۵۰۰ ریالی اسکناس: ۱۰۰۰ ریالی، ۲۰۰۰ ریالی، ۵۰۰۰ ریالی، ۲۰۰۰۰ ریالی

تمرین ۲

۱. ت ۲. ج ۳. چ ۴. الف ۵. ب ۶. پ ۷. ث

تمرین ۳

اختیاری است.

تمرین ۴

۱. می پردازد ۲. ریختم ۳. برنمی دارم ۴. باز می کنم ۵. حساب می کند ۶. خرید کنم ۷. ضرر نمی کند

درس سیزدهم

تمرین ۱

۱. ت ۲. ث ۳. خ ۴. ب ۵. ج ۶. الف ۷. ح ۸. پ ۹. چ

تمرین ۲

۱. ورزشکار ۲. دوندہا ۳. دروازہ ۴. حریف ۵. برندہ ۶. بدن سازی ۷. بازندہ

تمرین ۳

۱. ت ۲. پ ۳. الف ۴. ب

تمرین ۴

مسابقہ، تماشاچی ہا، ورزشگاہ، بازیکن ہا، داور، تیم، دروازہ بان ہا، فوتبال

درس چہار دہم

تمرین ۱

۱. ث ۲. ذ ۳. خ ۴. د ۵. چ ۶. ر ۷. الف ۸. ح ۹. ب ۱۰. ج ۱۱. ت ۱۲. پ

تمرین ۲

علی: باریک، لاغر، قد بلند، استخوانی احمد: چاق، تپل، قد کوتاہ، شکم گندہ

تمرین ۳

۱. پا ۲. دست ۳. دہان ۴. دندان

تمرین ۴

۱. ح ۲. چ ۳. ث ۴. ت ۵. پ ۶. ج ۷. الف ۸. ب

درس پانزدہم

تمرین ۱

۱. ت ۲. پ ۳. الف ۴. ب

تمرین ۲

۱. صاف ۲. پیخ ۳. مجعد ۴. بادامی

تمرین ۳

۱. پ ۲. الف ۳. ب

تمرین ۴

۱. ت ۲. پ ۳. ب ۴. الف

درس شانزدهم

تمرین ۱

۱. ا ت ۲. پ ۳. ب ۴. الف

تمرین ۲

۱. پ ۲. ت ۳. ب ۴. ث ۵. الف

تمرین ۳

۱. ث ۲. ب ۳. ت ۴. پ ۵. چ ۶. ح ۷. الف ۸. ج

تمرین ۴

۱. کلاه ۲. شال گردن ۳. جوراب ۴. کمر بند

درس هفدهم

تمرین ۱

۱. گوشت ۲. نخود ۳. گاو ۴. جوجه ۵. میگو

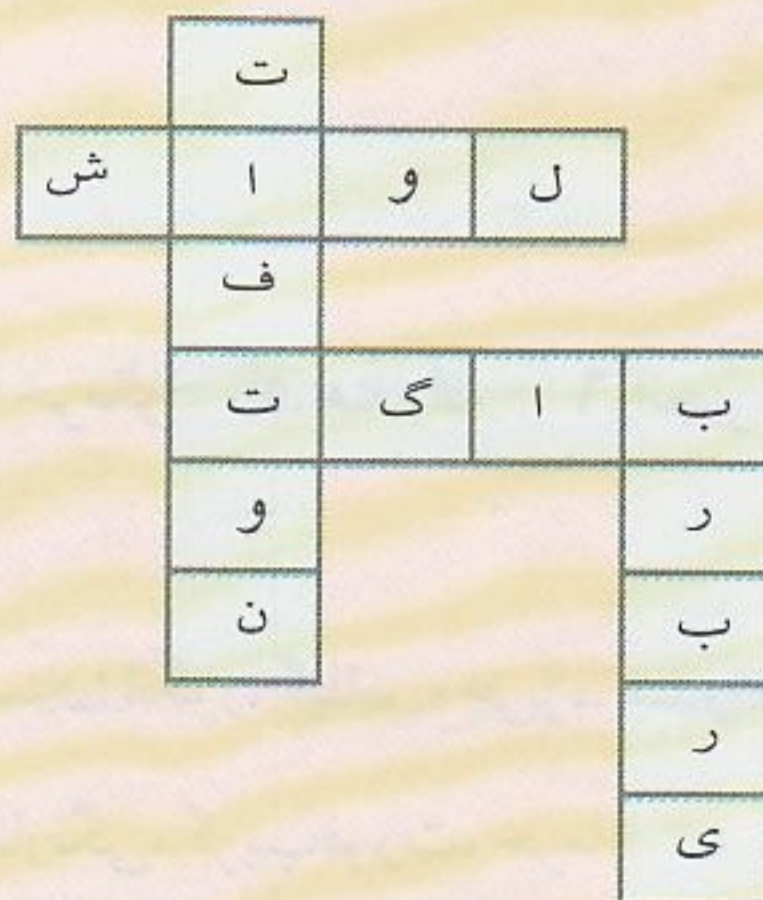
تمرین ۲

۱. ا ت ۲. پ ۳. الف ۴. ب

تمرین ۳

۱. نمک ۲. روغن ۳. پخته ۴. چاقی ۵. چرب

تمرین ۴



درس هجدهم

تمرین ۱

۱. پ ۲. ث ۳. ح ۴. ج ۵. چ ۶. د ۷. ب ۸. الف ۹. خ ۱۰. ت

تمرین ۲

۱. بانداپیچی می کند ۲. معاینه کرد ۳. تجویز کند ۴. تزریق می کند ۵. می مالد ۶. خون آمد

تمرین ۳

۱. ث ۲. ح ۳. چ ۴. ب ۵. الف ۶. ت ۷. ج ۸. پ

تمرین ۴

۱. حساسیت دارد ۲. آنفلوآنزا گرفته است ۳. مسموم شده است ۴. سرما خورده است

درس نوزدهم

تمرین ۱

حیوانات مزرعه: مرغ، گاو، اسب، بز، الاغ حیوانات وحشی: زرافه، گراز، پلنگ، کفتار، ببر پرندگان: کلاغ، گنجشک، کبوتر

تمرین ۲

۱. کلاغ ۲. اردک ۳. پلنگ ۴. حلزون ۵. اسب

تمرین ۳

گوشت خوار: کفتار، شیر، سگ، روباه گیاه خوار: گورخر، بز، خرگوش، گاو

تمرین ۴

مرغ: گوشت، پر، تخم مرغ گاو: گوشت، شیر، چرم گوسفند: گوشت، پشم، شیر غاز: گوشت، پر، تخم مرغ
گوساله: گوشت، چرم بوقلمون: گوشت، پر

درس بیستم

تمرین ۱

۱. پرتقال ۲. گلابی ۳. طالبی ۴. خرمالو ۵. هندوانه ۶. انجیر ۷. موز ۸. هلو

تمرین ۲

بهار: گوجه سبز، توت فرنگی، توت تابستان: انگور، گیلان، خربزه، هندوانه، طالبی پاییز: ازگیل، کیوی، انار،
خرمالو، بلوط زمستان: پرتقال، لیمو، نارنگی، گریپ فورت، خرما

تمرین ۳

میوه ها: طالبی، توت، لیمو، گوجه سبز، گلابی

سبزیجات: پیاز، چغندر، سیب زمینی، لوبیاسبز، نخود فرنگی

تمرین ۲

۱. کلم پیچ ۲. گلابی ۳. فلفل دلمه‌ای ۴. ازگیل ۵. لوبیاسبز

درس بیست و یکم

تمرین ۱

۱. ث ۲. پ ۳. ب ۴. ج ۵. الف ۶. ت

تمرین ۲

۱. چنار ۲. کاج ۳. میخک ۴. نارون ۵. شمعدانی ۶. بید ۷. مروارید

تمرین ۳

۱. ت ۲. پ ۳. الف ۴. ث ۵. ب

تمرین ۴

۱. پرورش می‌دهد ۲. درست می‌کند ۳. می‌کارد ۴. پژمرده شوند ۵. سبز می‌شود

درس بیست و دوم

تمرین ۱

۱. بیابان ۲. زمین لرزه ۳. دریا ۴. آتشفشان ۵. بوته ۶. صخره

تمرین ۲

۱. ج ۲. ت ۳. پ ۴. الف ۵. ب

تمرین ۳

۱. جزیره ۲. جنگل ۳. دشت ۴. آتشفشان ۵. بیابان ۶. گردباد

تمرین ۴

۱. آب و هوای ۲. دامنه و کوهپایه ۳. کوهستانی ۴. صخره ۵. درّه ۶. جزیره

درس بیست و سوم

تمرین ۱

۱. چ ۲. ج ۳. ت ۴. ب ۵. پ ۶. الف ۷. ث

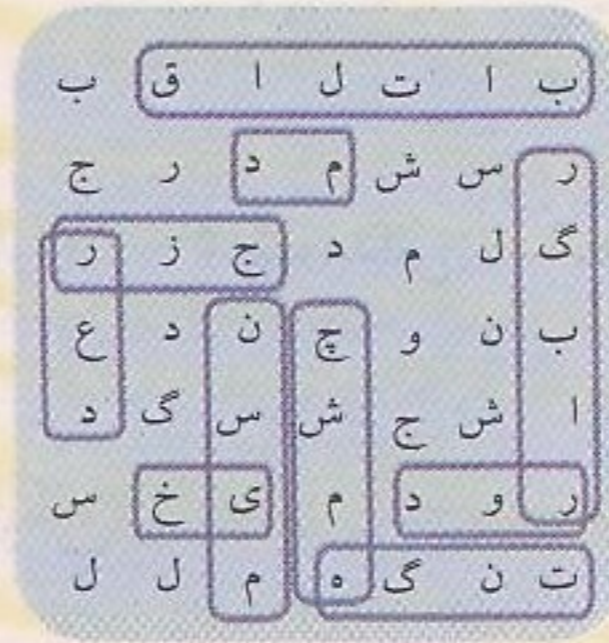
تمرین ۲

۱. درست ۲. نادرست ۳. نادرست ۴. درست ۵. درست ۶. درست

تمرین ۳

۱. چ ۲. ت ۳. ب ۴. ث ۵. ج ۶. الف ۷. پ

تمرین ۲



درس بیست و چهارم

تمرین ۱

۱. دوازده و نیم ۲. یک ربع به سه ۳. سه و ربع ۴. ده و چهارده دقیقه و بیست ثانیه

تمرین ۲

۱. پ ۲. ت ۳. الف ۴. ب

تمرین ۳

فردا، دیروز، پس فردا، پریروز

تمرین ۴

۱. شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه ۲. بهار، تابستان، پاییز، زمستان ۳. شنبه ۴. جمعه
۵. فروردین، اردیبهشت، خرداد ۶. دی، بهمن، اسفند ۷. مهر، آبان، آذر ۸. تیر، مرداد، شهریور

درس بیست و پنجم

تمرین ۱

۱. ث ۲. پ ۳. ج ۴. الف ۵. ت ۶. ب

تمرین ۲

۱. دانشکده‌ی ۲. خواستگار ۳. باغبان ۴. خواننده‌های ۵. پرستار ۶. چراگاه

تمرین ۳

۱. کسی که از دروازه مراقبت می کند ۲. محل کار آرایشگر ۳. کسی که چیزی می خرد ۴. کسی که جایی را رنگ می کند ۵. در انجام کاری موفق شده است

تمرین ۴

۱. ایستگاه ۲. دهکده ۳. گزارشگر ۴. ورزشکاران ۵. شالیزار ۶. حيله گری ۷. بلوچستان ۸. شکارچی

تمرین ۵

ورزشگاه، تماشاچی ها، برنده ی، بازنده، بازیکنان، دروازه بان ها، گزارشگر، شنونده ها، بیننده های

درس بیست و ششم

تمرین ۱

۱. ت ۲. ث ۳. الف ۴. ب ۵. پ ۶. ج

تمرین ۲

۱. عیالواری ۲. دانای ۳. سالمند ۴. چراغانی ۵. جوانه ۶. خطرناک ۷. دفترچه ی

تمرین ۳

۱. کسی که آبرو دارد ۲. کسی که اخم دارد ۳. قالی کوچک ۴. چیزی که زیباست ۵. در حال لرز

تمرین ۴

۱. شکوهمند ۲. غرغرو ۳. نقره ای ۴. ترسناک ۵. پوشش های ۶. دانشگاهی ۷. قالیچه های ۸. رانندگی ۹. ستایش

تمرین ۵

هنرمندی، نویسندگی، استعداد، کوشش، کوشا، پرورش، رسا، دفترچه، کارمند، هنرمندانه ی

درس بیست و هفتم

تمرین ۱

اسم مکان: کتابخانه، کارخانه، سربازخانه اسم شی: دماسنج، دستمال، کف گیر شغل: کتاب فروش، گل فروش،

آشپز، دانشجو صفت: دروغگو، بلندقد، خودپسند، گردن کلفت، کم آزار، گردن دراز

تمرین ۲

۱. خوشبختی ۲. خودآموز ۳. دستمال های ۴. لنگ دراز ۵. خودروها

تمرین ۳

زبان نفهم	پرخطر	خوش آواز	کم آب
زبان آموز	پر آب	خوش فکر	کم مو
زبان شناس	پر حرف	خوش خنده	کم حرف
زبان بسته	پر در دسر	خوش صدا	کم خطر

تمرین ۴

۱. کم آزاری ۲. خودخواه ۳. پر خوری ۴. گردن بند ۵. دماسنج ۶. نامه رسان ۷. پابرهنه ۸. سربازخانه ۹. خوش نویس

تمرین ۵

کارخانه‌ی، دست‌مزد، خورد و خوراک، دانشجو، تنگ‌دست، خودروها

درس بیست و هشتم

تمرین ۱

تکرار یک اسم یا یک صفت: سوراخ سوراخ، راه‌راه، پاره‌پاره
اسم + حرف اضافه + اسم: روز به روز، سرتاسر،
رنگ به رنگ عدد + اسم: هزارپا، دودل، چهارپا

تمرین ۲

۱. حال و حوصله ۲. خال خال ۳. پا بر جا ۴. دست به سینه ۵. رنگ به رنگ

تمرین ۳

سه جلدی	چهارپایه	هزاربرگ
سه شاخه	چهارضلعی	هزارتو
سه خوابه	چهارنفره	هزارلا
سه خوابه	چهارنفره	هزارلا

تمرین ۴

۱. پیچ و خم ۲. دوان دوان ۳. آب و هوای ۴. خال خال ۵. سه‌تار ۶. گرم‌زده ۷. مرگ و میر ۸. هزارپا

تمرین ۵

مغازه‌دار، چهارراه، کار و کاسبی‌اش، حال و حوصله، روز به روز، دودل

درس بیست و نهم

تمرین ۱

۱. بیکار ۲. نچسب ۳. بی سلیقه ۴. نابینا ۵. نشسته ۶. ناخوانا

تمرین ۲

۱. همسایه‌ی ۲. نترس ۳. بی ادب ۴. ناامید ۵. فراگیر ۶. باوفا

تمرین ۳

باتجربه: کسی که تجربه دارد فراگیر جامع
همسایه: کسی که در خانه‌ی نزدیک ما زندگی می‌کند
باشخصیت: کسی که شخصیت دارد
همکلاسی: کسی که در یک کلاس با او درس می‌خوانیم

تمرین ۴

۱. فراصوت ۲. ناشناس ۳. نسنجیده ۴. هم فکر ۵. بی نیاز ۶. باهوش ۷. همسایه ۸. نچسب ۹. بیچاره

تمرین ۵

همکار: باتجربه، باشخصیت، باادب، نسنجیده، بی سلیقه، ندانسته، ناخوانا، بیکار، همکلاس، همسایه

درس سی ام

تمرین ۱

۱. بازگشتند ۲. بردارید ۳. فروبرد ۴. درگذشت ۵. فرارسیدن ۶. واداشت ۷. وراآمدن

تمرین ۲

۱. برگشت ۲. ورمی رود ۳. فرا گرفته است ۴. برگزیدند ۵. وارفت ۶. فروریخت ۷. فراخواند

تمرین ۳

۱. فروریختن: ویران شدن ۲. برخاستن: بلند شدن ۳. واداشتن: مجبور کردن ۴. وراآمدن: پف کردن
۵. بازگشتن: دوباره آمدن ۶. درگذشتن: مردن

تمرین ۴

۱. گرفتن ۲. آموختن ۳. بازماندن ۴. جداشدن

تمرین ۵

وراآمد، برخاستند، دریافتند، برمی خاست، فرا گرفته است، فراخواند، برداشتند، فروریخت، برگشتند، فرو بنشانند، بازگشتند



IRAN LANGUAGE INSTITUTE



Teaching Persian to Speakers of Other Languages
Learning Persian Vocabulary

Elementary Volumes

Learning Persian Vocabulary is a collection of book in three volumes (Elementary to Advanced) which aims at enabling students to enhance their knowledge of Persian vocabulary. This collection is an efficient guide for students who take courses in Persian language vocabulary. Nevertheless, more advanced students can use this package as a Self-study guide in order to reinforce or organize their knowledge of Persian words. The key to the exercises, at the back of each volume, is intended to help the students have easy access to the answers.